

میوه‌هایی از جنس تجربه



هنری آغاز شد و منتخبان این جشنواره در شش گروه موضوعی «ادبیات»، «تحقیق و پژوهش»، «ادبیات و تاریخ مستند»، «هنر»، «ترجمه» و «بخش جانبی» معرفی و تجلیل شدند.

آیین اختتامیه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس با حضور علی لاریجانی (رییس مجلس شورای اسلامی)، علی اکبر ولایتی، کمال خرازی و دست‌اندرکاران فرهنگی کشور و نویسندگان تاریخ و ادبیات دفاع مقدس در تالار اندیشه حوزه

کتابخانه

شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۸
۱۴ شوال ۱۴۳۰، ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹
شماره ۲۰۱، پیاپی ۸۵۲
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



خزنده پنهانی
که جوانمرگ
می‌کند

۲۳



فیلسوفانی
که از عشق
سر بر آوردند

۱۸



گفت و گو
با دکتر
امیر اسماعیل آذر

۶

سرآغاز

روز خوبی خواهی داشت

پلک می‌گشایی و چند لحظه بعد، تصویر اتاق، آرام آرام شفاف و واضح می‌شود. اشعه طلایی آفتاب صورتت را نوازش کرده است. چشم می‌چرخانی و پهلوی به پهلوی بالشت زیر سرت، کتابی را می‌بینی که رویاهای دیشب تو را ساخت. دیشب، به دنیای پر شور و شعور شعر رفتی؛ به قصر پر رمز و راز رمان و داستان پا گذاشتی و در قلمرو پرفراز و نشیب دانش قدم زدی. زیر لب زمزمه می‌کنی: «خواب خوبی بود. آرام و راحت و پر از رویاهای شیرین!» لبخند می‌زنی به کتابی که دیشب خوانده‌ای و باز آرام، زمزمه می‌کنی: «اسلام، صبح به خیر!» چه روز خوبی خواهی داشت!

لبخند نویسنده «بار هستی» به زادگاهش

میلان کوندرا بخش‌هایی از آثارش را به زبان مادری ترجمه کرد

خواست که بخش‌هایی از آثارش را به زبان مادری اش ترجمه کند تا در این سمیناری که پایه و اساسش بر نوشته‌های کوندرا است خوانده شود. تقاضایی که در نهایت توسط کوندرا پذیرفته شد و دست‌اندرکاران آثار او را در پراگ خوشحال کرد.

سمینار «میلان کوندرا، اروپا» چهارشنبه هفته گذشته در شهر پراگ افتتاح شد تا به سه موضوع جامعه، فرهنگ و سیاست در اروپا بر پایه افکار میلان کوندرا بپردازد. کوندرا از ترجمه رمان‌ها و نوشته‌هایش به غیر از زبانی که خود آنها را می‌نویسد همواره اهمه داشته است. او بعد از ساخت فیلمی بر اساس رمان «بار هستی» اش از این نگران است که افکارش در ترجمه‌ها به درستی منتقل نشوند. این نویسنده بعد از اقتباس سینمایی از رمان «بار هستی» گفت که دیگر هیچ‌گاه به هیچ کارگردانی اعتماد نخواهد کرد.

ادامه در صفحه ۳

میلان کوندرا، نویسنده فرانسوی متولد چک، که از روی حساسیت و سواس گونه به آثارش با ترجمه آنها مخالف است، خودش بخش‌هایی از آثارش را برای نخستین بار به زبان مادری ترجمه کرد تا در سمیناری که در زادگاهش برگزار شد، خوانده شود.

به گزارش پایگاه اینترنتی چک هپینگ، کوندرا که همواره به مترجمان بی‌اعتماد بوده ترجمه این متون را به منظور قرائت در سمیناری با نام «میلان کوندرا، اروپا» که در پراگ برگزار شد، انجام داده است. میلان کوندرا چند ماه پیش در پیامی به برخی از منتقدان و نویسندگان کشورش گفته بود که او یک نویسنده فرانسوی است و با برخی از اظهارنظرها، دست‌اندرکاران اهل چک خود را رنجانده بود. کوندرا از منتقدان و اهالی فرهنگ چک نیز خواسته بود که او را به جای چکی، فرانسوی صدا بزنند. با این حال یکی از سناتورهای مجلس سنای چک از میلان کوندرا



- ۲ جزئیات جایزه کتاب فصل
- ۳ برگزاری دومین همایش روز ملی شعر و ادب فارسی
- ۴ آخرین کتاب ایشی گورو در ایران
- ۵ کتاب‌های پرفروش هفته

خبر خوب برای کتاب‌فروشی‌ها و مراکز پخش امکان جدید برای خرید محصولات کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)

با ما تماس بگیرید ۶۶۴۸۱۲۲۲

این که تصور شود کارهای دفاع مقدس در جامعه طالب ندارد، خطای بزرگی است. اگر کسی این را خیال کند از اشتباهات فاحش است. تحقیقات پرشمتری ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه های مختلف آثار هنری مربوط به دفاع مقدس بوده است. چه در زمینه فیلم و سینما و چه در زمینه کتاب، خاطره، داستان و ... همین چند تا کتابی که در واقع تیراژهایشان در کشور ما بی سابقه است که در ظرف دو سال ۱۰۰ بار چاپ شد. کتابی درباره دفاع مقدس؛ کتاب «خاک های نرم کوشک» یا همین کتاب «دا» که شنیدم در کمتر از دو سال بیش از ۷۰ بار به چاپ رسیده. **بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هنرمندان حوزه دفاع مقدس ۸۸/۶/۲۴**

انتشار جلد هشتم دایرة المعارف قرآن

ایکنا: جلد هشتم دایرة المعارف قرآن کریم از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم تا پایان امسال منتشر می شود.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در راستای انتشار جلدهای باقیمانده از دایرة المعارف قرآن کریم، مراحل علمی و ویرایشی انتشار جلد هشتم این دایرة المعارف را به پایان رسانده است.

جلد هشتم این دایرة المعارف که به حرف «ت» اختصاص دارد، از مدخل «تفسیر» که بزرگ ترین مدخل این جلد و شاید کل دایرة المعارف باشد، شروع و تا مدخل «تواضع» ادامه پیدا می کند. مدخل «تفسیر» یکی از موضوعات مهم این دایرة المعارف به شمار می رود و در مجموع ۲۵ مقاله را در خود جای داده است.

جلد هشتم دایرة المعارف قرآن کریم تا پایان امسال منتشر می شود.

«تفسیر روز» به قلم یثربی

ایکنا: نخستین جلد از تفسیر قرآن کریم به قلم سید یحیی یثربی با عنوان «تفسیر روز» از سوی موسسه انتشارات امیرکبیر منتشر شد.

یثربی در این کتاب که تفسیری عقلی و کاربردی از قرآن با توجه به مسائل روز است تلاش کرده با نگاهی عقلانی به قرآن کریم آن را به گونه ای تفسیر کند که به گفته وی گویا به تازگی و در جهان امروز نازل شده و انسان در حال رویه رو شدن با آن است و دوست دارد به فهم مطالب آن دست یابد.

موسسه انتشارات امیرکبیر جلد نخست «تفسیر روز» را با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۶۰۰۰ تومان روانه بازار کتاب کرده است.

محمدرضا سرشار خبر داد

انسان مجموعه ای ۲۰ جلدی «درباره ادبیات داستانی» دومین همایش روز ملی شعر و ادب فارسی

دومین همایش گرامی داشت روز ملی شعر و ادب فارسی، دوشنبه سیزدهم مهر از سوی موسسه خانه کتاب و بنیاد ادبیات داستانی در هتل لاله تهران برگزار می شود. این مراسم که با حضور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیرعامل خانه کتاب و جمعی از نویسندگان، شاعران و اهالی قلم برگزار می شود گامی است برای ایجاد فضایی مطلوب و ارائه نظرات اهالی قلم و فرهنگ تا از این رهگذر، مدیران فرهنگی نیز در جریان انتظارات و ایده های اهالی قلم قرار بگیرند. مدیرعامل خانه کتاب با بیان این خبر و اشاره به این که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل سفر به اجلاس یونسکو احتمالاً در این مراسم حضور نخواهد داشت، از حضور تعدادی از برگزیدگان جایزه های کتاب در این مراسم خبر داد. شجاعی یادآور شد: «در این مراسم، ضمن گرامی داشت روز شعر و ادب فارسی، زمینه ای فراهم می شود تا اهالی این حوزه در گفت و گو با مدیران فرهنگی درباره کلیات و مسائلی که به راهبری حوزه شعر و ادب مربوط می شود، فضای مطلوب تری را برای مدیریت فرهنگی و تولید آثار فاخر و ارزشمند پیش روی خود ببینند.»

مجموعه ای ۲۰ جلدی «درباره ادبیات داستانی» از نگارش محمدرضا سرشار نویسنده و منتقد حوزه ادبیات از نگارش مجموعه ای ۲۰ جلدی در حوزه ادبیات داستانی خبر داد. وی در گفت و گو با خبرنگار کتاب هفته با اعلام این خبر، ویژگی این مجموعه را کارکرد آموزشی آن عنوان کرد و درباره سرفصل های موضوعی این مجموعه گفت: «مباحثی مانند داستان، نقد ادبی و رویکردهای آن، پیشینه ها و سیر تاریخی داستان، نقش اسطوره ها در داستان و بررسی داستان های مدرن و پسا مدرن از جمله سرفصل های این مجموعه اند.» سرشار در پاسخ به این سوال که «این مجموعه حاصل کار گروهی است یا شخصاً نگارش آن را بر عهده دارید؟» اظهار داشت: «این یک کار انفرادی است و نگارش کل مجموعه بر عهده خودم است البته باید یادآور شوم که هر یک از مجلدات این مجموعه بین ۷۰ تا ۱۰۰ صفحه است که در قطع پالتویی منتشر خواهد شد.» وی با اشاره به این که تا کنون کار نگارش سه جلد از این مجموعه به پایان رسیده، مخاطبان این کتاب ها را دانشجویان و علاقه مندان دانست که تا به حال کمتر با این عرصه آشنا شده اند. «نقد ادبی، فایده ها و آفات»، «رویکردهای نقد ادبی»، «پیشینه داستان و داستان گویی در ایران و جهان»، «حکایت و داستان مینی مال»، «شخصیت پردازی در داستان»، «فضاسازی و پرداخت در داستان»، «اسانه و اسطوره»، «داستان رمزی»، «داستان تمثیلی»، «داستان پسا مدرن» و «داستان شبه عرفانی نو» از جمله عناوین کتاب های این مجموعه اند.

مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب از جزییات جایزه کتاب فصل سخن گفت

نهمین جایزه کتاب فصل سه شنبه برندگانش را می شناسد



نهمین دوره جایزه «کتاب فصل» سه شنبه، چهاردهم مهر، از سوی موسسه خانه کتاب در تالار سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار می شود. علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب (برگزارکننده این جایزه) در گفت و گو با «کتاب هفته» با بیان این مطلب، از ارزیابی دو هزار و ۹۱۹ عنوان کتاب در این دوره از جایزه خبر داد و گفت: «از این میان دو هزار و ۷۴۵ عنوان که امتیاز لازم را برای راهیابی به مرحله دوم کسب نکردند در مرحله اول حذف و مابقی یعنی ۱۷۴ عنوان به مرحله دوم راه یافتند.» وی افزود: «از میان آثار یادشده، پس از ارزیابی دقیق و علمی هر اثر توسط دو نفر از داوران، در مجموع ۱۷ عنوان کتاب، برگزیده و ۳۴ عنوان کتاب شایسته تقدیر شناخته شد.»

به گفته مدیرعامل موسسه خانه کتاب، از میان آثار برگزیده، ۱۰ اثر تالیف، ۶ اثر ترجمه و یک اثر تصحیح و همچنین از میان آثار شایسته تقدیر ۱۸ اثر تالیف و ۱۵ اثر ترجمه و یک اثر تصحیح هستند.» وی در ادامه از تشکیل یک هیات علمی برای جایزه کتاب فصل از دور بعدی این جایزه (دهمین دوره) خبر داد و متذکر شد: «در جایزه کتاب فصل کتاب هایی داوری می شوند که در فصل مربوط به جشنواره برای نخستین بار چاپ شده باشند و افسست و کتاب کمک درسی نباشند.» شجاعی صائین در پاسخ به این سوال که «برگزاری جایزه کتاب فصل چه تاثیری بر جوایز دیگری نظیر جایزه کتاب سال داشته»، اظهار داشت: «برگزاری این جایزه دو نتیجه کاملاً مشخص داشت یکی این که دامنه داوری ما رابه لحاظ تعداد عناوین بیش از صد درصد به نسبت دو سال پیش که کتاب فصل را شروع کردیم افزایش داد و فایده و نتیجه دیگر این بود که موجب استحکام داوری شد، زیرا کتاب ها عملاً دو بار داوری می شوند.»

مدیرعامل موسسه خانه کتاب همچنین درباره بازخورد برگزاری این جایزه تصریح کرد: «در گفت و گویی که با ناشران و نویسندگان داشتیم به برگزاری کتاب فصل بیش از پیش امیدوار شدیم؛ بعضی از نویسندگان این حرکت را تعبیر به «معجزه» کرده اند، شاید به این دلیل که با برگزاری این جایزه، ورود کتاب ها به گردونه داوری و معرفی آثار فاخر و ارزشمند تقریباً مستمر است و این فضا برای نویسندگان و ناشران ما ایجاد شده تا تعداد زیادی از آثارشان دیده شود بالطبع به این صورت آثار بیشتری نیز به جامعه معرفی می شود و از سویی نویسندگان و ناشران نیز دلگرم می شوند.»

شجاعی صائین در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر این که «آیا ممکن است برخی آثار برگزیده جایزه کتاب فصل، در جایزه کتاب سال هم جزو آثار منتخب بازخورد برگزاری این جایزه تصریح کرد: «در گفت و گویی که با ناشران و نویسندگان داشتیم به برگزاری کتاب فصل بیش از پیش امیدوار شدیم؛ بعضی از نویسندگان این حرکت را تعبیر به «معجزه» کرده اند، شاید به این دلیل که با برگزاری این جایزه، ورود کتاب ها به گردونه داوری و معرفی آثار فاخر و ارزشمند تقریباً مستمر است و این فضا برای نویسندگان و ناشران ما ایجاد شده تا تعداد زیادی از آثارشان دیده شود بالطبع به این صورت آثار بیشتری نیز به جامعه معرفی می شود و از سویی نویسندگان و ناشران نیز دلگرم می شوند.»

با حضور حافظ پژوهان همایش بزرگداشت حافظ برگزار می شود



همایش «گفت و گو با حافظ» ۱۸ و ۱۹ مهر در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می شود. کوروش کمالی سروسناتی مدیر بنیاد دانشنامه فارس در گفت و گو با کتاب هفته با بیان این مطلب از حضور چهره های شاخص فرهنگی در این همایش خبر داد و گفت: «در این همایش استادان و حافظ پژوهانی چون بهاء الدین خرمشاهی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، سعید حمیدیان، اصغر دادبه، سیدحسین شهرستانی، آیدین آغداشلو، مهدی محبتی و علی اکبر دارانی درباره این شاعر نام آور سخن خواهند گفت.» به گفته کمالی، سخنرانان این همایش موضوعاتی نظیر عشق، عقل، مروت، مدارا، رندی و دانش در شعر حافظ را مورد بررسی قرار خواهند داد. کمالی همچنین یادآور شد: «نقد و بررسی کارنامه حافظ پژوهی در یک سال گذشته از دیگر برنامه های این همایش دو روزه است.» همایش «گفت و گو با حافظ» توسط شهر کتاب مرکزی، بنیاد دانشنامه فارس و موسسه آموزش عالی حافظ شیراز ۱۸ و ۱۹ مهر در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می شود.

آخرین کتاب ایشی گورو به ایران رسید

مجموعه داستان «آوازهای شبانه» آخرین اثر کازوئو ایشی گورو، نویسنده بریتانیایی متولد ژاپن که در سال جاری میلادی منتشر شده است، توسط مهدی غبرایی به فارسی ترجمه شد و در ایران منتشر می شود. این کتاب مجموعه پنج داستان کوتاه در باره نوازندگان است که هرگز به موفقیتی که انتظارش را داشتند نرسیده اند. خود ایشی گورو زمانی دوست داشته نوازنده یاترانه سرا شود؛ اما به این آرزوی خود نرسید.

این کتاب توسط موسسه انتشاراتی «کتاب سرای نیک» روانه بازار نشر ایران می شود.

«آوازهای شبانه» مجموعه ای از پنج داستان کوتاه ایشی گورو است که نسخه اصلی آن امسال به چاپ رسیده. غبرایی در توضیح نامی که برای این کتاب برگزیده گفت: «ابتدا عنوان «شبانه ها» را برای این کتاب برگزیده بودم. در مطبوعات فارسی زبان هم این کتاب با همین نام ترجمه شده است. اما به باورم این ترجمه کامل نیست. واژه «Nocturnes» معنای موسیقی یا آواز می دهد و عنوان «آوازهای شبانه» کامل تر است.

پس از پنج رمان، «آوازهای شبانه» اولین مجموعه داستان کوتاه ایشی گورو است. اما او نسبت به این که باید چه عنوانی به این رمان داد شک دارد و در مصاحبه با گاردین گفته است: «راستش مطمئن نیستم باید به این کتاب چه گفت. در برابر این که آن را مجموعه داستان کوتاه بنامم مقاومت می کنم، چون گاهی رمان نویس ها مجموعه ای از داستان های کوتاهشان را منتشر می کنند که در واقع مجموعه ای هستند از داستان هایی که در عرض مثلا ۳۰ سال به صورت پراکنده نوشته اند. اما

من نشستم و این مجموعه را با قصد قبلی از آغاز تا پایان نوشتم. این کتاب را همان طور که رمان می نویسم نوشتم. ادعای نمی کنم که نویسنده داستان کوتاه هستم و اصلا مطمئن نیستم که شیوه نوشتن داستان کوتاه هم درست باشد؛ من فقط این کتاب را تقریبا مثل یک رمان نویسنده نوشتم. شاید کمی مظاهرا نه به نظر بیاید، اما در برخی انواع موسیقی، مثل سونات ها شما پنج قطعه کاملا جدا از هم دارید که با هم اجرا می شوند.» وی نسخه اصلی این کتاب را در هفت می سال جاری میلادی منتشر کرده است و ترجمه فارسی غبرایی از این اثر در کمتر از چهار ماه به پایان رسیده است. این مترجم زبان انگلیسی پیش تر کتاب دیگری از این نویسنده با نام «هرگز ترکم مکن» را به فارسی ترجمه کرده است.

کازوئو ایشی گورو (kazuo Ishiguro) نویسنده انگلیسی متولد ژاپن و برنده جایزه ادبی بوکر، ۵۳ سال پیش، در ۸ نوامبر ۱۹۵۴ میلادی در شهر ناگازاکی (بندری در غرب جزیره کیوشو در کشور ژاپن و مرکز استانی به همین نام) متولد شد.

وی نویسنده حرفه ای را در سال ۱۹۸۲ آغاز کرد و در سال ۱۹۸۶ برای کتاب «هنرمندی در دنیای شناور» جایزه ادبی «وایت برد» را به دست آورد. او سه سال بعد در ۱۹۸۹ میلادی، برای رمان «بازمانده روز» جایزه ادبی بوکر نیز دست یافت. از این رمان فیلم پرفروشی با نقش آفرینی آنتونی هاپکینز ساخته شده است.

رمان های «وقتی یتیم بودیم» و «هرگز رهایم مکن» از این نویسنده نیز به جایزه نهایی بوکر راه یافته اند.



از ایشی گورو در ایران کتاب های «بازمانده روز» با ترجمه نجف دریابندری، «وقتی یتیم بودیم» با ترجمه مژده دقیقی، «غروب آری، اما تنها» با ترجمه مریم ناظم زاده، «منظر پریده رنگ تپه ها» با ترجمه امیر امجد و «هرگز رهایم مکن» با ترجمه سهیل سمی به فارسی ترجمه و منتشر شده اند.

همچنین دو سال پیش و همزمان با تولد این نویسنده، انتشارات ققنوس کتاب دیگری از ایشی گورو با نام «تسلی ناپذیر» را با ترجمه سهیل سمی به بازار کتاب ایران عرضه کرد.

یوسا جایزه ۳۰ هزار یورویی «کابالرو باندا» را برد

ماریو واراگاس یوسا، نویسنده مشهور پرویی برنده جایزه بین المللی مقاله نویسی «کابالرو» باندا شد.

به نوشته سایت لیونینگ این پرو، یوسا این جایزه را به دلیل نوشتن مقاله «سفر به افسانه» با کاوش در جهان داستانی نویسنده اروگوئه ای «خوان کارلوس اوئی» کسب کرده است. وی درباره نوشتن این مقاله که به صورت کتاب منتشر شده گفته است: «من از نوشتن این کتاب و تلاش برای درک این نویسنده لذت بردم.» هیأت داوران مقاله یوسا را به عنوان کاری بسیار قوی درباره یکی از بزرگ ترین نویسندگان آمریکای لاتین در قرن بیستم شایسته دریافت این جایزه دانسته اند. در جایزه کابالرو باندا، ۸۰ مقاله از اسپانیا و آمریکای لاتین با هم به رقابت پرداختند که جایزه ۳۰ هزار یورویی آن نصیب این نویسنده پرویی معروف شد. یوسا همواره تحسین گر جهان خیالی



اوتی بوده و او را به عنوان یکی از اولین نویسندگان مدرن اسپانیایی زبان ستوده است.

واراگاس یوسا، نویسنده سرشناس ادبیات آمریکای جنوبی و فعال سیاسی، ۷۱ سال پیش در پرو زاده شد. این نویسنده به علت مواضع تند سیاسی و رمان های تاریخی خود شهرت قابل توجهی به دست آورده و یک بار نیز کاندیدای ریاست جمهوری پرو بوده است. از یوسا، تاکنون آثاری چون «مردی که حرف می زند»، «سور بز»، «واقعیت نویسنده»، «راز قتل پالمینو مولرو»، «دوشیزه خانم تاکننا» و «سال های سگی» در ایران به انتشار رسیده اند.

بیشتر آثار این نویسنده در ایران توسط عبدالله کوثری ترجمه شده اند، هر چند مترجمان دیگری چون اسدالله امرایی نیز برخی از آثار او را به فارسی برگردانده اند.

سه داستان کوتاه از چارلز بوکفسکی در راه انتشار

«موسیقی آب گرم» کامل می شود

سه داستان کوتاه از چارلز بوکفسکی، نویسنده آمریکایی نسل بیت، در کتابی با نام «سه داستان» منتشر می شود. به گفته مترجم، این سه داستان در ادامه داستان های «موسیقی آب گرم» هستند که پیش تر در ایران منتشر شده است.

«سه داستان از چارلز بوکفسکی» را پیمان خاکسار به فارسی ترجمه کرده است که ترجمه او در کتابی جیبی از سوی نشر چشمه منتشر می شود.

این مترجم تاکنون دو رمان از بوکفسکی با نام های «عامه پسند» و «هالیوود» را ترجمه کرده که «عامه پسند» چندی پیش منتشر شد و «هالیوود» در راه انتشار است. از بوکفسکی تاکنون تنها یک مجموعه داستان با نام «موسیقی آب گرم»، شامل پنج داستان کوتاه، با ترجمه بهمن کیارستمی در ایران منتشر شده است و به گفته خاکسار داستان های کتاب حاضر در ادامه همین اثر است.

این مترجم در این باره گفت: «آقای کیارستمی داستان های مجموعه «موسیقی آب گرم» را از کتاب «شمال بی جنوب» این نویسنده انتخاب کرده بودند؛ اما سه داستان از این مجموعه در ترجمه ایشان نبود. این سه داستان را پارسل به فارسی ترجمه کردم که در کتاب

کم حجم «سه داستان از بوکفسکی» منتشر می شود.» به گفته این مترجم، «کفش اسکیت»، «دکتر نازی» و «قاتل ها» نام های این سه داستان است. وی درباره محتوای این داستان ها توضیح داد: «کفش اسکیت» و «قاتل ها» دو داستان بسیار تلخ هستند و از محتوای شوخ آثار بوکفسکی در آنها خبری نیست. در داستان اول ماجرای یک بازیکن هاکی روی یخ نقل می شود که مورد تحقیر و تمسخر مربانش قرار گرفته. داستان دوم هم ماجرای دو انسان است که برای پول دار شدن مرتکب جنایت می شوند، اما پایان تلخ، دور از انتظار و می توان گفت «مسخره» ای در انتظار آنها است. تنها داستان «دکتر نازی» ماجرای از خود بوکفسکی است و داستانی طنز و طعنه آمیز دارد.

خاکسار بعد از بهمن کیارستمی، اولین مترجم داستان های بوکفسکی و تنها کسی است که تاکنون رمانی از این نویسنده به فارسی ترجمه کرده است.

در ایران اخیرا انتشار ترجمه های فارسی از شعرهای بوکفسکی رونق گرفته و چند مجموعه شعر از وی منتشر شده است. اما از چند سال پیش که مجموعه داستان «موسیقی آب گرم» وی با ترجمه بهمن کیارستمی در ایران چاپ شد کتاب داستانی دیگری از بوکفسکی

به ایران نرسید تا امسال که ترجمه خاکسار از رمان «عامه پسند» منتشر شد. «هالیوود» در صورت انتشار دومین رمان این نویسنده است که رخت واژگان فارسی می پوشد و «سه داستان» دومین مجموعه داستان کوتاه از بوکفسکی.

بوکفسکی در ۱۶ آگوست ۱۹۲۰، در شهر آندرنای آلمان به دنیا آمد و وقتی سه ساله بود، همراه خانواده اش به آمریکا مهاجرت کرد. او اولین قصه اش را در سال ۱۹۴۴ منتشر کرد. بعد تقریبا ۲۰ سال هیچ چیز نوشت. تنها کار بیدی را تجربه و در اتاق های کوچک اجاره ای زندگی کرد. او سال ها به عنوان نامه رسان در اداره پست لس آنجلس کار کرد و به روایت خودش روزی که دوباره نوشتن را آغاز کرد، از اداره پست اخراج شد.

با این که بوکفسکی سرودن شعر و نویسندگی را به طور جدی از ۴۰ سالگی پیگیری کرد، اما در عمر ۷۳ ساله خود، بیش از هزار قطعه شعر، بیش از ۱۰۰ داستان کوتاه و شش رمان خلق کرد که آنها در ۵۰ جلد کتاب منتشر شده اند. این شاعر در سن ۷۳ سالگی در شهر سن پدرو، اندکی پس از انتشار آخرین رمانش دیده از جهان فروبست. روی سنگ قبر این شاعر تنها یک جمله نقش بسته است: تلاش نکن!

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

یادداشتی منتشر نشده از کالوینو

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند، این هفته ترجمه فارسی منتشر نشده ای را از یک دست نوشته ایتالو کالوینو، برنده ایتالیایی نوبل ادبیات، منتشر کرد. کالوینو در این یادداشت از کتاب «شهرهای ناپیدا»، یکی از معروف ترین آثار خود که سبکی فانتزی و خیالی دارد، نوشته است. همچنین یادداشت هایی از اعظم رسولی، مترجم زبان ایتالیایی، زهره یزدان پناه قره تپه، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس، مرتضی سرهنگی، نویسنده و روزنامه نگار، یادداشتی درباره کتاب «جنگ بی پایان و هشت مقاله دیگر» و یادداشتی به مناسبت سالروز گذشت حسین ابراهیمی الوند، مترجم فقید آثار مربوط به کودکان و نوجوانان، در بخش «یادداشت روز» ایبنا منتشر شده اند.

مرتضی سرهنگی در یادداشتی با عنوان «کلمه کلیدی حقیقت»، از لزوم پژوهش و تحقیق درباره حقیقت های جنگ هشت ساله ایران و عراق نوشته و در بخشی از یادداشت خود تاکید کرده است: «گاهی ما فکر می کنیم وقتی از جنگ حرف می زنیم، شاید کمی مبالغه به نظر بیاید یا بگویند پایمان را از گلیم جنگ بیشتر دراز می کنیم. اعتقاد دارم تا حقیقت جنگ از جنبه های گوناگونش روشن نشود، این حادثه بزرگ و سرنوشت ساز گرفتار همین تبلیغات روزمره خواهد بود.»

«ایبنا نوجوان» و دو داستان برای کودکان

داستان کوتاه «نجیب» نوشته محمد جواد جزینی و داستان کوتاه «می روم حلیم بخرم» به قلم داوود امیریان، هفته گذشته در «ایبنا» نوجوان، وب سایت فرعی خبرگزاری کتاب ایران، ویژه کودکان و نوجوانان، برای بچه ها منتشر شده است. «ایبنا نوجوان» همچنین گفت و گویی با محسن هجری، نویسنده کتاب «فصل چیدن»، داستان هایی از زندگی امام صادق (ع)، گفت و گویی با سید سعید هاشمی، نویسنده کتاب های «مجله میکرو ب خان» و «پیرمرد و صندلی» و خبرهایی را از دنیای کتاب کودکان و نوجوانان منتشر کرده است.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی ایبنا، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار و آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به جهان انگلیسی زبان ارائه کرد.

میلان کوندرا بخش هایی از آثارش را به زبان مادری ترجمه کرد

ادامه از صفحه اول

میلان کوندرا از ۳۴ سال پیش به این سو در کشور فرانسه زندگی می کند و شهروند فرانسوی است. این نویسنده متولد چک، ابتدا آثارش را به زبان چک می نوشت و با نوشتن رمان «شوخی» و رمان هایی که دولت کمونیستی چک را به یاد انتقاد می گرفت، به شهرت دست یافت، اما چند سال پس از مهاجرت به فرانسه، دیگر به زبان مادری اش نوشت.

وی همواره از این که رمان های اولیه اش و آثاری چون «بار هستی» و «شوخی» به رمان هایی سیاسی که به وضعیت زندگی در چک در زمان حکومت کمونیستی این کشور انتقاد می کند، مشهور شده اند انتقاد کرده و گفته است این آثار صرفا رمان هایی عاشقانه اند. میلان کوندرا اکنون ۸۰ ساله است.

فروش خوب

«لطفاً گوسفند نباشید»

«لطفاً گوسفند نباشید» عنوان کتابی است از محمود نامنی از انتشارات نامن که به گفته مسوول فروش کتابفروشی سرای مهر در هفته گذشته از فروش نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. این کتاب که تا کنون بیش از ۲۰ بار تجدید چاپ شده، حاوی مباحثی درباره خودشناسی، خودسازی و آزمون‌های شخصیت است که بیشتر به صورت نقل قول‌هایی از بزرگان نگاهشده شده. در این کتاب مباحثی نظیر مدیریت احساس، اعتماد به نفس، چگونگی انتخاب دوست، جایگاه آدم‌ها در زندگی، مفهوم خودآگاهی، ماهیت انسان و زندگی و مباحثی از این دست مورد کنکاش قرار گرفته است.

رمان «یاسمین» اثر مرتضی مودب‌پور از نشر نیریز، «فرهنگ نام‌های ایرانی» به کوشش اکرم کاظمی‌پور از انتشارات غزل‌سرا، «رازهایی درباره مردان» و «رازهایی درباره زنان» اثر باربارا دی آنجلیس با ترجمه هادی ابراهیمی از انتشارات نسل نواندیش و «آنچه زنان می‌خواهند مردان بدانند» به قلم باربارا دی آنجلیس با ترجمه نسرین گلدار و ناهید رشید از نشر آسیم از دیگر آثار پرفروش کتابفروشی سرای مهر در هفته گذشته بودند.

مسوول کتابفروشی کتاب روشن نیز تنها دو کتاب راجز و آثار پرفروش در هفته گذشته معرفی کرد: از آتن تا پکن، داستان شکفت انگیز و جذاب مسابقات المپیک از آغاز تا کنون» اثر دیوید سی یانگ با ترجمه افشین همایون پور و «فرنگ و فرنگی در ایران» گردآوری و گزارش عبدالمحمد روح‌بخشیان در حوزه ادبیات فارسی که هر دو این کتاب‌ها از سوی انتشارات کتاب روشن به چاپ رسیده‌اند.

انتشارات و کتابفروشی برهان نیز در هفته گذشته دو کتاب «تفسیر روان‌جاوید» اثر آیت‌الله حاج میرزا محمد تقی تهرانی و «سرودهای خرازی» شامل مدایح و مرثی، سروده مرتضی حاج عبدالرحیم مشهور به حاج مهدی خرازی را در صدر فروش داشته است.

شرح غزلیات مولانا به بیت ۹ هزارم رسید

به قلم کریم زمانی



شرح «دیوان شمس» (مجموعه غزلیات مولانا) عنوان کاری پژوهشی از کریم زمانی، مولانا پژوه است. تاکنون حدود ۹۰۰۰ بیت از این ابیات شرح داده شده؛ اما زمانی می‌گوید تا هنگامی که شرح تمامی ابیات به پایان نرسد، برای انتشار آن وارد مذاکره با ناشری نخواهد شد.

زمانی در گفت‌وگو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) درباره شرح «دیوان غزلیات مولانا» گفت: «چند سالی می‌شود که مشغول انجام شرح این غزلیات به همان شیوه شرح مثنوی هستم. وی درباره شیوه تشریح این ابیات ادامه داد: «تمامی بیت‌ها به‌طور جداگانه شرح داده می‌شود و هیچ بیانی کنار گذاشته نمی‌شود چرا که برای درک معنی کامل یک غزل آگاهی از تمام ابیات الزامی است.»

زمانی با تأکید بر دشواری درک غزلیات مولانا و نمادین بودن آنها توضیح داد: «حدود ۵۰ شرح و تفسیر در زبان فارسی، هندی و سایر زبان‌ها بر مثنوی مولانا نوشته شده و این در حالی است که به دلیل دشواری

تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره چاپ

مهلت ارسال آثار چاپی به بخش مسابقات تخصصی نهمین جشنواره صنعت چاپ تا ۱۵ مهرماه تمدید شد.

دبیر بخش مسابقات تخصصی جشنواره چاپ با اعلام این مطلب گفت: با توجه به این که حوزه‌های ارسال آثار چاپی در نهمین جشنواره گسترش یافته است و تولیدکنندگان آثار چاپی نیز در این مسابقه حضور دارند، مهلت ارسال آثار را افزایش دادیم. محسن یگانه کاری همچنین از ادامه تعیین معیارهای داوری در بخش مسابقات تخصصی خبر داد و افزود: «سال گذشته برای نخستین بار معیارهای داوری تعیین شدند و امسال علاوه بر تجدید نظر در این معیارها، برای داوری محصولات جدید، معیارهای دیگری تعیین شد، در این معیارها از نظرات کارشناسی ۷۰ استاد و صاحب نظر حوزه صنعت چاپ و صنایع وابسته استفاده خواهیم کرد.»

وی از اعلام اسامی داوران بخش مسابقات تخصصی نهمین جشنواره صنعت چاپ ۳۱ شهریور ۸۸ اعلام شده بود.

برنامه‌های سرای اهل قلم در هفته جاری

برنامه‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز، شنبه یازدهم مهر نشست «حافظ پژوهی» با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ برگزار می‌شود.

نقد و بررسی مجموعه داستان «مشتی خاک، همین» نوشته مینا احمدی با حضور نویسنده و محسن فرجی، جواد ماهزاده و علی‌الله سلیمی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ تنها نشست روز یکشنبه سرای اهل قلم خواهد بود. آخرین نشست این هفته نیز چهارشنبه به رونمایی کتاب «طبقه بندی و شرح جامع مشاغل» اثر ابراهیم بای‌سلامی با حضور دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر علیرضا رهایی رئیس دانشگاه امیرکبیر، علی شجاعی صائین مدیرعامل موسسه خانه کتاب، دکتر سید رضا جوادین رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و جمعی از مسوولان کشوری و شخصیت‌های علمی از ساعت ۱۰ تا ۱۲ اختصاص دارد.

در روز بزرگداشت مولانا

مزار شمس تبریزی گلباران شد

همزمان با هشتصد و دومین سالروز تولد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی شاعر ایرانی قرن ۷ هجری، مزار شمس تبریزی، استاد مولانا و فردی که بسیاری از سروده‌های مولانا درباره او است، در خوی گلباران شد. روز چهارشنبه (هشتم مهر)، مراسم بزرگداشت مولانا در خوی با حضور مسوولان کشوری و استانی برگزار شد. مصطفی پورمحمدی، حجت‌الله ایوبی، مدیرعامل بنیاد شمس تبریزی، توفیق سلطانی، مولانا ناشناس، توفیق سبحانی، پژوهشگر ادبی و

همزمان با هشتصد و دومین سالروز تولد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی شاعر ایرانی قرن ۷ هجری، مزار شمس تبریزی، استاد مولانا و فردی که بسیاری از سروده‌های مولانا درباره او است، در خوی گلباران شد.

روز چهارشنبه (هشتم مهر)، مراسم بزرگداشت مولانا در خوی با حضور مسوولان کشوری و استانی برگزار شد. مصطفی پورمحمدی، حجت‌الله ایوبی، مدیرعامل بنیاد شمس تبریزی، توفیق سلطانی، مولانا ناشناس، توفیق سبحانی، پژوهشگر ادبی و

است و در مدت ۶ سالی که زمانی روی شرح ابیات کار می‌کند، حدود ۹۰۰۰ بیت از این ابیات شرح داده شده است. وی در ادامه از به پایان رسیدن شرح «فیه ما فیه» خبر داد و گفت: «فیه ما فیه» مجموعه‌ای از خطابه‌های مولانا در مجالس و محافل مختلف است، با توجه به مقام مولانا در مناسبت‌های مختلف، سولاتی از وی پرسیده می‌شده و او فی‌البداهه پاسخ می‌داده و این پاسخ‌ها توسط افراد تندنویس حاضر در مجالس نوشته می‌شده است. زمانی تأکید کرد: این کتاب گفتارهای مثنوی مولوی است و ارتباط نزدیک با مثنوی دارد. درک مثنوی تا حدودی وابسته به درک «فیه ما فیه» است. به قلم این مولانا پژوه، دوره هفت جلدی «شرح مثنوی معنوی» ۱۵ سال پیش منتشر شده و جلد نخست آن به چاپ سی‌ام رسیده و براساس همین شرح به پنج زبان از جمله روسی، چینی، آلمانی و ازبکی ترجمه شده است. «میناگر عشق» عنوان کتاب دیگری از این مولانا پژوه است که نخستین بار سال ۱۳۸۲ منتشر شده و اکنون به چاپ ششم در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه رسیده است. این کتاب شرح موضوعی مثنوی است و بیش از ۱۵۰ موضوع در آن به صورت تحلیلی مطرح و تشریح شده است.

قابل توجه ناشران محترم سراسر کشور

آگهی ثبت نام یازدهمین نمایشگاه کتاب خراسان رضوی

یازدهمین نمایشگاه کتاب خراسان رضوی از تاریخ ۲۴ مهر ماه لغایت ۴ آبان ماه ۱۳۸۸ در محل دائمی نمایشگاه بین‌المللی مشهد برگزار می‌گردد. از گنبد ناشران محترم سراسر کشور دعوت می‌گردد جهت ثبت نام تا تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۴ به مراکز ذیل مراجعه نمایند.

- ۱- اتحادیه شرکت‌های تعاونی ناشران ایران
تهران، خیابان انقلاب، استاد نجات‌آهی (ویلا)، روبروی فروشگاه سیم، کوچه ایلیوچی، پلاک ۵، واحد ۳ - تلفن: ۸۸۸۰۷۱۹۳ - ۸۸۸۰۸۷۰۶ - فکس: ۸۸۹۴۰۱۰۰
- ۲- شرکت تعاونی ناشران خراسان
مشهد، خیابان قائم، بین قائم ۱۵ و ۱۷، پلاک ۴۵ - تلفن: ۸۳۵۵۷۵ - فکس: ۸۳۱۱۲۵۲ - ۵۱۱
- ۳- شرکت تعاونی ناشران قم
خیابان شهید، کوچه ییگدلی، پلاک ۴۵ (آقای حسینی) - تلفن: ۷۸۴۴۱۴ - فکس: ۷۸۴۴۱۷ - ۲۵۱
- ۴- شرکت تعاونی ناشران تبریز
میدان شهرداری، خیابان ارتش شمالی، ساختمان شماره ۴۹ (آقای برجسته) - تلفن: ۵۲۶۱۵۶۷ - ۴۱۱ - فکس: ۵۲۶۱۵۶۷ - ۴۱۱
- ۵- شرکت تعاونی ناشران شیراز
بازار بهجت، بهجت ۴۵، شماره ۶۷ (آقای لقمان) - تلفن: ۳۳۴۷۶۶۴ - ۷۱۱ - فکس: ۳۳۴۷۶۶۴ - ۷۱۱
- ۶- شرکت تعاونی ناشران اهواز
کلیتپارس، خیابان ۹ غربی، فاز ۳، پلاک ۱۲۸/۱ (آقای مدرس نیا) - تلفن: ۳۳۸۳۷۳۴ - ۵۱۱ - فکس: ۳۳۸۳۷۳۴ - ۵۱۱
- ۷- شرکت تعاونی ناشران اصفهان
خیابان استانداری، کوچه شهید عقیلی، مقابل هتل هشت بهشت، پلاک ۵۵، طبقه سوم (آقای رفیع) - تلفن: ۲۲۲۰۲۰۷ - ۴۱۱ - فکس: ۲۲۲۰۲۰۷ - ۴۱۱
- ۸- شرکت تعاونی ناشران همدان
آرامگاه بوعلی، خیابان بین‌النهرین، مقابل مسجد شریف ملک، نبش کوچه عباب - تلفن: ۸۳۵۰۰۹۰ - ۸۱۱ - فکس: ۸۲۵۸۲۴ - ۹۳۷۱۴۴۴ - ۶۸
- ۹- شرکت تعاونی ناشران قزوین
میدان عارف، فروشگاه انتشارات حدیث امروز، آقای افشاری - تلفن: ۳۳۵۱۱۰۰ - ۷۸۱ - فکس: ۹۱۲۱۸۲۳۱۸ و ۳۳۵۱۱۰۰
- ۱۰- شرکت تعاونی ناشران کرمان
جاده تهران، چهارراه فیروزه، شرکت کرمان تکس، انتشارات فانوس (نام حسینی) - تلفن: ۳۳۱ - ۴۴۴۵۳۳۹
- ۱۱- شرکت تعاونی ناشران مازندران
کوچه اسفوللو، مجتمع پزشکان، طبقه اول، تلفن: ۲۲۴۹۰۱۱ - ۱۵۱
- ۱۲- شرکت تعاونی ناشران گیلان
رشد، خیابان امام خمینی، کوچه آقرا، انتشارات سینا، پلاک ۸۰ - (آقای بلوری) - تلفن: ۲۲۴۵۵۷۵ - ۱۳۱ - فکس: ۲۲۴۱۱۷۴ - ۱۳۱
- ۱۳- شرکت تعاونی ناشران یزد
خیابان امام، اداره ارشاد اسلامی شهرستان یزد

سناد برگزاری یازدهمین نمایشگاه کتاب خراسان رضوی



نگاهی به جایگاه کتاب ایران در آینده نه چندان دور

۲۰ سال دیگر؛ جوان تر و امیدوارتر

برای استفاده از امکانات دیجیتالی و مطالعات اینترنتی فراهم نشود، نمی توان در این زمینه اظهار نظر کرد.

وی ایجاد و گسترش کتابخانه رادیویی با عنوان «ایران صدا» را پرچم دار پیشرفت و تحولات حوزه مطالعه و کتابخوانی می خواند و می گوید: «این شعار زیبا که چشم بسته کتاب بخوانید» این امکان را برای افراد گوناگون فراهم کرده است تا در حین انجام فعالیت های گوناگون نظیر رانندگی، مروری بر آثار مورد علاقه شان داشته باشند. بشر هیچ گاه کتاب را از خود جدا نخواهد کرد، زیرا هیچ وسیله ای نمی تواند جای آن را بگیرد، حتی در زمان ها و مکان های مختلف و در شرایط گوناگون که امکان استفاده از رایانه، اتصال به اینترنت و ... فراهم نیست.»

آخرین فردی که در این زمینه گفته هایش را مرور می کنیم، زهرا عبداللهیان، معاون فنی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است. او علت پایین بودن میزان مطالعه نسبت به عناوین گوناگونی که تالیف و منتشر می شوند را ضعف اطلاع رسانی و کم محتوا بودن بعضی از آثار می داند و می گوید: «اطلاع رسانی در این حوزه، جریان نوپایی در ایران است که هنوز در حال شکل گیری و توسعه است.»

وی ادامه می دهد: «این که هر یک از ما به هر قیمتی که شده است می خواهیم اثری از ما به چاپ برسد و به نوعی صاحب کتاب شویم و مرجعی برای ارزش گذاری در این زمینه وجود ندارد، یکی از آسیب های این حوزه به شمار می رود. حتی برخی مترجمان کتاب های مانیز کتاب شناس نیستند و تنها پس از گذراندن دوره ای از کلاس های زبان خارجی، بدون توجه به بار معنایی و گستره دامنه واژگان زبان مبدأ و مقصد، به ترجمه آثار می پردازند که نتیجه آن تفاوت محتوایی کتاب با آن چیزی است که از آن انتظار می رود.»

عبداللهیان گرایش به کارهای نمایشی به جای انجام فعالیت های محتوایی را یکی از مشکلات گریبانگیر نسل حاضر می داند.

وی ارزش قائل شدن برای تالیفات کهن و دستاوردهای گذشته را یکی از مشکلات مولفان معاصر می داند و عنوان می کند: «بسیاری از علوم که اکنون در حوزه های گوناگون به دست می آیند، پیش از این گذشتگان ما به آنها دست یافته اند و در کتاب هایشان نیز مشهود است. از این رو نویسندگان حاضر می توانند با پیوند اطلاعات این منابع و دستاوردهای جدید، ارزش محتوایی کتاب ها را افزایش دهند.»

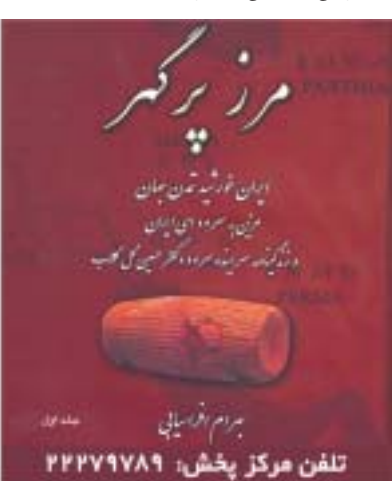


کتابخوانان ما همراه با ترویج و تعمیق فرهنگ کتابخوانی، افزایش یابند.»

از سوی دیگر، سید سعید میرمحمدصادق، رییس مرکز پژوهش های کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جایگاه کتاب های ایران را در جهان از نظر موضوعی و شمارگان تا حدی پایین می داند و می گوید: «مقایسه کتاب های ایرانی که همگی به زبان فارسی اند با کتاب های دیگر نقاط دنیا که مردمان بیشتری (فراتر از یک کشور) به آن زبان سخن می گویند و کتاب می خوانند، ارزیابی ناهمبندی است.»

وی می افزاید: «پس از زبان چینی، زبان اسپانیولی پر مخاطب ترین زبان جهان است و افراد کشورهای زیادی به این زبان سخن می گویند و شمارگان کتاب های فروش آنها ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نسخه است، در حالی که در ایران با توجه به نسبت جمعیت این میزان به ۲ تا ده هزار نسخه می رسد.»

میرمحمدصادق، فرهنگ مطالعه در ایران را قابل قبول ارزیابی می کند و معتقد است: «مهم ترین مطلبی که در بررسی های فرامرزی می توان به آن پرداخت، میزان تاثیر گذاری یک کشور در حوزه نوشتار جهانی است و این که ما تا چه اندازه توانسته ایم آثاری را خلق کنیم که بدون حمایت های ما به زبان های گوناگون جهان ترجمه شده باشند.» رییس مرکز پژوهش های کتابخانه مجلس شورای اسلامی، درباره آینده کتاب در ایران خاطر نشان می کند: «هیچ چیزی نمی تواند جای کتاب را بگیرد و با وجود پیشرفت های تکنولوژی و اینترنتی، تا زمانی که زیرساخت های استاندارد میلیونی کتاب در برخی از این جوامع است.» شجاع می افزاید: «این احتمال وجود دارد که تولید کتاب در کشورهای پیشرفته کاهش یابد، به ویژه آن که با تکنولوژی های امروز امکان چاپ کتاب به تعداد انگشت شمار نیز وجود دارد.» مدیرعامل تعاونی لیتوگرافی، سهم کتاب و نقش نشر در صنعت چاپ را بسیار کم رنگ می داند و می گوید: «تنها ۱۰ درصد از گردش مالی صنعت چاپ مربوط به نشر و صنعت کتاب است، در حالی که متاسفانه صنعت چاپ را تنها با کتاب گره می زنند و می سنجند!»



ذکایی ادامه می دهد: «به جز سند چشم انداز توسعه بیست ساله کشور و برنامه های توسعه پنج ساله که به شکل کلی به موضوعات پرداخته اند، هیچ سندی مبنی بر این که در بیست سال آینده چه اتفاقی در حوزه کتاب باید بیفتد، وجود ندارد و چیزی به عنوان نقشه راه حوزه نشر که جایگاه فعلی ما را به صورت دقیق همراه با امکانات، ظرفیت ها، موانع، محدودیت ها و جایگاهی که در آینده باید داشته باشیم نشان دهد، وجود ندارد و همه بر اساس برداشت های خود از قانون، اطلاعات و مطالعات جانبی در این حوزه فعالیت می کنند.»

وی علاوه بر بحث تولید کتاب که آن را موضوع جداگانه ای می داند، توزیع، اطلاع رسانی و تبلیغات، توسعه کتابخانه های عمومی و فرهنگ کتابخوانی را از مولفه های تشکیل دهنده سند توسعه کتابخوانی یا نقشه صنعت نشر برمی شمارد و با نگاهی انتقادی درباره عملکردهای مدیران و مسؤولانی که بدون آگاهی و تخصص وارد حوزه های گوناگون می شوند، اظهار می دارد: «باید سندی وجود داشته باشد تا افرادی که امروزه در سمت های مدیریتی و مسؤولیت های گوناگون حضور دارند یا در آینده به این مجموعه ها می پیوندند، خود را ملزم به پیروی از آن بدانند و در تصمیم گیری ها بر اساس برداشت های شخصی و سابقه های قبلی خود عمل نکنند. در این نوع نگرش ها، پس از تغییر، برخی مسؤولان در جهت نقد تخریب گونه فعالیت های دوره های قبلی تلاش دارند تا سیستم جدیدی را به اجرا در آورند که این روند نتیجه ای جز اتلاف هزینه، انرژی، منابع و نیروی انسانی نخواهد داشت.»

غلامرضا شجاع، نایب رئیس تعاونی مسکن کارکنان صنعت چاپ کشور، با نظرات ذکایی موافق است و یکی از چالش های دولت را افزایش شمارگان کتاب ها می داند و می گوید: «با برطرف شدن این مشکل، جایگاه ایران در دنیای کتاب تا حد زیادی تغییر خواهد کرد.»

وی در پاسخ به این سوال که «این جایگاه را در بیست سال آینده چگونه می بینید و آیا در آن زمان نیز کتاب به شکل امروزی چاپ خواهد شد یا کتاب های الکترونیکی جای این آثار را خواهند گرفت؟» بیان می کند: «باتوجه به پیشرفت تکنولوژی در حوزه اینترنت و این که سال های زیادی از ورود این فرهنگ در کشورهای اروپایی و آمریکایی می گذرد، به هیچ عنوان استفاده از اینترنت و کتاب های دیجیتالی نتوانسته جای کتاب را بگیرد و کتاب همچنان جایگاه خود را در آن کشورها حفظ کرده است و مصداق این مدعا هم، شمارگان میلیونی کتاب در برخی از این جوامع است.»

شجاع می افزاید: «این احتمال وجود دارد که تولید کتاب در کشورهای پیشرفته کاهش یابد، به ویژه آن که با تکنولوژی های امروز امکان چاپ کتاب به تعداد انگشت شمار نیز وجود دارد.» مدیرعامل تعاونی لیتوگرافی، سهم کتاب و نقش نشر در صنعت چاپ را بسیار کم رنگ می داند و می گوید: «تنها ۱۰ درصد از گردش مالی صنعت چاپ مربوط به نشر و صنعت کتاب است، در حالی که متاسفانه صنعت چاپ را تنها با کتاب گره می زنند و می سنجند!»

وی با بیان این که متاسفانه متوسط شمارگان کتاب در ایران (به جز قرآن و نهج البلاغه) حدود ۲۰۰۰ نسخه است می گوید: «این میزان با جمعیت ۷۰ میلیونی کشور ما تناسب ندارد و باید شمار

بررسی عملکرد و رویکردهای صنعت چاپ و نشر کتاب های ایرانی و جایگاه آن در جهان، از مهم ترین مباحثی اند که شاید به اندازه کافی از دیدگاه های کارشناسانه به آن پرداخته نشده باشد. از آنجایی که یکی از نشانه های رشد و تعالی فرهنگی هر جامعه، تعداد عناوین و شمارگان کتاب هایی اند که در آن جامعه چاپ و منتشر می شوند، بررسی این موضوع نسبت به جمعیت کشور و افراد کتابخوان از اهمیت بالایی برخوردار است.

به راستی ما بر اساس سند یا نقشه توسعه ای در حوزه تولید و انتشار کتاب عمل می کنیم یا هر یک از مسؤولان و مدیران با توجه به سابقه کاری، میزان اطلاعات و آگاهی های زمینه ای خود یا برداشت از شرایط، تصمیم می گیرند؟ دیگر این که با توجه به وضعیت کنونی ایران در دنیای کتاب، تا بیست سال آینده چه جایگاهی خواهیم داشت؟

برای پاسخگویی به این سوالات و سوالاتی از این دست، در این گزارش با عده ای از کارشناسان حوزه های گوناگون گفت و گوهایی انجام داده ایم که از آن میان می توان به نظرات جلال ذکایی، مدیر کل دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد.

او با اشاره به جایگاه ایران از نظر صنعت چاپ و نشر کتاب در میان کشورهای خاورمیانه می گوید: «چاپ و انتشار سالانه ۳۰۰ میلیون جلد کتاب رقم قابل توجهی است که هیچ یک از کشورهای منطقه به آن دست نیافته اند.»

ذکایی بر این موضوع که کتاب های ایرانی از تنوع در عناوین برخوردارند و ما از لحاظ تعداد عناوین مشکلی نداریم، تاکید می کند و معتقد است: «اگر مشکلاتی را که در زمینه شمارگان کتاب ها داریم، برطرف کنیم، می توانیم به جایگاه قابل ملاحظه ای دست یابیم.»

وی در پاسخ به این سوال که «چرا برخی ناشران به جای یک چاپ با شمارگان بالا، ترجیح می دهند دو چاپ را به صورت همزمان با شمارگان کمتری منتشر کنند؟» گفت: «این ایراد جدی از گذشته آغاز شده و اکنون نیز ادامه پیدا کرده است. زمانی ناشران برای استفاده از کاغذ های پاره ای، تاکید داشتند که آثار خود را در شمارگان سه تا پنج هزار نسخه به چاپ برسانند، در حالی که اکنون چاپ کتاب های ۱۵ هزار نسخه ای هم به راحتی امکان پذیر است و این کار ضرورتی ندارد هر چند رابطه ناشر با نویسنده نیز از دیگر دلایل پایین بودن شمارگان کتاب و تعدد چاپ هاست.»

مدیرکل دفتر امور چاپ و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می افزاید: «البته برخی از سیاست هایی که دولت ابلاغ می کند، بی تاثیر نیستند. به عنوان مثال، یکی از شاخص های ارائه عرفه در نمایشگاه ها یا انتخاب ناشر نمونه، بررسی تعداد چاپ های آن ناشر است. به همین دلیل ناشران دست به کتاب سازی می زنند تا برای پرکردن زمینه های خالی و کسب امتیاز از آن استفاده کنند.»

وی درباره جایگاه ایران در دنیای کتاب در چشم انداز بیست ساله آینده عنوان می کند: «در بررسی صحیح از این جایگاه و موانع موجود باید به آمارهای دقیق این حوزه دسترسی داشت، اما به طور کلی مشکل اصلی ما نبود یک نگاه سیستمی در حوزه کتاب است. متاسفانه سیاست های توسعه ای ما نسبت به حوزه کتاب و نشر خیلی تعریف شده نیستند و عموم مواردی که به آنها استناد می کنیم، قوانینی قدیمی اند.»





سایر محمدی

گفت و گو با دکتر امیراسماعیل آذر

حدیث عشق بگو

«شکوه عشق» کتابی تحقیقی در زمینه تاریخ و شعر عاشورا به قلم دکتر امیراسماعیل آذر است که از سوی انتشارات سخن به بازار آمد. کتاب دیگری به نام «شاهکارهای ادبی جهان» ویراسته فرانک نورتن مگیل با ترجمه امیراسماعیل آذر توسط همین ناشر چاپ و منتشر شد که خواننده را با خلاصه هر داستان، پیرنگ آن، شخصیت‌های داستان و... آشنا می‌کند. دکتر امیراسماعیل آذر متولد ۱۳۳۳ اصفهان است و دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد و مدرس دانشگاه شهید بهشتی است. او همچنین مدیر کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در واحد علوم و تحقیقات این دانشگاه است. وی در طول سال‌ها تحقیق و پژوهش، آثار متعددی تالیف و ترجمه کرده که «خورشید خراسان» در سه جلد درباره شعر و تاریخ امام رضا(ع)، «سعدی‌شناسی» و «ادبیات ایران در ادبیات جهان»، «شاهکارهای ادبی جهان»، «شکوه عشق»، «عبرت‌نگاه تاریخ» و... از آن جمله است. وی هم‌اکنون کتابی در نقد و تفسیر آثار منوچهری دامغانی تحت عنوان «بیک گام با منوچهری» در دست چاپ دارد و کتاب دیگری وی به نام «تأثیر مدرنیته در نقد مدرن ادبی» مراحل نهایی تالیف را می‌گذراند.



اطلاعات لازم را می‌دهد. این کتاب یک جلدش به تاریخ روزگار امام رضا(ع) اختصاص داده شده است، یک بخش از جلد اول به شعر کلاسیک ایران پیرامون حضرت امام رضا(ع) تخصیص داده شد و بقیه آن درباره اشعار شاعران معاصر است. یک جلد از «خورشید خراسان» را هم برای مشاعره و مناظره رضوی که مرکز آن در بوشهر است و هر سال در آبان ماه برگزار می‌شود، اختصاص داده‌ایم.

درباره کتاب «ادبیات ایران در ادبیات جهان» چه توضیحی دارید؟ در این کتاب به چه مباحثی پرداخته‌اید؟

در این کتاب ۹ نفر از شاعران مورد بررسی قرار می‌گیرند مثل فردوسی، سعدی، مولوی، عطار، نظامی و... به طور کلی در این کتاب بحث بر سر این است که آثار و اندیشه این دسته از شاعران چگونه به دیگر نقاط جهان راه یافته و ادبیات جهان را تحت تأثیر قرار داده است؟ کسانی که مسبب این مسئله شده‌اند، کسانی بودند که توانستند سخنان آنها را به اقصی نقاط جهان ببرند. حتی در قرن نوزدهم متداول بوده که تمام نویسندگان غرب از داستان‌ها و حکایت‌های ایرانی استفاده کنند. وقتی نگاه کنید، می‌بینید گوته که شرق و غرب را با ادبیات به هم گره می‌زند، خطاب به حافظ می‌سراید: ای حافظ آیا می‌شود من دربان آن میکده‌ای باشم که تو در آن از شراب ربانی، مست شدی؟ گوته اصلاً خودش را به حافظ نزدیک نمی‌کند، بلکه تمنای درباری میکده‌ای را می‌کند که حافظ مستی‌اش را از آنجا گرفته است.

در این کتاب معلوم و مشخص است که ادبیات جهان از چه قرن با ادبیات ایران آشنا شده و از آن تأثیر گرفته است؟

قرن غالب و تعیین‌کننده، قرن نوزدهم است، یعنی دوره ویکتوریا. یک فصل از این کتاب درباره هجرت قصه‌های ایرانی به اروپاست. یک فصل دیگر از کتاب درباره دانته است که در اثر خودش - کمدی الهی - از کدام یک از منابع شرقی بهره گرفته است؛ و این را به صورت مفصل در مورد «ارداویرافنامه» هم بحث کرده‌ام و در این کتاب آورده‌ام و نشان داده‌ام که این کتاب تحت توجه دانته در زمان تالیف کمدی الهی بوده است و چگونه و در کجا دانته کتاب ارداویرافنامه را به زبان لاتین پیدا کرده و از آن الهام گرفته است؟ و

این کتاب در مورد شیوه‌های نقد ادبی است. یعنی نام کسانی که در حوزه نقد ادبی کتاب نوشته‌اند، معرفی می‌شود، شیوه‌های کارشان به صورت اجمالی توضیح داده می‌شود و بعد مدرنیته را معرفی می‌کنم. سپس مصداق این دو مقوله را در زبان و ادبیات فارسی نشان می‌دهم. یعنی در این کتاب می‌خواهم بگویم، نقد ادبی چه نسبتی با مدرنیته دارد و چگونه اجزای مدرنیته خودش را در نقد نشان می‌دهد چرا که نقد کهنی که ما داریم با آنچه نقد جدید خواننده می‌شود، متفاوت است. من می‌خواهم در این کتاب بگویم که مدرنیته در نقد جدید دست دارد و فضای آن در اندیشه تمام کسانی که تئوری‌های مختلف در نقد مدرن دارند جاری است و تأثیر پذیرفته از مدرنیته است.

شما درباره شعر و تاریخ امام رضا(ع)، کتاب سه جلدی «خورشید خراسان» را نوشته‌اید که با اقبال عمومی روبه‌رو شده است. برای نوشتن این کتاب از چه منابعی سود برده‌اید؟

ما تقریباً تمام کتاب‌هایی را که شاعران عرب از دعبل خزایی به بعد - حتی قبل از او - پیرامون امام رضا(ع) شعر و مدح گفته‌اند را هم گردآوریم، ترجمه کردیم و در این کتاب آوردیم. ضمن این که در طول تاریخ ادبیات فارسی هر کسی مدحی پیرامون حضرت رضا(ع) گفته، این مدایح را هم پس از تحقیق و بررسی آورده‌ایم. مدایح و مرثی‌های عربی را هم همراه با ترجمه آورده‌ایم. در واقع ما کمتر تاریخ کوتاه و منقحی درباره امام رضا(ع) داریم به همین دلیل سعی کردیم هر کسی می‌خواهد بداند که از نظر سیاسی و اجتماعی پیرامون حضرت امام رضا(ع) چه گذشته، این کتاب به او

قصیده‌های مشکل منوچهری را بیت به بیت شرح و معنا کردم تا این شاعر طبیعت‌گرا و منحصربه‌فرد در هیاتی تازه به علاقه‌مندان شعر معرفی شود

تتها کاری که درباره آثار منوچهری صورت گرفته، توسط استاد خودم دکتر دبیرسیاقی بود که دیوان اشعار منوچهری را به شکل بسیار مطلوب تصحیح کرده است ولی نقد مطلق که اکنون در اروپا متداول و رایج است، من این نقد را روی اشعار منوچهری نوشتم و با این کتاب تطبیق دادم. بعد هم قصیده‌های مشکل منوچهری را بیت به بیت شرح و معنا کردم تا این شاعر طبیعت‌گرا و منحصربه‌فرد را در هیاتی تازه به علاقه‌مندان شعر معرفی شود.

«تأثیر مدرنیته در نقد مدرن ادبی» را چگونه دیده‌اید و به چه نتایجی در این زمینه رسیده‌اید؟

آقای آذر! الان چه آثاری در دست نوشتن یا زیر چاپ دارید؟

کتابی که سال‌ها روی آن زحمت کشیدم، نقد و تفسیر اشعار منوچهری دامغانی است. منوچهری شاعری دیرپایاب و دیرفهم است به همین دلیل من در این کتاب اشعار منوچهری را به شیوه جدید نقد و بیست قصیده مشکل او را شرح و تفسیر کردم. این کتاب که با عنوان «یک گام با منوچهری» منتشر خواهد شد در مراحل نهایی آماده‌سازی است. کتاب دیگری که در دست تالیف دارم «تأثیر مدرنیته در نقد مدرن ادبی» است. البته به اتفاق چند تن از صاحب‌نظران از جمله دکتر مهدی محقق، «دانشنامه حکیم میسری» را در دست تالیف داریم که توسط دانشگاه شهید بهشتی با همکاری فرهنگستان علوم پزشکی منتشر خواهد شد. حکیم میسری اولین شخصیتی است که حدود هزار سال پیش دارو، درمان و ابزار پزشکی ایران را به زبان شعر در آورده است. این کتاب که در مراحل پایانی تالیف است در چهار جلد به دست چاپ سپرده خواهد شد.

بزرگ‌ترین افتخار برای ایرانیان آن است که ما از هزار سال پیش پزشکی داشتیم که خاصه به مسائل روان‌شناسی و روان‌شناسی بالینی توجه ویژه‌ای داشت و کارهایی که لوبروز و دیگران در قرن نوزدهم در علم پزشکی مانند چهره‌شناسی انجام دادند، حکیم میسری هزار سال قبل بنیان گذاشته است.

لطفاً بیشتر درباره حکیم میسری توضیح دهید.

سراینده دانشنامه، پزشکی است به نام «میسری» و به احتمال زیاد این کلمه لقب او بوده است. میسری دانشنامه را در سال ۳۷۰ هجری به پایان برده و به چهل و شش سالگی خود اشاره کرده است، بنابراین ولادت شاعر در سال ۳۲۴ هجری قمری بوده است.

گویا شما نخستین بار «جمال‌شناسی آثار سعدی» را در ایران منتشر کرده‌اید؟

در سعدی‌شناسی، آثار سعدی را فصل به فصل و باب به باب آورده‌ام و درباره هر باب نقد نوشته‌ام و به این موضوع پرداخته‌ام که چرا این اثر زیباست؟ و اساساً چرا با مطالعه آثار سعدی، از آن لذت می‌بریم؟ از ابعاد و زوایای مختلفی به آثار سعدی نگاه کرده‌ام. برای مثال نثر سعدی اکثراً یا نوعی نظم است یا با کمی پس و پیش کردن فعل و فاعل شکل نظم به خود می‌گیرد؛ یعنی نثر سعدی هم نثری موزون است که ضمن کوتاهی و ایجاز، موزون هم هست.

آیا پیش از شما کسی شعرهای منوچهری را تحلیل و تفسیر کرده است؟

تنها کاری که درباره آثار منوچهری صورت گرفته، توسط استاد خودم دکتر دبیرسیاقی بود که دیوان اشعار منوچهری را به شکل بسیار مطلوب تصحیح کرده است ولی نقد مطلق که اکنون در اروپا متداول و رایج است، من این نقد را روی اشعار منوچهری نوشتم و با این کتاب تطبیق دادم. بعد هم قصیده‌های مشکل منوچهری را بیت به بیت شرح و معنا کردم تا این شاعر طبیعت‌گرا و منحصربه‌فرد را در هیاتی تازه به علاقه‌مندان شعر معرفی شود.

«تأثیر مدرنیته در نقد مدرن ادبی» را چگونه دیده‌اید و به چه نتایجی در این زمینه رسیده‌اید؟

چه کسی این حرف را زده است؟ یک بخش از این کتاب راجع به «هزار و یک شب» است که ریشه این قصه‌ها کجاست؟ یک بخش دیگر از این کتاب راجع به «کلیله و دمنه» است، به نام شعاع کلیله و دمنه که این کتاب را چه کسانی و چقدر ترجمه کرده‌اند؟ و نام و آوازه این کتاب تا کجا گسترش یافته است؟ و بعد هم به تک تک این ۹ شاعر تراز اول ایران می‌پردازم.

کتاب «شاهکارهای ادبی جهان» را با چه هدفی ترجمه و منتشر کردید؟
امروز دیگر کسی فرصت نمی‌کند رمان‌های دوهزار- سه هزار صفحه‌ای را بخواند. متخصصانی در دنیا هستند که شاهکارهای ادبی جهان و آثار نویسندگان بزرگ جهان را تلخیص می‌کنند و در اختیار عموم قرار می‌دهند.

مجموعه‌ای از شاهکارهای ادبی جهان که توسط متخصصان برجسته خلاصه شده بود و توسط فرانک نورتن مگیل ویرایش و گردآوری شده را به فارسی برگردانده‌ام. هر یک از رمان‌ها در این کتاب دارای پلات یا پیرنگ داستان است به گونه‌ای که شخصیت‌های مهم آن معرفی شده‌اند و نقد هر رمان و خلاصه‌ی‌ی‌چکیده داستان‌ها در شش- هفت صفحه آمده است. این کتاب بیشتر برای کسانی است که می‌خواهند با شاهکارهای ادبی جهان آشنا شوند اما فرصت مطالعه کامل این آثار را پیدا نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد برخی از آثاری که در این کتاب معرفی شده اند قبلاً به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند.
بله. برخی از آثار به صورت کامل در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند. مثلاً «ابینوایان» و یکتو هوگو بیش از دوهزار صفحه است، اما کدام دانشجویی فرصت می‌کند که این رمان را از ابتدا تا انتها بخواند؟ البته ترجمه این کتاب بسیار مشکل بود چون می‌خواستند حجم عظیمی را در قالب یک متن فشرده بگنجانند و این، کار مترجم را بسیار مشکل می‌کرد. گاهی اوقات من مجبور می‌شدم به متن کامل این آثار رجوع کنم و همه اثر را بخوانم تا متوجه بخشی از این تلخیص‌ها بشوم که منظور تلخیص‌کننده چه بوده.

در کتاب «عبرنگاه تاریخ» به چه مباحثی پرداخته شده؟

در این کتاب مصیبت‌بارترین و زشت‌ترین فجایعی

که در تاریخ اتفاق افتاده مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و جنگ‌ها و کشتارهای فجیع و نابودی‌ها و قتل عام‌هایی که در طول تاریخ جریان داشته و بر مردم جهان گذشته، در این کتاب آمده است. به همین دلیل نام عبرنگاه را بر این تاریخ‌نهاده‌ام. من تقریباً هر کتاب تاریخی‌ای که وجود داشت را کم و بیش مورد مطالعه قرار دادم و آنچه برای خوانندگان جذاب بود که بخوانند و عبرت بگیرند که چه در تاریخ گذشته را آورده‌ام. منابع تحقیق را هم ذکر کرده‌ام که این رویدادها از چه منابعی نقل شده‌اند؟

آقای آذر! کتاب «شکوه عشق» در زمینه تاریخ و شعر عاشورا به قلم شما هفته گذشته منتشر شده است. تحقیق در این زمینه را از چه زمانی شروع کردید و چگونه به پژوهش در این زمینه علاقه‌مند شدید؟

سال‌ها پیش خوابی دیدم که در جریان آن اتفاقی مبارک به کمک حضرت سیدالشهدا افتاد. پس از آن خواب نذر کردم که کاری بکنم. پس از سال‌های مدید، فکر کردم کاری که من می‌توانم انجام بدهم، این نیست که غذایی بین مردم توزیع کنم - البته این کار هم در جای خود پسندیده است - ولی کار من می‌تواند این باشد که بنویسم. این بود که برای آشنایی نسل جوان با فرهنگ عاشورایی آمدم خلاصه‌ای از تاریخ روزگاری که معاویه می‌میرد تا ظاهر عاشورا که حضرت سیدالشهدا در صحرای کربلا به شهادت می‌رسند را نوشتم. به گمان من این کتاب، بسیار موفق بود چراکه حدود صد و هفتاد صفحه از کتاب «شکوه عشق» به حضرت امام حسین (ع) و عاشورا اختصاص داده شده است. البته باید از دکتر جمشیدنژاد نام ببرم که در این زمینه کمک‌های فراوانی به من کردند. بعد از آن به مطالب دیگر پرداختم، مثلاً راجع به ادبیات دینی و شعر تعزیه نوشتم. راجع به روضه خوانی نوشتم و این که نوحه‌ها چگونه شکل گرفته و... در واقع این کتاب را در ژانر مذهبی نوشتم. بعد از آن هم بهترین شعرهایی که در طول تاریخ درباره امام حسین (ع) و عاشورا سروده شده را جمع‌آوری کردم. از کسانی مروزی گرفته تا زنده‌یاد سید حسن حسینی و دیگران. همه این شعرها را در این مجموعه آورده‌ام تا اگر کسی می‌خواهد نوحه‌ای بخواند یا در برنامه‌ای از

مرثیه‌ها و اشعار عاشورایی بهره بگیرد نمونه این آثار را در دسترس داشته باشد و با منابع این اشعار آشنا بشود. گفته‌اند: شاعران مورخ نیستند، ما از آنها انتظار زیبایی اشعار را داریم؛ ولی انتظار مسائل علمی و تاریخی را نداریم. به همین دلیل آنچه به نظرم در حوزه شعر عاشورایی زیبا بوده، انتخاب کردم و در این کتاب گردآوردم.

در زمینه شعر عاشورایی و تاریخ آن، کتاب‌های دیگری هم تالیف و منتشر شده‌اند. ویژگی این کتاب در مقایسه با آثار دیگر در چیست؟

امتیاز این کتاب در این است که تاریخ و شعر عاشورا به صورت یکجا روایت می‌شود یعنی هر کسی تاریخ عاشورا را می‌خواند، شعرش را هم در کنارش می‌خواند. امتیاز دیگر این کتاب این است که این تاریخ حذف و خلاصه شده، به حواشی نمی‌پردازد، بسیار ساده است و ارجاعات کاملی دارد که خواننده می‌تواند برای پژوهش با خیال راحت از آن استفاده کند. ویژگی دیگرش این است که در طول تاریخ هزار ساله عاشورا ایرج میرزا یک مرثیه ۹ بیتی دارد که اگر آن را در ترازو بگذاریم بر هزار سال شعر مرثیه فارسی می‌چرید و از همه آثاری که دیده و خوانده‌ایم، زیباتر است. این شعر بسیار زیبا و تصویری است که مانند یک صحنه دکوپاژ شده آماده کارگردانی است. اتفاقاً این شعر در دیوان ایرج میرزا هم آمده، اما کسی عمیقاً به آن توجه نکرده است.

شما در این کتاب شعرهای عاشورایی را به سه گروه تقسیم کرده‌اید: شعرهای کهن یا کلاسیک، شعرهای روزگار صفویه و قاجار و شعرهای معاصر. تفاوت این دوره‌ها در چیست؟ چرا سه دوره؟

به این دلیل که بیشترین شعر عاشورایی را ما در روزگار صفویه و قاجاریه داریم. ما در روزگار گذشته شعر کلاسیک عاشورایی بسیار کم داریم. به جز شعرهای مقتل گونه که از سنایی غزنوی و کسایی مروزی در دسترس است که اولین مرثیه سرای تاریخ ادبیات فارسی است یا از سیف فرغانی که تعداد این شاعران بسیار اندک است به همین دلیل شعرهای عاشورایی به سه دسته تقسیم شدند، ابتدا شعرهای کهن و کلاسیک، بعد شعرهای دوره میانی که شعرهای دوران صفویه و قاجاریه است و سرانجام شعرهای

معاصر که مربوط به دوران اخیر می‌شود.

گویا تعزیه حضرت سیدالشهدا (ع) نخستین بار در سال ۳۵۲ هجری به فرمان معزالدوله دیلمی اجرا شده بود؟

اولین کسی که مراسم تعزیه را برقرار کرد، معزالدوله دیلمی بود که سال ۳۵۲ هجری دستور داد دکان‌ها را ببندند و سیاه بپوشند و برای حضرت امام حسین (ع) و عاشورا عزاداری کنند اما تعزیه در قالب جدید به دوره قاجاریه می‌گردد. در واقع پس از دوران معزالدوله دیگر از مراسم تعزیه خبری نبود تا دوره صفویه که قضیه عزاداری برای امام حسین (ع) جدی گرفته شد و تبدیل به یک فرهنگ شد. البته در فاصله سال‌های ۳۵۲ هجری تا دوره صفویه در برخی از نقاط مانند آاناتولی کم و بیش عزاداری و مرثیه سرایی برای امام حسین (ع) داشته‌ایم.

مشخص است که در دوره صفویه پیشتازان این عرصه چه کسانی بوده‌اند؟

در دوره صفوی هنگامی که شاعران پادشاه صفوی را مدح کردند، او گفت من کی‌ام که شما مرا مدح می‌کنید؟ بروید ائمه اطهار (ع) را مدح کنید و بیابید از من صله بگیرید. این است که تمامی شاعران که سرسلسله آنان محتشم کاشانی است شروع به مدح ائمه اطهار (ع) کردند. البته من آن مرثیه معروف محتشم را که «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟» نقد کردم که اگر خواستید می‌توانم در اختیار شما قرار بدهم. می‌دانید حاصل این نقد چیست؟ این نقد به این نتیجه می‌رسد که اشتهار این شعر بیشتر به خاطر بیت اول و مصرع اول است چراکه این مرثیه غث و ثمین بسیار دارد اما شهرت دوازده بند این مرثیه مربوط به همان مصرع اول از بیت اول مرثیه است.

ارزیابی شما از شعر عاشورایی و شاعران معاصر در این کتاب چیست؟

اشعار خوب با مضامین و ترکیبات تازه از شاعران معاصر دیده‌ام و در این کتاب آورده‌ام و این مایه خرسندی است که شعر معاصر در مقایسه با اشعار عاشورایی گذشتگان چیزی کم ندارد. یادمان باشد که یک ژانر ادبی ما شعر مذهبی است و ما به این امر تاکنون توجه جدی نداشتیم که در این کتاب شاید توجه اندکی به این قضیه شده باشد.

تازه‌ترین کتاب‌های چاپ شده

شعرهای ریموند کارور و خورشید شاه

«ترس از زود رسیدن» مجموعه اشعار ریموند کارور، نویسنده معروف آمریکایی است که با ترجمه مریم علامجدی به فارسی ترجمه شده و نشر اکنون آن را چاپ و منتشر کرده است. ریموند کارور که با کتاب «کلیسای جامع» در ایران شناخته شد در طول حیات خود شش دفتر شعر منتشر کرده که هر یک با دیگری متفاوت است. به گفته همسر کارور برای این نویسنده شعر بیشتر حکم یک نیاز روحی را داشت. این در حالی است که برخی منتقدان درباره شعر بودن این نوشته‌ها تردید دارند و عده‌ای بر این باورند که به یاری این اشعار تنها می‌توان به درک بهتر و روشن تری از داستان‌هاش رسید. «نگرش سیستمی به دین» کتابی تحقیقی به قلم شیخ عبدالحمید واسطی است که توسط موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام چاپ و منتشر شده است.

نگرش اسلام در مورد پایان تاریخ، برقراری تمدن یکپارچه جهانی براساس آموزه‌های الهی، هویت تمدن و زندگی جمعی در سیستم‌های به هم پیوسته است. پس برای تمدن سازی نیاز به سیستم سازی است. هر گونه اندیشه تمدن ساز برای تحقق تمدن مورد نظرش، چاره‌ای جز طراحی و اجرای نظام‌ها و سیستم‌هایی که ابعاد مختلف زندگی را به جریان می‌اندازد، ندارد. سیستم‌های آموزشی، رسانه‌ای، فرهنگ عمومی، امنیتی، خدماتی معماری و شهری که براساس گزاره‌های دینی فعال شده باشند و فرایند‌ها و معادلات



الگو، پیش‌نمونه و منشأ اساطیری - آیینی چند شخصیت، بن‌مایه و عنصر داستانی در شاهنامه و سنت حماسی ایران پرداخته است.

«اسکندرنامه» منسوب به منوچهر خان حکیم توسط ناشران مختلفی در ایران منتشر شده است اما در این هفته به کوشش علیرضا ذکاتوی قراقرزلو «اسکندرنامه» ای منتشر شده که بازسازی قدیمی‌ترین نسخه اسکندرنامه نقالی است. از اسکندرنامه به طور کلی سه تحریر موجود است؛ یکی اسکندرنامه منظوم (سروده نظامی یا شاعران دیگر)، دیگری اسکندرنامه با تحریر به نثر ادبی قدیم که به اهتمام ایرج افشار منتشر شده و سوم اسکندرنامه تحریر نقالی متأخر که منسوب به منوچهر خان حکیم است و خود نسخه‌های خطی و چاپی متعددی دارد. نباید فراموش کرد که بر هر

یک از این تحریرها روحیه خاصی حاکم است که در ارتباط با نثر و سبک ویژه آن قابل بررسی است. «ادبیات و فلسفه در گفت و گو» عنوان کتابی از هانس گئورگ گادامر فیلسوف آلمانی است که به اهتمام رابرت پاسلیک فراهم آمده و زهرا زواریان آن را به فارسی ترجمه کرده و بیژن عبدالکریمی ویرایش علمی آن را برعهده داشته است. ناشر این کتاب انتشارات نقش و نگار است که با همکاری انتشارات نقد فرهنگ این کتاب را چاپ و منتشر کرده‌اند. در این کتاب رویکرد گادامر رویکردی فیلسوفانه و متفکرانه است. او به عنوان یک فیلسوف وارد گفت‌وگو با پاره‌ای متون ادبی بزرگ‌ترین شاعران آلمانی شده و شاعران را به گفت‌وگو با خویش و پرسش‌های زمانه‌اش وامی‌دارد.

«خورشید شاه» عنوان کتابی است بازنویشته مصطفی اسلامی که انتشارات کتابسرای نیک آن را عرضه کرده است. اسلامی «خورشید شاه» را از متن کهن «سمک عیار» نوشته فرامرز بن خداداد در قرن ششم قمری گرفته و آن را بازنویسی کرده است. خورشیدشاه یکی از چهره‌های اصلی داستان سمک عیار در اوج ناامیدی و سرگردانی به سرای عیاران پناه می‌برد. داستان با پیچشی دل‌انگیز به ماجراهای عیاران پیوند می‌خورد به گونه‌ای که می‌توان آن را مقدمه‌ای بر آشنایی خورشید شاه با جمع عیاران به ویژه سمک عیار به حساب آورد.

«عمارت سرخ» ارمانی به قلم آذین قاضی میرسعید است که به صورت ناشر - مولف چاپ و منتشر شده است. نویسنده که با این اثر، دومین رمانش را منتشر می‌کند، اثری تخیلی را با استفاده از نماد عمارت سرخ و شخصیت‌های متعارف و غیرمتعارف خلق کرده که برای دوستداران ادبیات فانتزی جالب و جذاب خواهد بود.



گزارشی از مراسم اختتامیه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس

میوه‌هایی از جنس تجربه



از خیلی روزهای دور دور دور، یعنی از همان روزهایی که داداش رفت و قرار شد بعد از برگشتش، بساط عروسی پسر بزرگ خانواده برپا شود، همان روزهایی که من پسرکی یازده ساله بودم و توی کوچه مان؛ بین بچه‌های قد و نیم قد هم سن و سال خودم، با افتخار از جنگیدن داداش با سربازان عراقی حرف می‌زدم، همان روزهایی که مادر موقع بیرون رفتن «محمدعلی» پشت سرش آیه الکرسی می‌خواند و فوت می‌کرد، همان روزهایی که پدر با دیدن قد و قامت پسر بزرگش «لا حول و لا قوة الا بالله» می‌گفت، همان روزهایی که...

آری، از همان روزها خاطره‌های به یادمانی «با او بودن» در ذهنم نقش بسته است و هنوز بعد از گذشت ۲۸ سال، همچنان بر صفحه ذهنم مرور می‌شوند. هر بار که فیلم یا روایتی از جبهه و جنگ در تلویزیون پخش می‌شود یا کتابی را درباره دوران هشت ساله دفاع ورق می‌زنم، پرده نازک اشک، آسمان کروی چشمانم را پر می‌کند و در بین کلمات کتاب یا تصاویر تلویزیونی، دنبال اثری از او می‌گردم. در آخر هم اشک‌هایم را پاک می‌کنم و با آرامشی عجیب، برایش فاتحه می‌خوانم. وقتی چشمانم را باز می‌کنم، همه چیز دوباره برایم زبیا می‌شود.

حالا اینجا، یعنی در تالار اندیشه حوزه هنری، جایی که قرار است از نویسندگان و کتاب‌های برتر جشنواره ربع قرن دفاع مقدس تجلیل شود، روی صندلی نشسته‌ام و با همان آرامش بعد از خواندن فاتحه برای داداش محمدعلی، به مراسم می‌نگرم.

مبارزه حق علیه باطل

با خلق آثاری درباره جنگ تحمیلی

رئیس مجلس شورای اسلامی در جریان مراسم اختتامیه پشت تریبون قرار می‌گیرد و می‌گوید: «تدوین و خلق کتاب درباره جنگ تحمیلی، بخشی از مبارزه حق علیه باطل و آثار فرهنگی مرتبط با دفاع مقدس، نوعی ارزیابی عملی ما در آن عرصه است و این حرکت باید نوعی بیداری در انسان‌ها به وجود آورد.»

دکتر علی لاریجانی ادامه می‌دهد: «رزمندگان و خانواده شهدا باید مورد توجه قرار گیرند و خاطرات آنان، از این راه ثبت شوند.»

لاریجانی این روزها مشغول مطالعه کتاب «بابانظر» است. از نگاه رئیس مجلس شورای اسلامی، خاطرات شهید «بابانظر» از سلامت، صداقت و وفاداری برخوردار است، چون او اهل بصیرت بود و هیچ پیچیدگی در وجودش دیده نمی‌شد.

او سپس به سال ۱۳۶۰ برمی‌گردد، یعنی همان سالی که فرشته زمینی خانه ما هم به جمع مرغان ملکوتی آسمان امن الهی پیوست. لاریجانی از شکست حصر آبادان در پنجم مهر سال ۱۳۶۰ یاد می‌کند و می‌گوید: «چهار عملیات نظامی که به فرماندهی بنی‌صدر - رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوای وقت - صورت گرفته بود، منجر به شکست شد. در پی این ناکامی‌ها، بحران‌های داخلی نیز تشدید شد، اما با تدبیر امام خمینی (ره) کنترل شدند.» وی عزل بنی‌صدر را عامل پیوند سپاه و ارتش می‌داند و خاطر نشان می‌کند: «اولین عملیات مشترک ارتش و سپاه، در شرق کارون صورت گرفت و حصر آبادان شکست خورد.»

رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان نیز می‌گوید: «ظرفیت ایران به واسطه وجود نخبه‌های بزرگ، قابلیت تولید افکار و ایده‌های متنوع در عرصه علمی،

فرهنگی و ادبی را داراست بنابراین، هنوز فرصت فعالیت گسترده برای تولید آثار در این حوزه‌ها وجود دارد.»

دست‌ملیت در دست‌دین

«حادثه عظیم و بزرگ دفاع مقدس که چتر خودش را از نظرگاه زمانی تا دوران پس از وقوع خود نیز گسترده، به گونه‌ای با هویت، فرهنگ و ادب انقلاب اسلامی گره خورده که می‌توانیم هر دو را یگانه ببینیم.» این جملات بخشی از سخنان محمدرضا سنگری، دبیر علمی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، در مراسم اختتامیه است.

به گفته او در ادبیات ما دست‌ملیت در دست‌دین گذاشته شد. سنگری معتقد است که صحبت از ادبیات دفاع مقدس، گریزی به ادبیات انقلاب اسلامی نیز هست و می‌گوید: «هرچند این دو با هم مساوی نیستند اما ادبیات جنگ بخش عمده‌ای از جغرافیای ادبیات انقلاب را تشکیل می‌دهد.»

دبیر علمی جشنواره سپس به تشریح روند چگونگی شروع کار برای انجام این جشنواره می‌پردازد و می‌گوید: «پس از تشکیل شورای سیاست‌گذاری و با همکاری و همفکری بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و بنیاد شهید و امور ایثارگران، گردآوری کتاب‌ها آغاز و بیش از ۴ هزار نامه به ناشران سراسر کشور ارسال شد.»

وی ادامه می‌دهد: «تعداد کتاب‌ها به ۵۳۰۰ عنوان که رسیدند داوری آثار شروع شد که در این میان، تفکیک آثار و تقسیم آنها در شاخه‌های داوری کار دشواری بود. کسب تصویری روشن از ادبیات مکتوب جنگ، گردآوری ۶ هزار و ۳۵۰ عنوان کتاب و فراهم شدن کامل‌ترین کتابخانه دفاع مقدس و آشکار شدن نقاط قوت و ضعف ادبیات این حیطه، سبب شد اهدافی والاتر از مقصد گذشته و تقدیر از نویسندگان جنگ ترسیم شود.»

به گفته سنگری، معرفی ۱۲۵ داور و صاحب‌نظر در حوزه ادبیات جنگ و انتشار مقالات پژوهشی آنان درباره داوری‌های جشنواره ربع قرن کتاب ادبیات دفاع مقدس از دیگر نتایج مبارک این جشنواره ادبی است.

حکایت جشنواره ربع قرن دفاع مقدس را می‌توان به نهالی تشبیه کرد که هر چه از زمان کاشت آن

گذشت، تنومندتر شد و در نهایت هم میوه‌های آن در قالب تجربیاتی ارزشمند به ثمر نشستند.

سنگری نیز به نوعی این مطلب را تایید می‌کند و می‌گوید: «بنده به عنوان دبیر علمی جشنواره هرگز تصویری که امروز دارم، در آغاز راه نداشتم چرا که در ابتدا تصورمان این بود که در هر شاخه داوری، یک اثر ممتاز و یک کتاب تقدیری معرفی می‌کنیم، اما نتیجه فعالیت داوران، ساختار مورد نظر را تغییر داد و تعداد آثار ممتاز و تقدیری افزایش یافت. در این میان، تصور ابتدایی تغییر کرد و امروز می‌دانیم نیاز چیست و چه نداریم و چه راه‌هایی را باید در ادامه طی کنیم.»

دبیر علمی این جشنواره با اشاره به کار طاقت‌فرسا در امر بررسی آثار و داوری می‌گوید: «جمع‌آوری ۶ هزار جلد کتاب واقعا کار سخت، دشوار و طاقت‌فرسای بود.»

وی با اشاره به آثار بررسی شده ادامه می‌دهد: «پس از بررسی مشخص شد از صد نفری که آثارشان مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند، ۸۲ نویسنده خود در جنگ حضور داشته‌اند و تعدادی از آثار هم پس از جنگ خلق و نوشته شده‌اند. یعنی حدود ۸۰ درصد نسل نویسنده ما در جنگ حضور داشته و لحظات را حس کرده و اکنون در این راستا قلم می‌زنند.»

به گفته سنگری، بهترین آثار مربوط به دهه ۶۰ و متعلق به افرادی‌اند که میانگین سنی آنها بین ۱۸ تا ۲۲ سال بوده است. وی با اشاره به این میانگین سنی کم در بین افراد، می‌گوید: «در جنگ شاهد حضور سردارانی بودیم که میانگین سنی آنان کمتر از ۱۸ سال بود اما لیاقت سرداری داشتند و به فرموده امام (ره) ره صد ساله را یک شبه طی کردند. نویسندگان ما نیز چنین بودند، زیرا نه با گذراندن کلاس و نه با آموزش، توانستند آثار بزرگی را خلق کنند. بهترین کتاب خاطرات و مجموعه شعر نیز مربوط به همین دوره است.» به اعتقاد سنگری، نوعی حضور بی‌مرز در جبهه و در خلق آثار وجود داشت، چرا که در جبهه فیلتر و مرزی وجود نداشت و همه می‌توانستند در آن حضور پیدا کنند.

وی می‌افزاید: «در نویسندگی دفاع مقدس هم مرزبندی وجود نداشت. نویسنده، اعم از شهری، روستایی، مرکز نشین، فقیر و بی‌پول هم در آن حضور و در آن هم «بابانظر»‌ها و هم «حسین فهمیده»‌ها

شرکت داشتند.»

سنگری می‌گوید: «ما با گردآوری ۶۳۵۰ عنوان کتاب و فراهم شدن کامل‌ترین کتابخانه دفاع مقدس، به هدفی والا رسیدیم.»

وی همچنین به خاطره‌ها، نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها و رمان‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «حدود ۲ هزار جلد خاطره داریم و این حجم به ژانرهای کلاسیک تنه می‌زند که این هم از پر مخاطره بودن این ماجراست. همچنین وصیت‌نامه‌هایی داریم که قابل عرضه‌اند اما کار جدی در حوزه ترجمه نکرده‌ایم.»

سنگری در اینجا به وجود برخی ضعف‌ها و کاستی‌ها در حوزه آثار مکتوب دفاع مقدس اشاره می‌کند و می‌گوید: «بیش از ۵۰ هزار وصیت‌نامه داریم که در حال خاک خوردن‌اند و کسی نیست که به آن توجه کند. در حوزه داستان کودک تنها ۱۵ اثر داریم و باید تاکید کرد که نسل آینده باید با این ارزش‌ها آشنا شود و این ۱۵ اثر کافی نیستند.»

به گفته سنگری، ارائه موضوعات پژوهشی به دانشگاه‌ها برای تدوین رساله دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یکی از برکات جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس است که بنیاد حفظ آثار از آن حمایت خواهد کرد.

برکات متعدد برگزاری جشنواره

گردآوری بیش از ۶ هزار عنوان کتاب، تشکیل کتابخانه تخصصی و گونه‌شناسی کتاب دفاع مقدس، باممارست و دقت نظر اصحاب فکر، از جمله برکات جشنواره ربع قرن بوده‌اند.

حسین نصرالله زنجانی، دبیر اجرایی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، با بیان این مطلب در مراسم اختتامیه می‌گوید: «با تاکید مقام معظم رهبری بر اصلاح الگوی مصرف، این جشنواره با حداقل هزینه و نیرو برگزار شد.»

وی همچنین تاکید می‌کند: «این آیین فرهنگی، در ابتدای راه قرار دارد و امیدواریم که مسیر طی شده اهمیت ادبیات دفاع مقدس را برای مسوولان، بیش از پیش افزایش دهد.»

تجلیل، حتی از زنده‌یاد امین پور

مراسم اختتامیه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس با حضور علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی)، علی‌اکبر ولایتی، کمال خرازی و دست‌اندرکاران فرهنگی کشور و نویسندگان تاریخ و ادبیات دفاع مقدس در تالار اندیشه حوزه هنری آغاز می‌شود و منتخبان این جشنواره در شش گروه موضوعی «ادبیات»، «تحقیق و پژوهش»، «ادبیات و تاریخ مستند»، «هنر»، «ترجمه» و «بخش جانبی» معرفی و تجلیل می‌شوند.

شاید مثل بسیاری از جشنواره‌ها، انتخاب برخی آثار و پدید آوردن آنها عده‌ای را خوشحال کند و عده‌ای را نیز به این فکر وامی‌دارد که چرا ما یا اثرمان انتخاب نشدیم!

به هر حال، امشب نیز عده‌ای تجلیل می‌شوند، اما در این بین سعی می‌شود از آنان که تلاشی در خور تجلیل کرده‌اند و اکنون به دیار باقی شتافته‌اند نیز تجلیل شود، مثل زنده‌یاد قیصر امین‌پور و سلمان هراتی شاعران خوش قریحه و متعهد کشورمان.

در شاخه داستان، پس از بررسی ۳۵۰ عنوان اثر، کتاب «آخرین بنکه» نوشته رحیم مخدومی به پاس ساختار موفق روایی - خاطره‌ای و داستانی و کتاب «فرمانده‌ای مثل پدر» اثر زنده‌یاد داوود بختیاری دانشور به خاطر زبان پویا و روان، به عنوان آثار

تقدیری معرفی می‌شوند و در شاخه داستان کوتاه، پس از مطالعه ۹۹ عنوان کتاب، مجموعه داستان‌های «چته‌ها» به قلم ابراهیم حسن بیگی و «سانتاماریا» اثر سید مهدی شجاعی به پاس ارزش‌های داستانی و طرح ابعاد و زوایای پنهان ارزش‌های دفاع مقدس، مورد تقدیر قرار می‌گیرند.

کتاب‌های «فال خون» تالیف داوود غفارزادگان و «نخل‌ها و آدم‌ها» نوشته نعمت‌الله سلیمانی، پس از داوری ۷۰۰عنوان اثر و به پاس توانایی در بهره‌گیری از عناصر داستانی و پاسداشت ارزش‌های دفاع مقدس، در شاخه رمان، تقدیر می‌شوند و در شاخه شعر، پس از بررسی ۶۵۰عنوان اثر، سرانجام مجموعه اشعار «از آسمان سبز» اثر زنده‌یاد سلمان هراتی، به پاس نگاه نو، جسورانه و متعهدانه به دفاع مقدس، «فرشته بفرستید» نوشته عبدالرزاق ضایی نیابه خاطر شعر سپید بلند با ساختار استوار و طبیعی در حوزه جنگ تحمیلی و «قطار اندیمشک» خلق شده توسط علیرضا قزوه، به پاس شفافیت تصاویر، مضامین و تکیه آگاهانه بر سنت شعر فارسی، به عنوان آثار قابل تقدیر معرفی می‌شوند.

حدود ۷۰ اثر در شاخه نثر ادبی، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و در نهایت کتاب‌های «پشت به سایه‌ها و صداها» و «شب یک رویا» اثر سید ضیاء شفیعی به پاس ارائه تصویری صمیمی و موثر، به عنوان آثار ممتاز شناخته می‌شوند و دو اثر با نام‌های «بسیج کلمات عاشقان» نوشته احمد عزیزی و «عقیق‌های فصل یادگاری» اثر اسماعیل فیروزی، به پاس تخیل پویا و زبان نثر موثر، رتبه تقدیری را کسب می‌کنند. در شاخه شعر کودک و نوجوان، پس از بررسی ۶۴ اثر، کتاب‌های «مثل چشمه، مثل رود» سروده زنده‌یاد قیصر امین‌پور به پاس چندین سروده استوار، روان و صمیمی در حوزه دفاع مقدس و «از این ستاره تا آن ستاره» اثر زنده‌یاد سلمان هراتی به خاطر پیشتازی در شعر کودک و نوجوان و صمیمیت و سیال بودن زبان، مشترکاً به عنوان رتبه ممتاز معرفی می‌شوند.

همچنین مجموعه اشعار «یک سبد بوی بهار» سروده افشین علاء به پاس زبان عاطفی و حسی و «کوچه باران» نوشته عبدالرزاق ضایی نیا، مورد تقدیر قرار می‌گیرند.

داوران شاخه داستان کودک و نوجوان، با تفکیک این آثار در دو حوزه «کودک» و «نوجوان»، دو کتاب با عناوین «چشم، چشم، دو ماهی» نوشته محمد حمزه زاده و «شب بخیر فرمانده» به قلم احمد اکبرپور را در گروه داستان کودک، شایسته تقدیر معرفی می‌کنند.

در حوزه داستان نوجوان نیز کتاب‌های «بابای آهوی من باش» نوشته حسن بنی‌عامری به پاس قوت و قدرت زبانی، روایت صمیمانه، واقع‌بینانه و شخصیت‌پردازی قوی و «شبی که جرواسک نخواند» تالیف جمشید خانیان به خاطر توجه به ارزش‌ها و استفاده از فرم خاص در روایت، شایسته مقام ممتاز شناخته می‌شوند.

همچنین سه کتاب با عناوین «گردان چهار نقره» نوشته احمد دهقان، «گل خاکی» اثر شهید حبیب غنی‌پور و «دود پشت تپه» به قلم محمدرضا پایرامی، رتبه تقدیری شاخه داستان نوجوان را کسب می‌کنند. بر اساس اعلام گروه ادبیات و تاریخ مستند جشنواره ربع قرن در شاخه ادبی خاطره، به دلیل مطالعه و بررسی ۲۰۹۴عنوان کتاب، پرکارترین گروه داوری جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس بوده است. بر این اساس، کتاب «روزهای آخر» نوشته احمد دهقان، رتبه ممتاز و «کنار رود خین» تالیف اشرف السادات مساوات و «هفت روز آخر» اثر محمدرضا پایرامی، رتبه تقدیری حوزه خاطرات خودنوشت را کسب می‌کنند.

همچنین در حوزه خاطرات دیگر نوشت نیز کتاب «لشکر خوبان» به قلم معصومه سپهری، ممتاز شناخته می‌شود و دو اثر با عناوین «یادگاران» نوشته آیدین نظاری و «حرمان‌هور» اثر علیرضا کمری، به عنوان اثر تقدیری معرفی می‌شوند.

در شاخه گزارش نویسی، کتاب‌های «شب‌های

قدر کربلای ۵» نوشته نصرت‌الله محمودزاده و «جشن حنابندان» اثر محمدحسین قدمی، آثار شایسته تقدیراند.

کارشناسان فعال در شاخه وصیت‌نامه‌ها و نامه‌ها، پس از بررسی ۵۴عنوان اثر، کتاب «نامه‌های فهیمه» نوشته علیرضا کمری را به پاس زیبایی، صمیمیت، تنظیم و انسجام، به عنوان اثر ممتاز می‌شناسند و داوران شاخه جنگ جشنواره ربع قرن، پس از داوری ۲۷۰ عنوان کتاب، سرانجام مجموعه سه جلدی «حماسه مقاومت؛ یادمان هشت سال دفاع مقدس» منتشر شده توسط معاونت فرهنگی تبلیغات ستاد فرماندهی کل قوا به اهتمام بهمن دری‌اخوی، بهروز اثباتی، محمدباقر شمس‌پور و محمدقاسم فروغی راه‌به‌پاس تنوع قالب‌های نوشتاری و جامعیت با تکیه بر جلد دوم، به عنوان اثر تقدیری معرفی می‌کنند.

کتاب «در کمین گل سرخ» نوشته محسن مومنی، پس از ارزیابی ۵۰۰عنوان کتاب و به پاس ظرافت‌های داستانی، روانی و صمیمیت، به عنوان اثر ممتاز در شاخه زندگی‌نامه غیرداستانی معرفی می‌شود. همچنین مجموعه آثار زندگی‌نامه‌های شهدا از زبان همسران با عنوان «نیمه پنهان» و منتشر شده توسط موسسه روایت‌فتح، به‌خاطر صمیمیت و تاثیرگذاری، رتبه تقدیری را کسب می‌کند.

هیات داوران در شاخه زندگی‌نامه داستانی پس از بررسی ۲۳۱ اثر، سرانجام کتاب «سفر سرخ» اثر نصرت‌الله محمودزاده را به پاس دقت آگاهانه و هنرمندانه در تلفیق عناصر داستان و زندگی‌نامه و قدرت تاثیرگذاری، اثر ممتاز و برتر معرفی می‌کند. همچنین کتاب‌های «سال بازگشت» نوشته احمد دهقان و «همیشه رفیق» از مصطفی خرامان شایسته تقدیر معرفی می‌شوند.

اسامی برگزیدگان شاخه‌های مختلف گروه تحقیق و پژوهش جشنواره ربع قرن نیز به این شرح است. داوران شاخه پژوهش‌های نظامی، با ارزیابی ۱۱۷ عنوان اثر، کتاب‌های «خرمشهر در جنگ طولانی» نوشته مهدی انصاری، هادی نخعی و محمد درودیان راه‌به‌پاس ساختار منسجم، مستند، روان و پژوهشگرانه به عنوان رتبه ممتاز و «اجتنبان‌ناپذیری جنگ» اثر محمد درودیان را به عنوان رتبه تقدیری معرفی و تجلیل می‌کنند.

همچنین مجموعه کتاب‌های «فرهنگ جبهه» نوشته سید مهدی فهیمی، رتبه ممتاز شاخه پژوهش‌های ادبی جشنواره ربع قرن را از آن خود کرد و «کتاب‌شناسی دفاع مقدس» اثر فیروزه برومند در این حوزه، شایسته تقدیر شناخته می‌شود.

کتاب «وضعیت‌های نمایشی دفاع مقدس» به قلم جمشید خانیان، رتبه ممتاز و دو کتاب «پایداری در قاب» اثر سید محمد سلیمانی و «تصویر ایثار» به کوشش فهیمه‌پور آبر، رتبه تقدیری شاخه پژوهش‌های هنری را کسب می‌کنند و داوران شاخه پژوهش‌های اجتماعی و تاریخی، پس از بررسی ۱۷ اثر در این حوزه، سرانجام از دو کتاب با عناوین «از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر» نوشته حسن رحیمی و «ما و عراق از گذشته دور تا امروز» تالیف دکتر منوچهر پارسادوست به پاس دقت، اسناد، روانی و نگارش موفق، تقدیر می‌کنند.

داوران شاخه سیاسی - حقوقی جشنواره ربع قرن

حکایت جشنواره ربع قرن دفاع مقدس را می‌توان به نهالی تشبیه کرد که هر چه از زمان کاشت آن گذشت، تنومندتر شد و در نهایت هم میوه‌های آن در قالب تجربیاتی ارزشمند به ثمر نشستند

کتاب دفاع مقدس، پس از بررسی ۳۵ عنوان اثر، کتاب «تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری سازمان ملل» نوشته دکتر نسرین مصفا، دکتر بهرام مستقیمی، مسعود طارم سری و دکتر عبدالرحمان عالم را به پاس قدرت تحلیل، شیوایی و روانی و بهره‌گیری از اسناد دست اول و قوت استدلال، شایسته تقدیر در بخش پژوهش حقوقی می‌دانند. در بخش پژوهش سیاسی نیز کتاب «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران» نوشته دکتر علی‌اکبر ولایتی، رتبه تقدیری را به پاس ارائه اطلاعات دقیق و مستند از مراحل مختلف مذاکرات آتش‌بس و صلح، کسب می‌کند.

داوران گروه هنر جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، پس از بررسی کتاب‌های مرتبط با شاخه‌های «فیلمنامه»، «نمایشنامه»، «عکس» و «گرافیک، طراحی جلد و مهندسی کتاب»، عناوین آثار برتر این شاخه‌ها را معرفی می‌کنند.

در شاخه فیلمنامه، پس از بررسی ۴۹ اثر، فیلمنامه «از کرخه تا راین» اثر ابراهیم حاتمی‌کیا به پاس استحکام در ویژگی‌های ممتاز فیلمنامه‌ای تمام‌عیار، به عنوان اثر ممتاز معرفی می‌شود و فیلمنامه «هور در آتش» نوشته عزیزالله حمیدنژاد و مجموعه آثار زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور، به عنوان آثار تقدیری، تجلیل می‌شوند.

کارشناسان شاخه نمایشنامه، با مطالعه و بررسی ۱۵۰ اثر، سرانجام کتاب «چهارمین‌نامه» نوشته جمشید خانیان را به خاطر انسجام و استحکام اثر، ممتاز می‌دانند و نمایشنامه‌های «چهار حکایت از چندین حکایت رحمان» نوشته علیرضا نادری و «کانال کمیل» از سید حسین فدایی حسین را تقدیر می‌کنند. داوران شاخه عکس جشنواره ربع قرن، از میان ۶۰ مجموعه عکس جنگ تحمیلی، مجموعه هفت جلدی «جنگ تحمیلی» منتشر شده توسط انتشارات ستاد تبلیغات جنگ را به عنوان اثر ممتاز معرفی می‌کنند و دکتر کمال خرازی به نمایندگی از ناشر این مجموعه، جایزه را دریافت می‌کند.

همچنین مجموعه عکس‌های سعیدصادقی منتشر شده به همت موسسه روایت فتح و کتاب «رویش در سپیده» اثر ابوطالب امام، به عنوان آثار تقدیری معرفی می‌شوند.

هیات داوران گروه گرافیک، پس از بررسی بیش از شش هزار عنوان کتاب در پنج شاخه «طراحی جلد»، «تصویرسازی» و «داستان‌های تصویری دنباله‌دار (کمیک استریپ)»، «مدیریت هنری» و «صفحه‌آرایی»، نتایج کار خود را به شرح زیر اعلام کردند.

مجید زارع، به پاس طراحی مبدعانه طرح جلد کتاب «نشانه»، رتبه ممتاز و مرتضی زاهدی به خاطر طرح جلد کتاب «راه صلح»، کوروش پارسانژاد به دلیل طراحی کتاب «مرتضی آیینه زندگی ام بود»، «جهنم تکریت» و «شهادت» و انتشارات سوره مهر و کانون پرورش‌فکری کودکان و نوجوان، به پاس ایده‌های نو در طراحی، شایسته تقدیر شناخته می‌شوند.

در شاخه تصویرسازی کتاب، هدی حدادی به پاس طراحی منسجم و استوار کتاب «اگر من خلیبان بودم»، رتبه ممتاز را کسب می‌کند. همچنین امیر نساجی به پاس تصویرسازی کتاب «کلاهیخود» و پرویز اقبالی، تصویرسازی کتاب «مثل چشم‌های بابا» به پاس بهره‌مندی از فرهنگ غنی اسلامی و ساختار مرتبط با داستان، رتبه تقدیری را به دست می‌آورند.

پرویز اقبالی نیز به دلیل خلق فضاهای متفاوت و مناسب و ترکیب بندی هنرمندانه در کتاب «داستان حماسه حاج‌یونس»، رتبه ممتاز شاخه کمیک‌استریپ را کسب می‌کند.

همچنین، نوروز عباسی به پاس به کارگیری تکنیک‌های مناسب در طراحی کتاب داستان «به خرمشهر خوش آمدید» و ایرج خان باباپور به خاطر تصویرگری کتاب «نبرد تانک‌ها» قدردانی و تقدیر می‌شوند.

در شاخه مدیریت هنری نیز مدیریت هنری

انتشارات روایت فتح، به پاس تولید مجموعه‌های «نیمه پنهان ماه»، «روزگاران»، «یادگاران»، «از چشم‌ها»، «آسمان»، «روایت نزدیک»، «اینک شوکران» و...مقام ممتاز را کسب می‌کند و از مدیریت هنری انتشارات سوره مهر به پاس تولید کتاب‌های «به مناسبت بیست و پنجمین سال آزادی خرمشهر» و «بانوی ماه» قدردانی می‌شود.

همچنین مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به پاس انتشار مجموعه کتاب‌های «اطلس راهنما»، در شاخه صفحه‌آرایی مورد تقدیر قرار می‌گیرد.

هیات داوران شاخه‌های ترجمه «فارسی به عربی» و «عربی به فارسی» گروه ترجمه جشنواره ربع قرن، پس از بررسی و ارزیابی ۲۶ عنوان کتاب، مجموعه آثار (هشت کتاب) خانم فاطمه شعبان برجکانی - که در ایران حضور ندارد - و کتاب «تاریخ‌الدفاع المقدس» دکتر اسماعیل لاریجانی با ترجمه عقیل خورش‌ا را شایسته تقدیر معرفی می‌کنند.

در بخش جنبی جشنواره ربع قرن نیز مرتضی سرهنگی به پاس تالیف چندین عنوان کتاب، مدیریت فعال، هوشمندانه و متعهدانه در حوزه نشر کتاب دفاع مقدس، در حوزه «مدیریت فرهنگی» تجلیل می‌شود. همچنین از سردار بهروز اثباتی به پاس فعالیت چشمگیر و مستمر به ویژه در برگزاری هشت دوره جشنواره کتاب سال دفاع مقدس، همکاری و همراهی در چاپ چندین عنوان کتاب در مجموعه‌های سپاه پاسداران و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و هدایت‌الله بهبودی به خاطر تلاش صادقانه و عاشقانه در حوزه مطبوعات، پژوهش و نشر کتاب‌های دفاع مقدس، تقدیر به عمل می‌آید.

قاسمعلی فروغی به پاس کوشش خستگی‌ناپذیر در راه‌اندازی انتشارات نیروی زمینی سپاه پاسداران، برگزاری جشنواره‌های کتاب دفاع مقدس، کنگره‌های سراسری شعر دفاع مقدس و ارتباط مستمر با نویسندگان این حوزه و امیرحسین فردی به پاس کوشش در تربیت نسل نویسنده دفاع مقدس و برگزاری جشنواره کتاب شهید حبیب غنی‌پور و تالیف چند عنوان کتاب درباره جنگ تحمیلی، نیز تجلیل می‌شوند.

در حوزه مدیریت فرهنگی و به دلیل کوشش در ترویج و تعمیق نمایشنامه‌نویسی دفاع مقدس و به پاس راه‌اندازی جشنواره‌های سراسری تئاتر دفاع مقدس، از دکتر فرهاد مهندس‌پور قدردانی صورت می‌گیرد.

سردار قاسم سلیمانی هم به پاس همراهی، همدلی و کوشش صادقانه در چاپ آثار دفاع مقدس، در حوزه چهره‌های فعال در شاخه‌های ادبیات دفاع مقدس و برگزاری کنگره سرداران شهیداستان کرمان، تشویق می‌شود.

همچنین نصرت‌الله صمدزاده به پاس فعالیت در حوزه کتابداری دفاع مقدس و تبیین حوزه‌های جدید در این زمینه و کوروش علیانی به پاس نگاه نو به شیوه خاطره‌نگاری و تدوین کتاب‌های دفاع مقدس و سرویراستاری مجموعه‌های «یادگاران» و «روزگاران» و سیدعباس میرهاشمی به خاطر تولید مجموعه کتاب عکس دفاع مقدس، جزو تقدیرشدگان قرار می‌گیرند.

داوود امیریان به پاس نگاه متفاوت و باز کردن زاویه‌ای نو در داستان جنگ، موسی بیدج به خاطر تلاش مستمر و ستودنی در حوزه ترجمه آثار دفاع مقدس، محمدرضا کاتب، به پاس تدوین مجموعه آثار داستانی در حوزه جنگ تحمیلی، احدگودرزیانی، به خاطر فعالیت در حوزه مطبوعات و اخبار مرتبط با ادبیات دفاع مقدس، نادر قدیانی به پاس فعالیت مثمر ثمر در حوزه چاپ و نشر آثار داستانی مرتبط با جنگ تحمیلی و انتشارات سپاه پاسداران (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) به دلیل انتشار بیش از ۱۳۰۰ عنوان کتاب درباره دفاع مقدس، تقدیر و تجلیل می‌شوند. در پایان از شاعران زنده‌یاد؛ سید حسن حسینی و نصرالله مردانی به پاس فعالیت مستمر در حوزه خلق و نقد شعر دفاع مقدس، تجلیل می‌شود.



زهرة نیلی

به مناسبت روز جهانی کودک

آثار بومی جهانی می‌شوند!

این که یک برگ از ۳۶۵ برگ تقویم را به کودک اختصاص داده‌اند، چیز کمی نیست. کودکان، آنقدر اهمیت داشته‌اند که روزی را به آنها اختصاص دهند، حتی اگر آن گونه که باید و شاید این گروه سنی آن گونه که باید و شاید با حق و حقوق خود آشنا نشوند. شانزدهمین روز از ماه مهر، روز جهانی کودک نام گرفته. به مناسبت این روز (۱۶مهر) با چند تن از صاحبزبانان کودک و نوجوان به گفت‌وگو نشستیم.

گرفتار روزمرگی شده‌ایم

کودکان دیروز و امروز، مصطفی رحماندوست رابه خوبی می‌شناسند. مجموعه «بازی بانگشت‌ها»، «اون کیه، اون چیه؟»، «ترانه‌های نیایش»، «قصه‌دوتا لاک پشت تنها» و... از جمله آثار این شاعر و نویسنده نام‌آشنای کودک و نوجوان‌اند. بارحماندوست درباره روز جهانی کودک و وضعیت ادبیات کودک و نوجوان ایران زمین به نسبت کشورهای دیگر سخن گفته‌ایم.

ادبیات کودک و نوجوان، شاخه‌ای نورسته از درخت تنومند ادب فارسی است. جایگاه این ادبیات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روزگاری می‌گفتیم به جز ژاپن، وضعیت بهتری را به نسبت کشورهای دیگر در سطح منطقه دارا هستیم اما حالا این طور نیست؛ کشورهای چون مصر و کره جنوبی، بسیار جلوتر از ما هستند.

علت‌ها را در چه می‌بینید؟

یک دلیل و دو دلیل برای این کار وجود ندارد. از یک سو سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پایین است و کم‌اند خانواده‌هایی که مخاطب جدی و حرفه‌ای کتاب هستند.

از سوی دیگر سازوکار آموزش و پرورش به گونه‌ای است که بچه‌ها را از هرچه کتاب است بیزار می‌کند. کتابخانه، بهترین مکانی است که می‌تواند بچه‌ها را به کتاب علاقه‌مند کند. به شرط این که سیستم آموزشی آنها را با کتاب آشنا کرده و به این سمت، سوق داده باشد و گرنه به جایی می‌رسیم که اینک در آیم. بین ۵۲ کشور در رده چهل و پنجم به لحاظ درک مطلب و در ردیف ۱۸۵ از جهت سرعت اینترنت هستیم.

سرعت اینترنت چه ارتباطی به ادبیات کودک دارد؟ بالا بودن سرعت اینترنت، نشانه رشد فرهنگی یک جامعه است. ۲۵ سال پیش فکر می‌کردیم ادبیات کودک و نوجوان ما می‌تواند در دنیا تاثیرگذار باشد اما امروز، همه آرزوهایمان، نقش برآب شده است. قرار ارشاد مبنی بر این که ناشران و کتابفروشی‌ها از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و هرکس که بخواهد می‌تواند مکان مسکونی خود را به کتابفروشی تبدیل کند تا چه اندازه در رشد کتابخوانی تاثیرگذار است؟

کتابفروشی دردی را درمان نمی‌کند و فایده‌ای ندارد. منصفانه داور می‌کنید، جایگاه کتاب در سبد خانوار کدام است؟! گرانی و تورم اقتصادی موجب شده، درآمد طبقه متوسط و قدرت خرید او به عنوان موثرترین طبقه اجتماعی پایین بیاید و توان خرید کتاب را از دست بدهد. حقوق کارمندان در سال، پنج یا شش درصد بالا می‌رود اما قیمت کتاب، ۲۵ درصد. شما خود را به جای پدر و مادر بگذارید، ترجیح می‌دهید شکم بچه‌تان را سیر کنید یا برایش کتاب بخرید؟! پاور کنید تا شکم سیر نباشد کسی به فکر غذای روح نمی‌افتد.

حضور در نمایشگاه‌های مختلف تا چه اندازه به جهانی شدن ادبیات کودک و نوجوان کمک کرده است؟

شاعران و نویسندگان ما راه خود را پیدا نکرده‌اند اما تصویرگران ایرانی توانسته‌اند زبان خود را جهانی کنند به عبارتی ملاک‌های هر جشنواره را دریافته‌اند و هماهنگ با آن رفتار می‌کنند و این کار خوبی‌ها و بدی‌های خاص خود را دارد. از یک سو برای ایران، اعتبار بین‌المللی می‌آورد و از سوی دیگر موجب فاصله گرفتن تصویر از مخاطب می‌شود. یعنی آنچه تصویر می‌شود هویت ما را نشان نمی‌دهد بلکه

خلع‌تبری درباره صادرات کتاب و راه‌های ورود آثار ایرانی به بازار جهانی سخن گفته‌ایم که می‌خوانید. **چه شرایطی برای ورود یک کتاب به بازار جهانی وجود دارد؟** یکی از اصلی‌ترین شرایط، نو و خلاقه بودن آثار است؛ به این معنی که هم نویسنده داستان تازه‌ای پدید آورده باشد و هم تصویرگر، نواندیش و خوش فکر باشد.

نمونه آنچه برای ناشران خارجی اهمیت دارد، این است که بدانند نویسنده اثر، چه ویژگی‌هایی دارد، چه کار کرده و جهان بینی‌اش چگونه است؛ همچنان که از تصویرگر هم می‌خواهند تا پیشگفتاری بنویسد و بگوید هنگام خلق اثر، چه ذهنیتی داشته و چگونه به این تفکر رسیده است. **همه کشورها چنین انتظاری دارند یا چند کشور خاص؟**

در گذشته تنها چند کشور و آن هم ناشران درجه یک چنین انتظاری داشتند اما امروزه کشورهای آسیایی هم چنین عقیده‌ای دارند و دوست دارند بدانند که اثر تولید شده تا چه اندازه جوششی است و نه کوششی.

کتاب‌هایی که در نمایشگاه‌های خارجی شرکت می‌کنند به زبان آن کشور یا حداقل به انگلیسی ترجمه می‌شوند؟

خلاصه‌ای از آن کتاب، ترجمه می‌شود... به هر حال، با ترجمه چه بخواهیم و چه نخواهیم، بار عاطفی وازگان را کم می‌کنیم و به ویژه در بازنویسی و بازآفرینی متون کهن و نوشته‌های آهنگین و نه حتی شعر، نمی‌توانیم معنا و مفهوم را به درستی منتقل کنیم. به همین دلیل در کشوری چون ایتالیا، بهترین نویسندگان، کتاب‌ها را به ایتالیایی ترجمه می‌کنند و معتقدند تنها نویسندگان کودک هستند که دنیای کودکان و ذهن و زبان آنها را می‌شناسند و از عهده ترجمه آثار کودکانه برمی‌آیند.

چه معیاری برای صدور کتاب در ایران وجود دارد؟ تقریباً هیچ معیاری، چراکه حمایتی وجود ندارد. ناشران به سبب مشکلات مالی نمی‌توانند در بازارهای جهانی حضور پیدا کنند، در صورتی که در کشوری مانند ترکیه، بانک‌های دولتی به ناشران وام می‌دهند و از آنها حمایت می‌کنند اما در ایران چه کسی از من ناشر پشتیبانی می‌کند؟! پس چگونه می‌توان انتظار داشت که ادبیات ما جهانی شود؟!

جور دیگر باید دید

بابک نیک‌طلب، شاعر کودک و نوجوان و کارشناس زبان و ادب فارسی است و «پیشواز روشنی»، «آسیاب بجرخ، بجرخ» و «گاهنامه شعر نوجوان» از جمله آثار او هستند؛ شاعر کودک و نوجوانی که در حوزه هنری، مجلات رشد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای شعر سازمان فرهنگی هنری شهرداری فعالیت کرده است. با او درباره روز جهانی کودک و وضعیت شعر کودک و نوجوان ایران زمین به نسبت کشورهای دیگر سخن گفته‌ایم.

ادبیات کودک و نوجوان، شاخه‌ای نورسته از درخت تنومند ادب فارسی است. جایگاه این ادبیات را چگونه ارزیابی می‌کنید و این که آیا امکان جهانی شدن برای شعر شاعران ما وجود دارد؟

هر کشوری، معیارها و ضوابط خاص خود را دارد و کودکان ایرانی نیز باید با شاعران دوره و زمانه خود آشنا شوند؛ همان گونه که ما شاعران خود را داشتیم



مصطفی رحماندوست



بابک نیک‌طلب



فریده خلیجی

بازار جهانی تا چه اندازه به گرافیک اثر اهمیت می‌دهد؟

اثری می‌تواند توجه ناشران خارجی را جلب کند که گرافیک و نحوه چیدمان حروف آن جذاب و تاثیرگذار باشد و چشم را به دنبال خود بکشانند.

شما کتاب را برای بچه‌های ایرانی منتشر می‌کنید یا به دنبال خواسته و نیاز بازار جهانی هستید؟

کتاب را برای بچه‌های ایرانی تولید می‌کنم اما وقتی در نمایشگاه‌های خارجی حضور می‌یابم، به فروش تولیدات خود به ناشران خارجی هم فکر می‌کنم. به عبارتی من باید پسند ناشر خارجی را هم که برپایه شناخت جامعه فرهنگی او استوار است در نظر بگیرم.

مراحل اجرایی صادرات کتاب کدام است؟

اگرچه امروز فضاهای مجازی بسیاری وجود دارد اما دو ناشر در نخستین قدم باید با یکدیگر گفت‌وگو کنند و پسند یکدیگر را بدانند؛ آن‌گاه کتاب‌های مورد نظر را ترجمه و برای یکدیگر ارسال کنند. پس از آن، بحث‌های اساسی دیگری پیش می‌آید. برای

بیانگر معیارهای آن جشنواره‌هاست.

پس شما معتقد به بومی‌گرایی هستید.

هر چه کاری که خلق می‌کنیم، بومی‌تر باشد به همان اندازه جهانی‌تر است و این بومی‌گرایی، تا حدی در کتاب‌های کانون پرورش فکری به چشم می‌خورد.

قصه‌های ایرانی، می‌توانند معرف فرهنگ و ادبیات ما باشند...؟

مثل‌ها، افسانه‌ها و ادبیات کهن ایران، گنجینه‌های بی‌پایانی هستند که هویت و فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و لازم است کودکان و نوجوانان با این میراث ارزشمند آشنا شوند و با شناخت گذشته خود به دوره جدید قدم بگذارند. از سوی دیگر قصه‌ها می‌توانند عادت مطالعه را در میان مردم افزایش دهند اما هیچ سرمایه‌گذاری روی بازنویسی و بازآفرینی قصه‌ها و شناساندن آن به نسل جوان نشده چه رسد به معرفی جهانی؟!

تلویزیون، یکی از رسانه‌هایی است که می‌تواند در این زمینه نقش داشته باشد... درست است؟

بی‌گمان همین طور است اما چنین نمی‌کند. در هر فیلم و مجموعه ایرانی، انواع و اقسام لوازم اضافی و تزئینی دیده می‌شود که ۹۰ درصد مردم آرزوی داشتنش را دارند و به خاطر گران بودن، نمی‌توانند صاحبش شوند.

آموزش رسمی و غیررسمی

فریده خلیجی، مدیر انتشارات شب‌باز از جمله ناشران انگشت‌شماری است که کتاب‌هایش به چندین زبان ترجمه و در کشورهای چون ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، آمریکا، تایوان، کره جنوبی و... منتشر شده است. کمتر از یک ماه پیش نیز جشن تولد صدمین کتاب شب‌باز در کره جنوبی برگزار شد. با



رحماندوست: مثل‌ها،

افسانه‌ها و ادبیات کهن

ایران، گنجینه‌های

بی‌پایانی‌اند که هویت و

فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند

و لازم است کودکان و

نوجوانان با این میراث

ارزشمند آشنا شوند

مسئول انتشارات دانشگاه علوم انتظامی:

انتشارات دانشگاه علوم انتظامی کتاب‌های آموزشی و پژوهشی منتشر می‌کند

سیزدهم مهرماه در تقویم جمهوری اسلامی ایران دو مناسبت دارد؛ نخست هجرت امام خمینی (ره) از عراق به پاریس که زمینه‌ساز تغییرات بزرگی در کشور و منطقه شد و دوم، روز نیروی انتظامی. نیروی انتظامی از سال ۱۳۷۰ با تأیید مقام معظم رهبری تشکیل شد و امسال از ۱۱ تا ۱۷ مهرماه شاهد برگزاری هفته نیروی انتظامی خواهیم بود. به همین مناسبت با سهراب عطاری مسئول انتشارات دانشگاه علوم انتظامی گفت و گویی انجام داده‌ایم. او می‌گوید: «منابع آموزشی و پژوهشی حوزه علوم انتظامی باید غنی و روزآمد شوند تا پیش از پیش به کار دانشجویان و فعالان این حوزه بیانند.» بیشترین حجم فعالیت‌های انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا بر تالیف متمرکز است یا ترجمه؟ فعالیت این انتشارات شامل هر دو مقوله است که در دو حوزه کتاب‌های آموزشی و کتاب‌های پژوهشی انجام می‌شود. البته به دلیل روزآمد بودن فنون و علوم نظامی در جهان، تعداد آثار ترجمه بیش از تالیف است.



برای این موارد نیز داریم و کمتر به ظاهر کتاب‌ها توجه می‌کنیم! به عنوان یکی از فعالان انتشارات کتاب‌های انتظامی، کتاب‌های حوزه علوم انتظامی را چگونه آسیب‌شناسی می‌کنید؟

در هر حال مسلم این است که منابع این حوزه باید غنی‌تر شوند، به روز باشند و تغییرات علمی و قانونی در تجدید چاپ آنها لحاظ شوند. ضمن این که باید به کیفیت ظاهری آنها نیز توجه بیشتری معطوف شود.

انتشارات دانشگاه علوم انتظامی تا چه حد در این زمینه موفق بوده است؟

طی ۱۲ سال فعالیت در این حوزه، بیش از ۲۵۰ عنوان کتاب منتشر کرده‌ایم که حدود ۲۰۰ عنوان از آنها آموزشی و ۵۰ عنوان پژوهشی بوده‌اند اما متأسفانه به دلیل مشکلات موجود نتوانسته‌ایم همگام با زمان پیش برویم و تمامی تغییرات قانونی را در این کتاب‌ها اعمال کنیم. البته برنامه ما این است که در دراز مدت این نقیصه را برطرف و کتاب‌هایی به روزتر و کارآمدتر برای استفاده دانشجویان و متخصصان علوم انتظامی منتشر کنیم.

آیا کتاب‌های این انتشارات در کتابخانه‌های دانشگاه علوم انتظامی نیز توزیع می‌شوند؟

در دانشگاه علوم انتظامی ناجا ۶ شش دانشکده کوشر (ویژه خواهران)، راهور، اطلاعات و علوم آگاهی، انتظامی، اداری-فنی و دافوس (ویژه کارشناسی ارشد) وجود دارد که هر یک از آنها یک کتابخانه تخصصی دارند و کل دانشکده نیز یک کتابخانه مرکزی دارد.

کتاب‌های ما در تمام این کتابخانه‌ها نیز وجود دارند و دانشجویان می‌توانند از آنها استفاده کنند.

از کتاب‌های شما، مسابقه‌های کتابخوانی هم برگزار می‌شود؟

سازمان عقیدتی-سیاسی ناجا مسابقه‌هایی را از این کتاب‌ها یا سایر کتاب‌ها برگزار می‌کند. علاوه بر این، مجلات تخصصی ناجا نیز که در حوزه‌هایی چون راهنمایی و رانندگی، علوم جنایی، علوم مرزی و مسائل انتظامی منتشر می‌شوند، مسابقات تخصصی کتابخوانی برگزار می‌کنند.

است، فقط باید توسط متخصصان ترجمه یا تالیف شود و تنها در اختیار متخصصان این حوزه قرار بگیرد و نمی‌توان چنین کتابی را در اختیار همه قرار داد چون امکان سوءاستفاده از آن وجود دارد.

برخی کتاب‌های دیگر هم مخاطبانی از میان قضات یا نیروهای حراست سازمان‌ها دارند و باز هم باید توسط ناشران نظامی و انتظامی منتشر شوند. اما کتاب‌های دیگری مانند شناخت سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای جهان، راه‌نشان عمومی نیز می‌توانند منتشر کنند. پس این مسأله بسته به نوع کتاب، برخورد متفاوتی را طلب می‌کند.

میزان تعامل این انتشارات با ناشران دیگر چقدر است؟

به طور مستقیم با ۱۲۰ ناشر در ارتباطیم و برخی منابعی را که در دانشکده‌ها به عنوان منبع درسی تدریس می‌شوند، از طریق مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهیم.

کتاب‌های مرتبط با علوم انتظامی عمدتاً مباحث خشکی دارند. برای جذاب‌تر کردن این مفاهیم برای دانشجویان چه کارهایی انجام می‌شود؟

مباحث علمی را مسلماً نمی‌توان دستکاری کرد تا جذاب‌تر شوند اما می‌توان کتاب‌ها را از نظر شکل ظاهری به گونه‌ای طراحی کرد که برای دانشجویان جذاب‌تر باشند مثلاً می‌توان در طراحی جلد و صفحه‌آرایی بازنگری‌هایی انجام داد یا در انتخاب جنس کاغذ دقت لازم را به عمل آورد. البته ما به دلیل کار در سیستم دولتی، محدودیت‌هایی

منابع آموزشی و پژوهشی حوزه علوم انتظامی باید غنی و روزآمد شوند تا بیش از پیش به کار دانشجویان و فعالان این حوزه بیانند

شیوه انتخاب کتاب‌ها برای انتشار در این انتشارات چگونه است؟

معاونت پژوهشی دانشکده‌های دانشگاه علوم انتظامی بر حسب سرفصل‌های مورد نیاز خود به ما اعلام نیاز می‌کند و استادان دانشگاه علوم انتظامی و مولفان خارج از این دانشکده‌ها نیز کتاب‌های مناسب برای ترجمه و ایده‌های مناسب تالیف را به ما ارائه می‌دهند. این ایده‌ها و کتاب‌ها در گروه‌های تخصصی انتشارات مورد بررسی قرار می‌گیرند و در صورت مناسب تشخیص داده شدن، توسط کارشناسان، ترجمه یا نوشته می‌شوند و به انتشار می‌رسند.

چاپ این کتاب‌ها در خود این مرکز صورت می‌گیرد؟

مراحل آماده‌سازی کتاب‌ها اعم از حرفه‌چینی، ویراستاری، طراحی جلد، صدور و فیپا و مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط انتشارات انجام می‌شود و بعد از طی مراحل آماده‌سازی، مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاه علوم انتظامی، اقدام به چاپ آنها می‌کند. البته این مرکز طبق قراردادهایی که با مراکز چاپ، لیتوگرافی و صحافی بیرون از دانشگاه دارد، انجام مراحل چاپ و پس از چاپ را به آنها می‌سپارد.

توزیع کتاب‌های این انتشارات با چه شیوه‌ای انجام می‌شود؟

برای توزیع این کتاب‌ها یک سیستم توزیع داخلی وجود دارد. اگر این کتاب‌ها جزو منابع آموزشی دانشکده‌ها باشد که در ۹۰ درصد موارد همین‌طور است. طبق موضوع و نیاز، در خود دانشکده‌ها

توزیع می‌شوند. کتاب‌های پژوهشی ما نیز، هم در ادارات نیروی انتظامی توزیع می‌شوند و هم بنا به ضرورت‌های موجود در سطح مراکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

دو گروه از کتاب‌های مذکور عموماً برای توزیع در بیرون از محیط‌هایی که ذکر کردم، تهیه نشده‌اند و در همین بخش‌ها توزیع می‌شوند. اما بخش دیگری از کتاب‌های ما که موضوعات عمومی دارند، مانند کتاب‌های ناشران عمومی، در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه می‌شوند و مخاطبان خود را دارند. به عنوان مثال کتاب‌های مرتبط با حقوق، حراست و راهنمایی و رانندگی مخاطبان حقیقی و حقوقی خود را دارند.

در حوزه عمومی چه نوع کتاب‌هایی در این انتشارات منتشر می‌شوند؟

در حوزه‌هایی مثل راهنمایی و رانندگی کتاب‌هایی را منتشر کرده‌ایم که از میان آنها می‌توان به «تضمین ایمنی رانندگی با روش‌های نوین» اشاره کرد.

انتشار کتاب‌های این حوزه در انحصار انتشارات دانشگاه علوم انتظامی است؟

در پاسخ به این سوال در درجه اول باید بگویم که انتشار کتاب در هر زمینه‌ای، فوت و فن خاص خودش را دارد و باید به طور تخصصی انجام شود از طرف دیگر، برخی مباحث به دلایل امنیتی فقط باید توسط خود ما تولید شوند و در سطح عمومی نیز توزیع نشوند. به عنوان مثال، کتابی که موضوع آن جعل اسناد

چون هر نسلی با شاعر هم نسل خود ارتباط می‌گیرد. اما شعر تاریخ مصرف ندارد و شعر خوب، آینه‌ای است که به گفته عین‌القضات، هر کس تصویر خود را در آن می‌بیند.

می‌توان برای شعر، شخصیت قائل شد. در این صورت هر شعر، تاریخ تولد و مرگی دارد اگر چه خاطره یک شعر خوب در ذهن انسان باقی می‌ماند. پس به باور شما تاریخ مصرف شعر حافظ و مولانا گذشته در صورتی که ما هنوز از خواندن شعر این شاعران لذت می‌بریم!

حرف من به این معنا نیست که امروز نمی‌توان شعر حافظ را خواند و از خواندنش لذت برد. منظور من این است که جاودانگی، ویژگی یک شعر خوب از بدو تولد است اما باید ببینیم که قیصر امین پور به نسل ما تعلق داشت و ما پیش از آیندگان، با مفهوم شعر او آشنا هستیم. از سوی دیگر، شاعران جدید، ویژگی‌های خاص خود را دارند و قرار نیست همه شاعران در اوج باشند. هر کس بر اساس توانایی و دانش خود، قله‌ای را فتح می‌کند. از سوی دیگر من برای بچه‌های ایران زمین می‌نویسم و با کودکانی که در آلمان، دانمارک و سوئد زندگی می‌کنند کاری ندارم؛ البته اگر آنچه می‌نویسم گستره وسیع‌تری را دربرگیرد و مورد توجه افراد بیشتری با ملیت‌های متفاوت قرار گیرد که چه بهتر.

شاید هانس کریستین آندرسن یا رولد دال هم به کودکان سرزمین‌های دیگر فکر نمی‌کردند اما آثارشان از مرز کشور و محدوده جغرافیایی‌شان فراتر رفت. چگونه است که درباره شاعران و نویسندگان ایرانی این اتفاق کمتر می‌افتد؟

این به نگاه شاعران و نویسندگان ما برمی‌گردد. کسی چون آنتوان دوست اگزوپری، نگاه عمیق و جهان‌شمولی دارد و به موضوعات و شخصیت‌هایی می‌پردازد که در همه جوامع، ماب‌ه‌ازای عینی دارند اما شاید شاعران و نویسندگان ما این‌گونه نگاه نمی‌کنند. از سوی دیگر دنیای بیرون تا چه اندازه روی شاعران و نویسندگان ما تأثیر می‌گذارد؟ اما نمی‌توان گفت که آنچه پیرامون شاعر می‌گذرد بر او بی‌تأثیر است.

منظور من این است که شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان ما تا چه اندازه به خارج از ایران سفر می‌کنند؟ آیا وزارت ارشاد، وزارت آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری یا شورای کتاب کودک به عنوان نمایندگان ibby این امکان را برای ما پدید آورده‌اند؟

زبان، عامل مهمی است که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت. شما نمی‌توانید امکانات و گستره زبان انگلیسی را با فارسی مقایسه کنید.

اما می‌توان آثار نویسندگان ایرانی را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. پس از سال‌ها کتاب‌های محمدرضا بایرامی و احمد دهقان به همت یک ناشر سوئیسی ترجمه و منتشر شده است. بگذریم که شعر چیزی است که در ترجمه از دست می‌رود، به ویژه شعری که وزن و قافیه دارد.

شعرهای سیلور استاین هم موزون و مقفی است و با این که در ترجمه، وزن و آهنگ خود را از دست داده اما همچنان زیبا و پر خواننده است...

ویژگی‌های دیگری هم در شعر سیلور استاین وجود دارد مثل بازی با واژه‌ها و استفاده از زبان محاوره و... بگذریم از این که بسیاری از شعرهای او تصویری است و اگر تصویر را حذف کنیم، چیز زیادی از شعر باقی نمی‌ماند.

اما تصویرگران ما نتوانسته‌اند راه جهانی شدن را طی کنند...

چون زبان تصویر، زبان جهانی و متفاوتی است. به باور تصویرگرانی که جایزه‌های معتبر جهانی را از آن خود کرده‌اند، بومی‌گرایی، مقدمه‌ای بر جهانی شدن است.

هرچه کاری که خلق می‌کنیم، بومی‌تر باشد به همان اندازه جهانی‌تر است و این بومی‌گرایی، تا حدی در کتاب‌های کانون پرورش فکری به چشم می‌خورد. البته این مسأله منافاتی با ترجمه آثار به زبان انگلیسی ندارد.



سجاد صاحبان زند

نخستین مجموعه بهاره رهنما، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون با عنوان «چهار چهارشنبه و یک کلاه گیس» منتشر شد. رهنما چند سالی است که قصه هایش را جسته و گریخته در مطبوعات به چاپ رسانده و هم اینک این قصه ها را کنار هم گردآورده است. او دارای سه مدرک کارشناسی در رشته های زبان و ادبیات فارسی، حقوق و ادبیات نمایشی است و همچنین سابقه نوشتن در مطبوعات را نیز دارد. رهنما در اولین مجموعه داستانش به زندگی شهری و مسائل و مشکلات آن پرداخته است. قصه های زبانی ساده و فرم روایی او در این داستان ها خطی و سراسر است. او مجموعه دیگری را نیز در راه دارد و چنانچه خود می گوید در حال به پایان بردن رمانی نیز هست.

«چهار چهارشنبه و یک کلاه گیس» در گفت و گو با بهاره رهنما

دوست دارم از زندگی بنویسم



در کتاب، نشانی از بهاره رهنمای بازیگر نمی بینیم. چرا؟

نمی خواستم که این قضیه را مورد توجه قرار دهم. اما به هر حال در مجموعه قصه دوم، یک قصه کوتاه با این مضمون دارم. هیچ وقت دلم نمی خواست سایه یک بازیگر پشت این کتاب باشد. دلم می خواست به عنوان یک نویسنده از زبانی شوم و نه به عنوان بازیگری که حالا می خواهد قصه ای هم چاپ کند. ممکن است کار من به عنوان یک بازیگر، در چاپ اول موفق باشد یا کتاب مورد توفیق مناسبی قرار بگیرد اما اگر به عنوان نویسنده چیزی در چنته نداشته باشم، به طور حتم در کتاب های بعدی ام با شکست مواجه خواهم شد. نویسندگی همیشه برای من مسأله ای جدی بوده است و حتی می توانم بگویم که بازیگر شدن من امری اتفاقی بوده است. از همان سال هایی که هنر برای من مطرح شد، به بازیگری و نویسندگی علاقه داشتم اما به هر حال اتفاق، من را به سمت بازیگری کشاند. اما در مورد داستان نویسی، این اتفاق کمی دیرتر افتاد. چون همیشه با وسواس به کارهایم نگاه می کردم، در ابتدا حتی جرأت نمی کردم داستان هایم را به کسی بدهم که بخوانند تا زمانی که کارگاه داستان فرهنگسرای نیاوران پیش آمد و من داستان هایم را به جعفر مدرس صادقی نشان دادم، به همین دلیل هیچ گاه نمی خواستم این قصه ها را به عنوان یک بازیگر بنویسم، چون یک نویسنده در تمام طول این سال ها در وجود من بود.

منظورم این است که شما به عنوان کسی که فضای سینما و پشت صحنه هایش را می شناسید، می توانستید قصه هایی با این فضا بنویسید...

البته این جنبه ای دیگر از ماجراست. مثلاً آقای کیانیان مسائلی شبیه این را در کتابش مورد بررسی قرار داده است. نمی خواستم نگاهی این گونه به ماجرا داشته باشم. البته شاید در یک نشریه، یک ستون در این مورد داشته باشم، اما اگر می خواستم در این کتاب به عنوان یک بازیگر وارد شوم، شخصیت نویسنده ام در سایه قرار می گرفت. دوست داشتم وقتی مخاطب این کتاب را می خواند، از جایی یادش برود که من بهاره رهنمای بازیگرم. اگر به آن مسائل می پرداختم، مرتب به او یادآوری می کردم که یک بازیگرم.

در قصه هایم می خواهی که روایتگر زندگی خودت و نسلی باشی که در آن زیسته ای. بیشتر هم از فضای شهری می نویسی و ممکن است خیلی برایت مهم نباشد که در پایان هر قصه چه روی می دهد. این نکته را قبول دارید؟

از این جنس داستان نویسی که در پایان آن اتفاق های تکان دهنده و عجیب می افتد، خوشم نمی آید. همیشه طرفدار جاری کردن زندگی در هنر هستم اما این که به زندگی شهری پرداخته ام، اصلاً عمدی نبوده است. در کتاب اولم سراغ چیزهایی رفتم که می شناختم. ممکن است روزی هم از جاهای دیگری بنویسم اما برای آن که قصه ای از جنوب بنویسم، دوست دارم حتماً جنوب را ببینم و آن را حس کنم. یکی از دلایلی هم که دلم می خواهد این قصه به زبان های دیگر ترجمه شود همین نکته ای است که شما اشاره کردید. مخاطب می تواند در این کتاب لحظه هایی از زندگی ایرانی ها و به خصوص زن های ایرانی را ببیند. خیلی دلم می خواست که حال و هوای زن ایرانی را در سال های بعد از جنگ به نمایش بگذارم. به همین دلیل است که در این کتاب، قصه «شمس العماره» را بیشتر از بقیه دوست دارم.

حالا کمی به عقب ترو برویم، به همان سال های کودکی که می گوید به ادبیات سینما به طور همزمان علاقه داشتید. چطور شد که به نویسندگی علاقه مند شدید؟ با نوستالژی دهه چهلگی ها بزرگ شدم. دهه ای که در آن جریان های فرهنگی و اجتماعی خاصی شروع شد. خانواده من خیلی اهل فرهنگ بودند. مثلاً داییم که روی من خیلی تاثیر گذاشت. به من کتاب «آری چنین گفت برادر» را داد که بخوانم. مادر بزرگ خیلی اهل فرهنگ بود و حتی دودفتر شعر هم داشت که شعرهای خودش و شعرهایی را که این طرف و آن طرف می خواند در آن جمع می کرد. من هم از همان سنین کودکی جذب نوشتن شدم. از همان روزهایی که انشاء می نوشتم. یا مثلاً در سال های جنگ، پدرم پیشنهاد کرد که کتاب های فلاچی را بخوانم که خیلی رویم تاثیر گذار بودند. اتفاقاً خیلی هم دوست داشتم که نویسنده شوم؛ نویسنده یا بازیگر. اما بعدها که قضیه بازیگری جلو افتاد و مسأله شهرت و این حرف ها داستان کمی کم رنگ شد. اما تحصیلم در رشته ادبیات (به عنوان اولین رشته ام در دانشگاه) و سپس ادبیات نمایشی که بعد از حقوق آن را خواندم و در ادامه، شرکت در کارگاه های داستان نویسی، سبب شد تا داستان نویسی برایم جدی و جدی تر شود. بعد از آشنایی با جعفر مدرس صادقی که مرتب تشویق کرد، کار را جدی تر ادامه دادم. اما جرقه اصلی کار زمانی زده شد که دکتر منصور اقصی این مجموعه را به طور کامل خواند و گفت که وقت منتشر شدن این قصه ها فرا رسیده است. همیشه دچار نوعی وسواس بودم، به همین دلیل داستان هایم را کم کم در نشریه ها منتشر کردم تا بازتاب آن را بدانم. حتی داستانی از من به انگلیسی ترجمه و منتشر شد.

چرا وسواس؟

شما در ادبیات و قصه نویسی نمی توانی اشتباهات را گردن کسی بیندازی و مسئول کارت هستی. اما در سینما مسأله به گونه ای دیگر است. از سویی من در سینما آدم موفق بودم و به همین دلیل حس می کردم که پذیرفته شدنم در این عرصه به همین راحتی ها نخواهد بود.

داستانی با فرم خاص یا شخصیتی خاص بنویسم. خصوصاً این مجموعه داستان را از این جهات دوست دارم که خیلی وابسته به واقعیت است. به نظرم این مجموعه داستان خیلی غریزی نوشته شده، البته نه به آن معنا که از تکنیک های داستان نویسی بهره نگرفته باشم. مثلاً اگر غریزه ام گفته باشد که از راوی دوم شخص بهره بگیرم، حتی در صورتی که تکنیک های قصه نویسی گفته باشد که از راوی دوم شخص استفاده نکنم، از این روایت استفاده کرده ام. من همواره به حس رجوع کرده ام. در نتیجه انتخاب راوی های مختلف به آن دلیل نیست که بخوام خودم را در جای دیگری بگذارم. برای آن که شروع به نوشتن کنم، در ابتدا تصویری را در نظر می گیرم و سپس آن را می نویسم.

شما می گوید که خیلی ذاتی و غریزی قصه ها را نوشته اید. گمان می کنید که اگر کسی قصه هایش را خیلی با حساب و کتاب بنویسد و جلو برد، کارش موفق نخواهد بود؟

به نظرم داشتن چارچوب برای قصه نویسی کافی نیست. مثلاً کارگردان، بازیگر و به طور کلی سینماگران بسیاری را می شناسم که هر چند در سینمایشان موفق بوده اند در کار نمایشان چندان موفق نبوده اند به عنوان مثال کار آنها دارای شروعی حرفه ای، نقطه عطف داستانی به موقع و پایانی کلاسیک است اما به دل نمی نشیند، چون حس و حال ندارد. درست شبیه آن که بعضی از بازیگرها که همه قواعد حرفه ای کارشان را رعایت می کنند، اما بازی شان قابل قبول نیست. چون به قول ما، بازی شان خون ندارد. ممکن است که بازیگر خیلی خوب هم گریه کند، اما شما حس می کنی که دارای آن حس لازم نیست.

یعنی می شود در سینما فقط با «حساب و کتاب» نوشت اما ادبیات چیزی دیگر با عنوان حس هم نیاز دارد. درست است؟

به نظرم باید تلفیقی از این دو را به کار گرفت. بار دیگر از بازیگری مثال می آورم. در بازیگری شما بعد از مدتی به دانشی می رسی که از تلفیق حس و تکنیک حاصل شده است. در دنیای ادبیات هم باید همین مسأله را در نظر داشت. نویسنده نباید راه را بر حس هایش ببندد. او باید از حس هایش بهره بگیرد و همین نکته موجب تمایز میان نویسندگان می شود. البته این به معنای تکیه صرف بر احساسات نیست. داستان هایم را بازنویسی می کنم و روی آنها کار می کنم اما همواره به حس هایم مجال می دهم که هوایی بخورند. به نظر من اگر همه تکنیک ها را هم بلد باشی، اما قصه ات خون و حس و حال نداشته جوشش درونی می آید.

یعنی نگاه کردن را نمی شود آموخت؟

چرا. اما باید این نگاه درونی شود. چند جا بازیگری را تدریس کرده ام و همواره کوشیده ام که چگونه نگاه کردن را بیاموزم. مثلاً از آنها می خواهم در رفتار مادرشان دقت کنند و مثلاً بیست دقیقه آن را تحلیل کنند. این مسائل را می توان به مرور آموخت. اما جوششی که بر قلم جاری می شود مسأله ای ذاتی است. یا هست یا نیست. مثل همه هنرهای دیگر. همه هنرها بخشی دارند که ممکن است در وجود تو باشد و ممکن است نباشد. به همین دلیل است که همه آدم ها در همه هنرها موفق نیستند.

برای نوشتن قصه هایتان از چه چیزی الهام می گیرید؟ مثل خیلی از نویسندگان دیگر از دنیای اطرافم الهام می گیرم. همه تلاشم را می کنم تا خوب به دنیا نگاه کنم. عادت کرده ام به چیزهایی نگاه و دقت کنم که خیلی از کسانی که در بازیگری هم حرفه من هستند به آن توجهی ندارند. البته هستند کسانی که به عنوان یک بازیگر، برای آن که ببینند که دیگران چطور رفتار می کنند، به اطراف نگاه کنند اما به هر حال شما به عنوان کسی که می خواهی دنیای داستانی را خلق کنی، باید نگاه متفاوتی داشته باشی. چندی پیش در حال خواندن مجموعه داستان «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» نوشته آنا گاولدا بودم. او یک رمان هم با عنوان «من او را دوست داشتم» دارد. حس کردم که شیوه نوشتن ما شباهت بسیاری با هم دارد. حس کردم او هم مثل من از زندگی الهام می گیرد. مثلاً وقتی می خواهد درباره یک راننده کامیون بنویسد، می رود و در مورد زندگی چند راننده کار و فکر می کند. من هم شیوه مستندسازی در نوشتن را خیلی دوست دارم. مثلاً برای نوشتن داستان «ماما عاشق لاک قرمز بود» را که درباره یک خانم ارمنی است، از دو خانم ارمنی مشورت گرفتم. قصه «زانتیای سیاه» را هم به چند مرد نشان دادم و نظراتشان را شنیدم و در کار دخالت دادم.

پس در زندگی ای که در کنار شما در حال جریان است، آدم ها زیاد پیش فالگیرها می روند. چون در چند قصه به مسأله فالگیری اشاره کرده اید.

شاید. من در این کتاب تا اندازه زیادی از زندگی اطرافم نوشته ام. انگار نویسنده ناگزیر است که دست کم در نوشته های اولیه اش به خود و اطرافش بسیار رجوع کند. در زمانی که در حال نوشتن آن هستم نیز با این مسأله بسیار درگیرم. البته آن طور هم نیست که همه این ماجراها در اطراف من رخ داده باشد. فقط از اطرافم الهام می گیرم. اگر نویسنده مدام از اطرافش بنویسد، آن وقت خلاقیت نویسنده اش به چه کار می آید. به نظر من به جای آن که به این نکته پردازم که نویسنده تا چه اندازه از اطرافش می نویسد و چقدر داستان به زندگی واقعی اش نزدیک است، یعنی به نقد زندگی مولف بپردازیم، بهتر است که قصه را به عنوان یک ژانر زیبایی شناسانه نقد کنیم.

شما هم در قصه هایی از جمله «مثل همیشه» از نگاه یک راوی مرد نوشته ای. انگار می خواسته ای نشان بدهی و ثابت کنی که راوی قصه ها بهاره رهنما نیست. درست است؟

درست است. این هم برای من تجربه ای در داستان نویسی بود. این ماجرا را جایی دیده ام. یعنی در ابتدا یک ایماژ بیرونی داشتم که تبدیل به یک ایماژ ذهنی و درونی شد. در قصه های دیگر هم فضایی مشابه را داریم. به عنوان مثال، قصه «بزرگ» هم ماجرا و راوی متفاوتی دارد. این ماجراها را من در اطراف دیده یا شنیده ام، اما برای آنکه آن را بدل به قصه کنم، تغییراتی در آن داده ام تا دراماتیک و داستانی شوند. وقتی من از دیگری می نویسم، برای این نیست که از شخصیت خودم فرار کنم، بلکه می خواهم شخصیت های دیگر را تجربه کنم.

یعنی فکر می کنی که توی جلد شخصیت های مختلف بروی و به جایشان تجربه کنی...

نه. فکر نمی کنم که در چه موردی بنویسم یا مثلاً نمی نشینم و با خودم حساب و کتاب نمی کنم که

بلندی های بادگیر

امیلی برونته / ترجمه: نوشین ابراهیمی

انتشارات افق / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۰۰ صفحه / ۴۰۰۰ تومان



زمانی که کتاب «بلندی های بادگیر» برای اولین بار در سال ۱۸۴۷ منتشر شد، بسیاری از خوانندگان از بی‌پروایی و خشونت که در آن بود یک‌سره خوردند. صحنه‌های شورانگیز داستان که با خلنگ زارهای وحشی

یورکشایر مغایرت داشت، این کتاب را از اکثر رمان‌های ویکتوریایی متمایز می‌کرد. بعضی از مردم تصور می‌کردند که نویسنده کتاب، الیس بل، مرد بسیار عجیبی است اما در واقع الیس بل، نام مستعار زنی جوان بود.

امیلی برونته، متولد سال ۱۸۱۸ و فرزند پنجم پاتریک برونته بود. پدرش هم کشیش کلیسای هاورث در یورکشایر. ناحیه‌ای در شمال انگلستان. بود. برونته پس از نوشتن رمان شارلوت، بلندی‌های بادگیر را منتشر کرد. گرچه بارمان شارلوت موفقیتی فوری نصیبش شد، اما منتقدان اطمینان‌چندانی به بلندی‌های بادگیر نداشتند اما چنین نشد و این اثر هم پر فروش و موفق شد.

شروع کتاب «بلندی‌های بادگیر» به جای آن‌که صحنه آغاز داستان باشد، تقریباً انتهای، ماجراست. بعد از آن با فلاش بکی طولانی از اتفاقاتی که تا آن زمان افتاده با خیر می‌شویم و سرانجام راوی، آخرین بخش داستان را تعریف می‌کند. او همچنین از راوی و قصه‌گوهای مختلفی استفاده می‌کند. اولین راوی، بیگانه‌ای به نام چارلز لاک وود است که هیچ اطلاعی از گذشته و ودینگ هایتز ندارد. شگفتی او از آنچه رخ می‌دهد بر راز و رمز رمان می‌افزاید. دومین راوی، خدمتکاری به نام نلی دین است که با دو شخصیت اصلی داستان، یعنی کتی و هیت کلیف

بزرگ شده است. او آنچه را دیده تعریف می‌کند، اما داستانش را شخصیت‌های دیگر نقل می‌کنند. در انتهای رمان هم چارلز لاک وود به وودرینگ هایتز برمی‌گردد و پایان ماجرا را تعریف می‌کند.

بر اساس رمان کلاسیک «بلندی‌های بادگیر» تاکنون نمایش‌های موزیکال، تئاتر اپرا و فیلم‌های بسیاری ساخته شده است و کارگردانان آمریکایی، انگلیسی، اسپانیایی، فرانسوی و ژاپنی هر یک برداشت خود را از این اثر به شیوه‌ای خاص بیان کرده‌اند.

□□□

افسانه‌های دهستان اشکور

کاظم سادات اشکوری

نشر هزار/ چاپ دوم ۱۳۸۸ / ۲۷۲ صفحه / ۳۹۰۰ تومان



اشکور یا اشکور سه دهستان است:

۱. اشکور سفلا ۲. اشکور علیا ۳. اشکور تنکابن.
- اشکور سفلا یا پایین و اشکور علیا که گاهی اشکور وسطا نیز می‌نامندش، جزو استان گیلان است و شهرستان

رودسر. اشکور تنکابن یا «بالا اشکور» که در قدیم جورسی نامیده می‌شد، جزو استان مازندران است و شهرستان شهسوار.

افسانه‌های این مجموعه را نویسنده کتاب به فارسی برگردانده است. اصطلاحات و واژه‌هایی را که معادل فارسی آنها به نظر نیامده است را هم عیناً در متن گنجانده و در پای افسانه‌ها به توضیح آن مبادرت کرده است.

کاظم السادات اشکوری در یادداشتی که برای چاپ دوم این کتاب نوشته آورده است: «نوار افسانه‌ها به گویش اشکوری در آرشو مرکز حفظ می‌شود. کسانی که بخوانند با گویش اشکور بالا آشنا شوند، می‌توانند به این آرشو مراجعه کنند. گویش اشکور بالا در ۹ روستا به گویش «طبری نو» (مازندرانی) و در دو روستای سپارده و کیت به گویش گیلکی مانند است؛ ولی این شباهت‌ها چنان نیست که یک مازندرانی یا گیلانی بتواند تمام واژه‌های اشکوریان را متوجه شود. به این لحاظ بهتر است گویش اشکوری

را. با همه خوشاوندی‌هایش که با گویش‌های گیلکی و مازندرانی دارد. از آنها تمیز داد.»

در این کتاب، اشکوری به افسانه‌های تمل، سپارده، کلایه، میج، نارنه، نداک و یازن پرداخته است.

□□□

تبارشناسی و بررسی عملکرد سازمان

برنامه و بودجه به روایت اسناد نخست وزیری
تدوین: مجتبی زارعی و علیرضا روحانی
انتشارات خانه کتاب/ چاپ اول ۱۳۸۸ / ۵۱۷ صفحه / ۷۷۰۰ تومان



دولت سالاری (اتاتیسم) در ایران از آثار زیانبار دیکتاتوری شبه مدرن عصر پهلوی است که متأسفانه به دلیل ریشه‌دوانیدن در اعماق ساخت کشور ایران، سایه سنگین خود را حتی پس از انقلاب اسلامی نیز بر سر ملت ایران حفظ کرده است. در مقدمه این کتاب آمده است: «مدرنیزاسیون پهلویستی آن‌گاه که در کالبد و نظام برنامه و بودجه‌ریزی کشور متبلور شد، قوه محرکه انقلاب اسلامی را در سیاست داخلی و خارجی با کندی‌ها و وقفه‌هایی روبه‌رو کرد. از این رو می‌توان گفت که دیوان‌سالاری در رقابت با انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران مانع فعلیت یافتن ظرفیت‌های مربوط به آمایش سرزمینی معطوف به عدالت اسلامی در کشور شد. به دیگر سخن، کشور اسلامی ایران همپای انقلاب سیاسی و فرهنگی، با انقلابی ناتمام در ساختارها و سازمان‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌نویسی مواجه شد. وانگهی نبود کاربست الگوهای بومی پیشرفت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به ویژه در ۱۶ سال ماقبل دولت نهم که قوای مجریه وقت در ایفای وظیفه مهندسی آمایش بومی سرزمین قصور کردند، نظام دیوان‌سالار حاکم بر برنامه و بودجه را در برابر هر گونه تحول معطوف به پیشرفت متورم‌تر و متصلب‌تر ساخت...»

«تبارشناسی و بررسی عملکرد سازمان برنامه و بودجه به روایت اسناد نخست‌وزیری رژیم پهلوی»

عنوان پژوهش‌سندی حاضر است که چگونگی تأسیس سازمان برنامه در ایران و روند انحراف آن از فلسفه وجودی تأسیس را به فاصله کمی از نقطه عزیمت سازمان صرفاً با خوانش و انتشار اسناد رژیم پیشین مورد واکاوی قرار داده است. اسناد این کتاب مشتمل بر مدارک و شواهد مکتوب در فاصله سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۴۳ است. کتاب سند حاضر نخستین اثر از مجموعه اسناد ر دست انتشار مدون در مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری در دولت نهم است که به پیشگاه علاقه‌مندان سندپژوهی در حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد ایران تقدیم می‌شود...»

□□□

معارف اللطائف

محمدعلی مجاهدی

انتشارات سوره مهر/ چاپ اول ۱۳۸۸ / ۳۹۲ صفحه / ۶۹۰۰ تومان

یکی از کتاب‌های تدوین شده دفتر طنز مرکز آفرینش‌های ادبی که توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، کتاب «معارف اللطائف» به اهتمام محمدعلی مجاهدی، متخلص به پروانه است. محمدعلی مجاهدی سال ۱۳۲۲ در قم به دنیا آمد و بیش از ۴۳ اثر در کارنامه نویسنده‌اش دارد که ۴۰ اثر آن به دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. نویسنده کتاب «معارف اللطائف» هدف اصلی از تدوین این اثر را نشان دادن ابعاد بسطی و ذوقی بزرگان دین، عرفای نام‌آشنای اسلامی و بزرگان بلند آوازه ایرانی می‌داند که در هیمنه علمی آنان رنگ باخته و مجال دلربایی پیدا نکرده‌اند.

بخش اول کتاب دربرگیرنده لطایف غالباً مثنوی است که به نحوی متأثر از آموزه‌های دینی، مقوله‌های عرفانی و نکات عبادی و اخلاقی است و ۵۰۰ لطیفه در این بخش آمده است. بخش دوم هم حاوی لطایف غالباً منظومی است که بیشتر جنبه ادبی، اجتماعی و انتقادی و هزلی دارند و طبعاً از لطیفه‌های بخش اول عریان‌ترند. لطیفه‌های این بخش بالغ بر ۴۰۰ نکته است. در تدوین این اثر که حاوی نمونه‌های برگزیده‌ای از مقوله‌های مطرح در قلمرو موضوعی شعر طنز است، نویسنده گاهی ناگزیر شده به نقل مطالبات انگشت‌شمار تن دردها.

مروری بر «موسیقی و مارکس»

بازتاب اندیشه در نوای سازها

بهار علیزاده

جامعه، به تجدید عهد با اندیشه‌های یکی از بانفوذترین تحلیلگران جامعه‌ا‌همیتی قاطع می‌دهد.

وی در پیشگفتار این کتاب نیز به دیدگاه چند تن از فیلسوفان مشهور جهان همچون کارل مارکس، فردریک نیچه، زیگموند فروید و پیر شفر اشاره کرده



که به ترتیب موسیقی را اینه واقعیت، بیان حقیقت، آینه‌دیوینسی برای جهان، متنی که باید رمزگشایی شود و گفت‌وگوی شخص‌باشخص به‌زبانی مادی می‌داند، اشاره کرده و می‌نویسد: «موسیقی سریع‌تر از آنچه از واقعیت مادی برمی‌آید، طیف کاملی از امکانات را در یک راه و رسم معین می‌پوید. موسیقی به کمک صدا آنچه را بعداً به چشم می‌آید و خود را چیره می‌گرداند، انتقال می‌دهد.»

نارضایتی مردم و رویای آزادی سخن‌گفته‌اند. وی در مبحثی از این پیشگفتار با عنوان «موسیقی به مثابه صدای قدرت» وجود قدرت‌ها را بدون کنترل مهمه و معیار تحلیل، نشانه‌گذاری، تجدید، آموزش، سرکوب و همچنین هدایت صدای آن نفی کرده و از کلیت موسیقی و سازمان‌دهی آواها به عنوان روشی برای آفرینش یا تحکیم یک اجتماع، حلقه پیوند قدرت با اتباع آن و نشانه‌ای از این قدرت در هر شکل آن یاد می‌کند. آثالی همچنین در روند درک از طریق موسیقی، آن را پیش‌تاز جهانی‌سازی مکرری می‌داند که در آن هیچ فعالیت‌موفق نمی‌شود، مگر آن‌که بخشی از جریان نامتناهی کالا باشد که تنها به ظاهر واقعی و نو می‌نماید.

هر فصل کتاب با عنوانی کاملاً متفاوت با فصل‌های دیگر و با دیدگاهی منحصر به فرد توضیح می‌دهد که چگونه برخورد مارکسیستی با فرهنگ تولید و درک موسیقی را ارزیابی می‌کند و خود به وسیله آن ارزیابی می‌شود. مجموعه مقالات این کتاب از دیدگاه نظری، موسیقی را به کمک مارکس و نظریاتش در مورد پژوهش‌های موسیقی می‌کاوند و در عین حال به کمک موسیقی و گسترش مفاهیم ویژه نظری درباره مسائل موسیقایی، به نظریه مارکسیستی می‌پردازند. در دو مقاله ابتدایی این کتاب مسأله اندیشه موسیقایی و نظری کردن آن درباره کالایی شدن و بت‌پرستی

کتاب «موسیقی و مارکس» شامل مجموعه مقالاتی پیرامون موسیقی و فرهنگ‌های نوشتاری موسیقی، هنر و تجسم صدا و تصویر در اروپای قرن نوزدهم، موسیقی مهاجران آفریقایی، رابطه بین اپرا و سینما و موسیقی در رهباب‌های فرهنگی است که توسط شهریار خواجهیان ترجمه و توسط انتشارات تصنیف با همکاری آموزشگاه موسیقی هم‌آوازان منتشر شده است.

این کتاب با ارائه چشم‌اندازهای نوین موسیقی در ارتباط با جامعه، به دانشی و رای موسیقی سنتی اشاره می‌کند و افق‌اکتشافات را با توجه به موسیقی، به مثابه نیروی اجتماعی می‌کاود. این متن با تمرکز بر کارل مارکس، اندیشمند آلمانی و موسیقی در کنار یکدیگر به طرح مسأله تفاوت بین موسیقی، آن‌گونه که در عصر و شرایط مادی، اجتماعی و فناوری خود ریشه دوانده و موسیقی به عنوان یک عامل انسانی تعالی بخش و تکامل بخش در آن شرایط می‌پردازد، هر چند نقاط نظریات مارکس با مسائل و مباحث موسیقی به قدری در این کتاب گسترده است که حتی انتقال کلیت آن نیز از طریق یک نوشتار موجز مطبوعاتی به مخاطب میسر نیست. با این حال، از آنجا که در بررسی‌های پیرامون موسیقی از دیدگاه هنری، همیشه بدگمانی انسان‌گرایانه‌ای نسبت به رویکرد مادی‌گرا وجود داشته است، این نخستین بار است که مجموعه‌ای گوناگون از رویکردهای موسیقی محور به مارکس در یک کتاب گردآوری شده است؛ هر چند دیدگاه‌های مارکسیستی به ندرت به مطالعات موسیقایی راه برده‌اند و موسیقی نیز فقط در حاشیه تحلیل‌های اجتماعی مارکسیستی حضور داشته است.

ژاک آتالی، اقتصاددان، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۷ میلادی به صراحت موسیقی را به اقتصاد سیاسی پیوند می‌دهد و برای پرداختن به جایگاه موسیقی در

(فتیشیزم) طرح شده است. نویسندگان این دو مقاله با عناوین «موسیقی پژوهی، عمل موسیقایی و عمل گوش سپردن» و «کالاکونگی، انکار و کارکردهای نظری موسیقی» دیدگاه‌گرامیت و هنری کلامین‌هاور هستند. بحث سیاست‌های دولت‌مارکسیستی درباره تمرین موسیقی شناختی و موسیقایی نیز در بخش چهارم کتاب با عنوان «مارکسیسم دولتی و انقلابی» در قالب سه مقاله «خاطرات موسیقی‌شناسانه درباره مارکسیسم» از ایزالی زمتسووکي، «ساختن موسیقی مارکسیست -لنینیستی در ازبکستان» از تودور له‌وین و «موسیقی انقلابی آمریکای لاتین» از فرد جودسون مطرح شده است. بورکهارت کوریشی گردآورنده «موسیقی و مارکس» در مقدمه آن می‌نویسد: «این کتاب با گردآوری پژوهشگرانی که در عرصه‌های گوناگون روش‌شناسی و موضوعی به مارکس گرایش دارند، توانایی نظری کردن امور اجتماعی در موسیقی یا موسیقی در امور اجتماعی را دارد. این برنامه‌ای نسبتاً جدید در دستور کار موسیقی پژوهی غرب است؛ برنامه‌ای که عمدتاً پژوهشگران از گوشه و کنار تشکیلات دانشگاهی عرضه کرده‌اند که علائق موسیقایی آنها، شامل مسؤولیت‌پذیری نسبت به اختلافات اجتماعی و فرهنگی است.» بورکهارت معتقد است این کتاب تلاشی است در جهت گسترش قلمروی مارکس محور به عرصه موسیقی، و رای محدوده و مرزهای شناخته‌شده مارکس محور درباره موسیقی و فرهنگ، نه فقط مرز بین رویکردهای انسان‌گرایانه و علوم اجتماعی که مرز بین ملاحظات پژوهشی و سیاسی مارکسیسم را نیز درمی‌نوردد. «موسیقی و مارکس» به گردآوری بورکهارت کوریشی با ترجمه شهریار خواجهیان توسط انتشارات تصنیف در ۳۴۴ صفحه و در قطع وزیری با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر و با قیمت ۷۰۰۰ تومان عرضه شده است.



آزاده سیدین

برگزاری کنفرانس های علمی با موضوع های شهر الکترونیکی، دولت الکترونیکی و تجارت الکترونیکی، اهمیت مفاهیم و کاربرد این واژه ها را برای شهروندان در هر جای دنیا آشکار می کند. در ایران نیز هر از گاهی، شاهد برگزاری چنین نشست های تخصصی بوده و هستیم و شاید هنوز مدت زیادی از زمان برگزاری دومین کنفرانس شهر الکترونیکی نگذشته باشد. بسیاری از متخصصان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر این باورند که بحث های اینچنینی، تغییرات بسیاری را در جهان ایجاد کرده که نمی توان آنها را نادیده گرفت. دکتر امیر مانیان یکی از این کارشناسان به تازگی کتاب «مبانی تجارت الکترونیکی» را در این زمینه منتشر کرده است. وی در مقدمه این کتاب آورده است: با ورود به هزاره سوم میلادی، شاهد تغییرات وسیع در زندگی فردی، سازمانی، ملی و جهانی می باشیم که از کاربردهای اینترنت در جهان حاصل شده است. یکی از مهم ترین این تغییرات، ظهور و توسعه تجارت الکترونیکی است. تجارت الکترونیکی تغییرات بسیاری را در کسب و کارها در سطح خرده فروشی یا تجارت بین سازمان ها باعث شده است. تجارت الکترونیکی مزایای بسیار فراوری سازمان ها قرار داده است که می توان به سرعت در تجارت، سرعت در تبدیل ایده به کالا و خدمات مورد استفاده مشتریان و ... اشاره کرد. وی با این مقدمه امیدوار است، دانشجویان، مدیران سازمان ها و شرکت هایی که به نوعی از تجارت الکترونیکی استفاده کرده یا علاقه مند به استفاده از آن هستند مطالب کتاب را بخوانند و با مفاهیم صحیح این نوع تجارت آشنا شوند. مانیان، عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و دارای دکترای سیستم ها بوده که در دانشگاه های مک مستر کانادا و تهران تحصیل کرده است.

دکتر امیر مانیان، مترجم کتاب «مبانی تجارت الکترونیکی»:

تجارت الکترونیک همه را در بر می گیرد

مطالعه می شود اما در آن مطالبی وجود دارد که مدیر یک بنگاه تجاری را با مفاهیم، توانمندی ها و محدودیت های تجارت الکترونیکی آشنا می کند؛ اما مفهوم مطالب با توجه به حجم بالای پانصد صفحه ای مقداری سخت است. شرکت های دولتی مثل ایران خودرو، اگر این مفاهیم را ندانند، متخصصانی حضور دارند که سوالات و مشکلاتشان را در امر تجارت الکترونیکی پاسخگو شوند. اما جایگاه کتاب های تخصصی، با مفهوم ساده و حجم محدود، برای مدیران شرکت های کوچک و عموم مردم خالی است.

آیا ناشران دیجیتالی می توانند در ارائه مفاهیم تخصصی موثر باشند؟

یکی از فایل هایی که می توان آنها را به صورت دیجیتالی به اشتراک گذاشت، کتاب ها و مطالب آنلاین هستند. بعضی مطالب تخصصی اند که ناشران نمی دانند چه تعداد مخاطب دارند. اگر این اطلاعات در قالب کتاب سنتی و بدون در نظر گرفتن تعداد مخاطبان چاپ شود، ممکن است همه آنها فروخته نشده و در انبار ناشران باقی مانده و در پایان خمیر شوند. چاپ این نوع کتاب ها در تعداد کم هم برای ناشران به صرفه نخواهد بود و این عوامل سبب می شوند ناشران از انتشار چنین مطالبی منصرف شوند. گاهی این مطالب بسیار ارزشمندند و کمبود آنها جامعه متخصصان را با مشکلاتی مواجه می کند. چاپ بر بنیای سفارش که در کتاب به آن اشاره شده، این امکان را به ناشران دیجیتالی می دهد که مطالب را به صورت آنلاین به مخاطبان عرضه کنند. کسانی که متقاضی مطالب عرضه شده در سایت ناشرانند آنها را سفارش می دهند. آن ناشر نیز مطالب را فقط برای تعدادی خاص از متقاضیان چاپ می کند که هزینه مالی گزافی نخواهد داشت.

اما از قوانین و استانداردهای حاکم بر انتشارات دیجیتالی در کتاب سخنی گفته نشده است.

اگرچه این قوانین در دنیا ثبت شده اما در کشور ما جایگاهی ندارند. چون مسؤلیت انتشارات با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، این وزارتخانه باید با توجه به قوانین انتشارات دیجیتالی در کشورهای دیگر، قوانینی برای مولفان و ناشران دیجیتالی در نظر بگیرد.



دوی اینها از اجزای دولتند. یا در جای دیگر آمده که سازمان های دولتی هم مانند شرکت های خصوصی وارد مناقصه های تجاری می شوند یا پایه گذار یک مناقصه خواهند بود. یک شرکت خصوصی یا دولتی که در امر مناقصه شرکت می کند، هر دو باید از قوانینی ثابت پیروی کنند که این قوانین ریشه در تجارت دارد. بنابراین وقتی از تجارت صحبت می کنیم، نمی توانیم دولت را نادیده بگیریم. به همین دلیل است که امروزه شاهدیم دولت ها در صددند تا سازمان های دولتی و خدمات رسانی آنها را الکترونیکی کنند و به دولت الکترونیکی تبدیل شوند. پس بحث تجارت الکترونیکی با سه قشر دولتمردان، دانشگاهیان و عموم مردم مرتبط است، اما مطالبی که در این باره نوشته می شوند فقط برای جامعه دانشگاهی اند، پس چگونه باید دیگر بخش های جامعه با مفهوم این تجارت آشنا شوند؟

بله، این مشکل وجود دارد. کتاب «مبانی تجارت الکترونیکی» که من ترجمه کرده ام به عنوان یک واحد درسی توسط دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مدیریت، صنایع و کامپیوتر

وجود آمده و همه ابعادشان دیجیتالی اند. اما تجربه نشان داده شرکت هایی در ایران موفق ترند که بخشی از ابعاد آنها به صورت فیزیکی و بخشی دیگر کاملاً دیجیتالی باشند. مثل فروشگاه های شهروند و رفاه که به صورت فیزیکی دایر شده ولی در کنار این بعد فیزیکی، سایتی هم وجود دارد که خدمات الکترونیکی به مشتریان ارائه می دهد. تجربه نشان داده که در این نوع تجارت الکترونیک با صرفه جویی در وقت و کاهش هزینه، مشتریان بیشتری برای خرید کالاهای مورد نیازشان مراجعه می کنند. بنابراین آنچه در کتاب آمده، تا حدودی در ایران کاربرد دارد و البته بخش هایی هم مثل تجارت موبایل هنوز در ایران جانیافته است.

ترجمه چنین کتابی و تدریس مفاهیم آن در دانشگاه های ما به آن معناست که تجارت سنتی در ایران کاملاً به تجارت الکترونیکی تبدیل شود؟

متأسفانه با فناوری اطلاعات در ایران دو نوع برخورد می شود که هر دوی آنها غیر قابل قبولند؛ بعضی ها تکنولوژی جدید را نفی می کنند و گروهی دیگر کاملاً شیفته آن می شوند. در مورد تجارت الکترونیکی نیز همین طور است. در بسیاری مقالات می خوانیم که این نوع تجارت مانند اکسیری است که می تواند سازمان های ما را متحول کند، یا این که می شنویم تجارت الکترونیکی مانند معجزه ای تولید ناخالص ملی را افزایش خواهد داد. باید بدانیم این نوع فناوری ها از کشورهای توسعه یافته با موقعیتی کاملاً متفاوت وارد کشور ما می شوند که پذیرش یا رد کامل آنها امری غیر منطقی است. همچنین باید در نظر بگیریم که تکنولوژی جدید متناسب با وضعیت هر کشور، دارای نقاط ضعف و قوتی اند که نیاز به تأمل و تفکر دارند.

آیا دولت ها هم، چنانچه در بخشی از کتاب به دولت الکترونیک اشاره شده است، در پیدایش چنین فضایی موثرند؟

طبق عقیده نویسنده این کتاب، دولت الکترونیکی یکی از مباحث تجارت الکترونیکی است و آنچه ناشران که در کتاب می خوانیم، هر فردی برای ورود یک کالا به کشور باید آن را در وزارت بازرگانی ثبت سفارش کند و با گمرک نیز در ارتباط باشد که هر

آنچنان که در مقدمه این کتاب آمده این کتاب به عنوان یک متن درسی در دانشگاه ها تدریس می شود. چه لزومی داشت که تجارت الکترونیکی به عنوان یکی از دروس دانشگاهی در نظر گرفته شود؟

در سال های اخیر با پیوند تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات، این امکان به وجود آمده است که افراد، سازمان ها و شرکت ها برای اجناس تولیدی شان بازاریابی کنند، آنها را بفروشند و خدمات پس از فروش به مشتریان ارائه دهند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شاهدیم که شرکت ها و سازمان ها به سمت استفاده از تجارت الکترونیکی پیش می روند. بنابراین تجارت الکترونیکی یکی از مباحث مهمی است که باید در دانشگاه ها نیز به آن پرداخته شود؛ همچنان که چند سالی است متن انگلیسی کتاب «تجارت الکترونیکی» آقای توربان که یکی از اصلی ترین کتاب های درسی جهان است، به دانشجویان تدریس می شود. بنا به همین ضرورت، لازم دیدیم این کتاب را برای سهولت مطالعه دانشجویان، ترجمه و در اختیار آنان قرار دهیم.

در یکی از فصل های کتاب می خوانیم که تجارت الکترونیکی بدون تغییر فرآیند های سنتی سازمان ها و شرکت های هر کشور امکان پذیر نیست. با توجه به آن که این کتاب توسط یک نویسنده آمریکایی نگارش شده است، مطالب آن می تواند ساختار سنتی ما را به سوی الکترونیکی شدن سوق دهد؟ آنچنان که توربان در کتاب «مبانی تجارت الکترونیکی» نوشته این نوع تجارت حالت سه بعدی دارد و نوع فرآیند، تولید و نحوه ارائه کالا را شامل می شود که اگر حداقل یکی از این ابعاد دیجیتالی باشند، این وضعیت را تجارت الکترونیکی در نظر می گیرند. براساس آنچه در کتاب آمده اگر هر سه بعد دیجیتالی باشند، تجارت الکترونیکی محض و اگر هر سه بعد فیزیکی باشند، این فرآیند را تجارت سنتی می نامند. مطابق با چنین تعریفی، معمولاً یکی از سه بعد گفته شده در شرکت های ایرانی، دیجیتالی است و این یعنی این که بسیاری از سازمان ها در حال انجام تجارت الکترونیکی اند، حالا بگذریم که بعضی سازمان ها و شرکت های ما در فضای دیجیتالی به

معرفی کتاب

گل ها و گیاهان زینتی آپارتمانی

اگر به تاریخچه پیدایش گیاهان آپارتمانی و استفاده از آنها دقت کنیم تا پیش از قرن هجدهم استفاده از آنها به برخی از کاخ های اشرافی محدود می شده است و برای نگهداری آنها گرمخانه هایی از شیشه احداث می کردند که فضای درون آنها توسط کوره گرم می شد. آنچه ناشران که در مقدمه کتاب «گل ها و گیاهان زینتی آپارتمانی» می خوانیم از اوایل قرن هجدهم چون در نحوه احداث ساختمان ها و منازل مسکونی تغییراتی به وجود آمد، ساختمان ها به گونه ای ساخته شد که شرایط و محیط نگهداری گیاهان از نظر نور، حرارت و رطوبت فراهم شد. پس از آن افراد با ذوق برای آرامش فضای داخل ساختمان های خود شروع به پرورش و نگهداری گیاهان آپارتمانی

کردند که تا امروز ادامه دارد. کتاب «گل ها و گیاهان زینتی آپارتمانی» (از دید، پرورش و نگهداری) برای گیاه شناسان و متخصصان باغبانی نگارش شده است که به واسطه آن می توان با انواع گونه های گیاهان آپارتمانی آشنا شد و به تولید آنها پرداخت. «گل ها و گیاهان زینتی آپارتمانی» (از دید، پرورش و نگهداری) تألیف دکتر جمشید حکمتی و مهندس محمد نبی ایلکلی از سوی انتشارات علم کشاورزی ایران در بهار ۱۳۸۸ با قیمت بیست هزار تومان روانه بازار نشر شده است.

صنایع قنادی

فرآورده های سنتی قنادی از جمله سوغات کشورمان است که طی سالیان متمادی بدون تغییر و تحول عمده در فرآیند ساخت آن، تولید و عرضه می شوند. لذا توجه به این فرآورده های با ارزش و

بهبود صنعت تولید و بسته بندی آن در کشور، می تواند نقش قابل توجهی در امر اشتغال، بهداشت، تغذیه عمومی، توسعه صنعت صادرات و نیز تثبیت وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد. آنچه ناشران که در مقدمه کتاب «صنایع قنادی» می خوانیم کارشناسان و متخصصان صنایع غذایی و کشاورزی با دسترسی به منابع علمی و پژوهش در زمینه ساخت این فرآورده ها می توانند این محصولات را در حجم زیاد، استاندارد کنند. کتاب حاضر براساس آخرین تغییرات سرفصل های واحد درسی صنایع غذایی رشته های کارشناسی مرتبط با علوم تغذیه و صنایع غذایی تدوین شده است که می تواند نقش موثری در ارائه راهکارهای مقدماتی بهبود فرآورده های قنادی به ویژه شیرینی های سنتی داشته باشد. کتاب «صنایع قنادی» تألیف مهندس شهرام مقصودی از سوی انتشارات علم کشاورزی ایران در بهار ۱۳۸۸ راهی کتابفروشی ها شده است.



دکتر محمد اخباری، نویسنده کتاب «جغرافیای مرز»:

مرز، اصلی ترین حوزه جغرافیای سیاسی است

۱۵ کشور همسایه است و به همین دلیل مقوله مرز از مسائل مهم و مورد نیاز دانشجویان و استادان رشته جغرافیاست.

آیا در زمینه جغرافیای مرز پیش از این هم منابعی وجود داشته است؟

رشته جغرافیای سیاسی از رشته های تازه تاسیس در کشور ماست و از دهه ۷۰ به این سو پا گرفته است. بر همین مبنای اولین بار است که در ایران کتابی با این عنوان و با چنین رویکردی تألیف شده است. البته پیش از این جغرافیای مرز در چهار ساعت از یک درس دو واحدی تدریس می شد اما در ترم جدید سال تحصیلی فعلی به یک درس دو واحدی تبدیل شده که به مقولات در مورد مختلف مرز می پردازد.

نقشه های این کتاب با استفاده از چه منابعی منتشر شده است؟

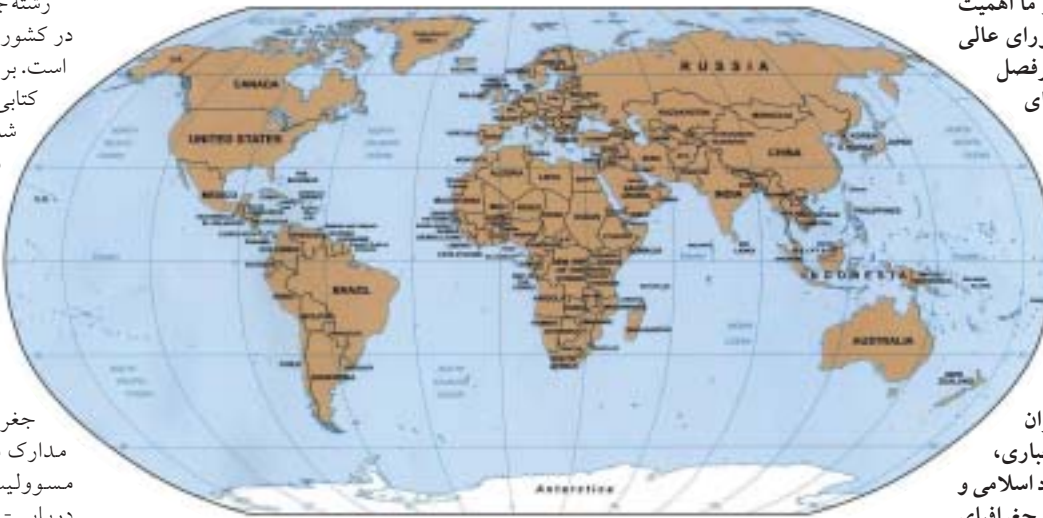
آقای محمدحسن نامی، مدیر سازمان جغرافیای کشور این نقشه ها را با استفاده از مدارک موجود در این سازمان تنظیم کرده اند. مسوولیت تدوین مرز - اعم از زمینی، هوایی و دریایی - مطابق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برعهده این سازمان است. در این کتاب ۴۵ نقشه از موقعیت های مختلف مرزهای ایران از زمان شکل گیری تا به امروز وجود دارد.

مطالعه این کتاب به جز کاربرد برای دانشجویان رشته جغرافیای سیاسی، برای چه مخاطبان دیگری مفید خواهد بود؟

نگاهی که در این کتاب نسبت به مقوله مرز وجود دارد، به جز دانشجویان و استادان این رشته، برای مسوولان اجرایی نیز اهمیت فراوانی خواهد داشت چون در این کتاب برخلاف برخی کتاب های دیگر، هیچ زیرنویسی مبنی بر سندیت نداشتن مرزهای نقشه ها وجود ندارد و از کتب مرجع و مورد اعتماد درباره مرز به شمار می رود. بنابراین می تواند مفید واقع شود.

آن توسط شورای عالی برنامه ریزی آموزشی به من پیشنهاد شد تا بر مبنای سرفصل های مصوب این شورا در وزارت علوم آن را تألیف کنم اما اینکه چرا توسط این ناشر منتشر شد، فکر می کردم اگر این کار را به انتشارات سمت بسپارم، مراحل انتشار آن

جغرافیای انسانی و سیاسی به عنوان یک کتاب درسی کاربردی قابل استفاده باشد. اصولاً مرز یکی از اساسی ترین موضوعات مورد نیاز دانشجویان جغرافیای سیاسی و همه کشورهاست به همین دلیل چنین سرفصلی در این رشته گنجانده شد.



طولانی می شود. قرار بود این درس در مهر ماه امسال در رشته جغرافیای سیاسی تدریس شود بنابراین اگر کار انتشار آن طولانی می شد، دانشجویان بدون کتاب می ماندند!

اهمیت مقوله مرز در جغرافیای سیاسی چیست؟
بررسی مرز، اصلی ترین حوزه جغرافیای سیاسی است. در واقع مرز یکی از مقولاتی است که سبب می شود سیاستمداران روی جغرافیا اثر بگذارند. به عنوان مثال امروزه در کشور ما ۳۰ استان وجود دارد اما با تصمیم سیاستمداران ممکن است تعداد این استان ها افزایش پیدا کند. بنابراین می توان گفت که اساسی ترین تأکید در رشته جغرافیای سیاسی است. به خصوص درباره کشور ما که پس از چین و روسیه، سومین کشور پر مرز و پر همسایه دنیاست. ایران با

در این کتاب، حوزه های ژئوپلیتیکی محیط پیرامونی ایران در حوزه های قفقاز و آناتولی (ایران، ارمنستان، گرجستان، روسیه)، دریای خزر (ایران، ارمنستان، گرجستان، روسیه)، فلات ایران (ایران، پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی (ایران، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان)، شبه قاره هند (ایران، پاکستان، هند، افغانستان) و خلیج فارس و دریای عمان (ایران، عراق، کویت، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، پاکستان، عمان) بررسی شده است.
ناشر این کتاب سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است. کتاب را به سفارش همین سازمان تألیف کرده اید؟
خیر. این کتاب یک کار دانشگاهی است که تألیف

مقوله مرز در میان اقوام مختلف جهان مساله ای ریشه دار است که گاه با افسانه و اسطوره نیز آمیخته شده. در میان اسطوره های دیرزمان ایران نیز همه با نام آرش کمانگیر آشنا هستیم که برای تعیین مرز ایران و توران تیری پرتاب کرد و جان خود را بر سر آن نهاد. اما مقوله مرز در روزگار ما اهمیت دیگری یافته است؛ اهمیتی که شورای عالی برنامه ریزی آموزشی را بر آن داشت تا سرفصل درس جغرافیای مرز را در رشته های جغرافیای سیاسی و انسانی دانشگاه ها به تصویب وزارت علوم برساند. کتاب «جغرافیای مرز» (با تأکید بر مرزهای ایران) نوشته دکتر محمد اخباری که به تازگی توسط انتشارات سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح منتشر شده، به تبیین مقوله مرز می پردازد. این کتاب علاوه بر تبیین مفاهیمی چون تاریخچه، مفهوم و تعاریف مرز، به بررسی مرزهای ایران در طول تاریخ می پردازد. با دکتر اخباری، استاد دانشگاه های تربیت مدرس و آزاد اسلامی و نویسنده کتاب های جغرافیای ترکیه، جغرافیای پاکستان و جغرافیای عراق درباره این کتاب گفت و گویی انجام داده ایم. او می گوید: «بررسی مرز، اصلی ترین حوزه جغرافیای سیاسی است و اهمیت آن، زمانی که به کشور ایران - سومین کشور پر همسایه جهان - می پردازد، دوچندان می شود.»

کتاب «جغرافیای مرز» با چه هدفی تألیف شده است و مهم ترین سرفصل های آن چیست؟
بررسی سرفصل دروس جغرافیای سیاسی در سال ۱۳۷۶ آغاز شده بود که در اسفند ماه ۸۷ در شورای عالی برنامه ریزی به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید و ابلاغ شد. بر همین مبنای تلاش شد سرفصل های این کتاب به گونه ای تنظیم شود که برای دانشجویان کارشناسی ارشد رشته های

محمدحسن نامی، از نقشه های «جغرافیای مرز» می گوید

همه مرزهای سرزمین ما

مقوله مرز در دنیای امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کشورهای هم مرز معمولاً

علاقه مند هستند که به زبان یا دید مشترکی از مرز برسند. به عنوان مثال کشورهای اروپایی از سال ۹۰ تا ۹۴ مرزهای خود را شناسایی کردند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که در عین داشتن مرز، مرزی نداشته باشند. کشور ما نیز با داشتن مرز مشترک زمینی با هفت کشور و مرز مشترک دریایی با هشت کشور جهان، مقام سوم را در دنیا دارد. خوشبختانه در حال حاضر



جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به شناختی مشترک با تمام این کشورها تعامل دارد و قراردادهای مرزی هم روز به روز محکم تر می شوند.

کار روی این کتاب چقدر طول کشید و تجربه آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

کار مشترک من و آقای دکتر اخباری، استاد دانشگاه تربیت مدرس روی این کتاب دو سال به

است. این نقشه ها بر اساس سندهایی که عموماً در اختیار وزارت امور خارجه قرار دارند، تنظیم شده است که قدمت آنها به حدود ۷۰ سال قبل برمی گردد.

برای این کار از نقشه های منتشر شده ای هم بهره برده اید؟
خیر. تاکنون در قالب یک کتاب مفصل و منسجم به مبنای نظری مرز پرداخته نشده است بنابراین منبع مکتوب مستقلی برای مراجعه وجود نداشت به همین دلیل برای تنظیم و ترسیم این نقشه ها در ابتدا لازم بود ادوار تاریخی ایران را بررسی کنیم از این رو طبق اسناد تاریخی موجود از هر دوره، مرزهای آن دوره را تعیین کردیم که نقشه های آن در کتاب موجود است.

با توجه به این که شما مدیریت سازمان جغرافیای را نیز بر عهده دارید، اهمیت مقوله مرز و تبیین آن را در چه می بینید؟

نقشه های ادوار تاریخی ایران در کتاب جغرافیای مرز، قلمروهای صورتی رنگی را نشان می دهد که در روزگار مختلف تاریخی سرزمین ما آنقدر افزوده و کاسته شده اند که امروز از آنها گریه مشهوری به جای مانده است که همه ما از کودکی آن را در نقشه های کتاب جغرافیای مدرسه می شناسیم. کتاب جغرافیای مرز از آن جهت که با تأکید بر مرزهای ایران نوشته شده است، نقشه مرزهای ایران در همه ادوار تاریخی از حکومت مادها گرفته تا زمان حال را نیز در کنار متن خود دارد. با محمدحسن نامی، دانشجوی دوره دکتری مدیریت دفاعی دانشگاه عالی دفاع ملی و مدیر سازمان جغرافیای درباره این کتاب و به خصوص نقشه های آن گفت و گویی انجام داده ایم. نامی که در جمع آوری نقشه های کتاب، سهمی مهم دارد، معتقد است که مرز و رسیدن به تعامل و دید مشترک درباره آن در جهان امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است و توجه به آن می تواند برای پژوهشگران و دانشجویان این حوزه راهگشا باشد.

برای تهیه نقشه های این کتاب از چه منابعی استفاده کرده اید؟

طبق اساننامه ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، تعیین قلمرو حاکمیت ایران در زمین، دریا و هوا بر عهده سازمان جغرافیای

طول انجامید که تجربه خوبی بود. اما قضاوت درباره چگونگی کیفیت این کتاب را باید به مخاطبان اصلی آن که دانشجویان جغرافیای سیاسی هستند، واگذار کنیم. این کتاب پیش از هر چیز یک منبع درسی است که بنا به تصویب وزارت علوم باید در رشته جغرافیای سیاسی تدریس شود بنابراین دامنه اثرگذاری آن را هم باید بعد از چند دوره تدریس بررسی کنیم.

تاکنون در سازمان جغرافیای درباره مرز کتاب دیگری هم منتشر شده است؟

بله. کتابی با عنوان «اطلس مرزها» در این سازمان منتشر شده است که تمامی نقشه های مرزی را در خود دارد و مخاطبان اصلی آن پژوهشگران حوزه مرز هستند.

در حوزه جغرافیای سیاسی چه آثار دیگری تألیف کرده اید؟

زیر ساختار داده های مکانی منطقه ای دریای خزر و خلیج فارس، تنگه ها و آبراه های بین المللی، فضا و فناوری فضایی و جغرافیای کره شمالی، آشنایی با کشورهای شرق آسیا، امپراتوری ژاپن و... از جمله کتاب هایی است که در این زمینه تألیف کرده ام. اما جغرافیای مرز اولین تجربه در حوزه مرز به طور خاص است که با همکاری دکتر اخباری انجام شد و تجربه خوبی بود که امیدوارم در کارهای دیگر نیز ادامه پیدا کند.



گزارشی از کتابخانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی

گنجینه‌ای بر ستون‌های تاریخ تمدن اسلامی

حدود ۸۳۰ جلد کتاب شامل قرآن و علوم دینی است که تمامی این آثار از سوی اشخاص خیر و علاقه مند به آستان، وقف شده است.

قطعا نمی توان نام تمام آنها در این مجال آورد اما مشهورترین واقفانی که بیش از ۱۰ تا ۱۵۰۰ جلد کتاب اعم از خطی و چاپی به کتابخانه تقدیم کرده‌اند عبارتند از: آیات عظام سید محسن حکیم، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، حاج شیخ هادی، مجتهد تبریزی، حاج سید حسین اثنی عشری، حاج شیخ محمد رضا خاتمی بروجردی، میرزا خلیل کمره‌ای، علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی و...

مؤذنی از یک امکان جالب در کتابخانه سخن می گوید: «بسیاری از واقفان بر خراج نکردن کتاب وقف شده از کتابخانه تاکید کرده‌اند از این رو برای تامین این نظر و نیز برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از کتب تک نسخه یعنی کپی برداری یا تکثیر، تمامی مراحل تعمیرات مورد نیاز در محل کتابخانه، زیر نظر استاد کار آزموده، مجرب و آشنا به تعمیر کتاب‌های قدیمی انجام می پذیرد.»

امتیاز منحصر به فرد

یک بخش بسیار قابل توجه خدمات مکانیزه کتابخانه است. از شهریور ماه ۱۳۷۳ کتابخانه به سیستم رایانه و نرم افزار مجهز شده است. به گفته مؤذنی در این مکانیزاسیون بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار زیرمجموعه به صورت رایانه‌ای ثبت شده است و دسترسی به کتاب‌ها با درج نام مؤلف یا مولفان، نام کتاب، مترجم یا مترجمان، موضوع اصلی، ناشر، تاریخ نشر، محل نشر، شماره چاپ، قطع، تعداد صفحات یا تصاویر، تاریخ ورود به کتابخانه، نحوه تهیه (وقف، خریداری، اهدایی) زبان، نوع جلد، خطی یا چاپی، بهاء، شماره ثبت، کد عنوان و... علاوه بر آن می توان تصاویر درون کتاب‌ها را نیز جست و جو کرد. این امکان جست و جو امروزه در کمتر کتابخانه‌ای وجود دارد و می تواند کمک شایان توجهی به محققان و پژوهشگران کند. یک پژوهشگر که عکس‌های عین‌الدوله را می خواهد با جست و جو در قسمت عکس می فهمد در کدام صفحه کدام کتاب‌های موجود می تواند این عکس‌ها را پیدا کند و کتابخانه کپی این عکس‌ها را در اختیار او می گذارد.

مؤذنی این رایک ویژگی منحصر به فرد می داند و در توضیح آن می گوید: «در سال ۱۳۷۳ با مجهز شدن کتابخانه به سیستم رایانه‌ای و ثبت مشخصات کتب، با انگیزه پاسخگویی به نیاز تحقیقاتی محققان و اطلاع‌رسانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن، جمع‌آوری و ثبت ریز مطالب مندرج در کتب و نشریات، به صورتی که راهگشای مراجعان در اسرع وقت باشد، آغاز شد. با توجه به تعداد کتب کتابخانه، انجام این مهم به‌طور شایسته، بار مالی سنگینی برای آستان داشت. بنابراین با کسب اجازه از مقام تولیت محترم و موافقت مشارالیه این کار آغاز شد. دقت در جمع‌آوری مطالب تا آنجا است که اگر در حاشیه یا پاورقی و تعلیقات کتاب، مطلب مفیدی مندرج بوده، آنها نیز ثبت شده است. این عمل دسترسی به مطالب مندرج در لابه‌لای کتاب‌ها را بسیار آسان کرده و کتابی را که طی مدت ۴۰ سال حتی یک بار از آن استفاده نشده در گردش مستمر قرار داده است.» تعداد اعضای کتابخانه از سال ۱۳۷۲ تا کنون به بیش از ۱۳ هزار نفر می‌رسد. مراجعان کتابخانه در طول یک سال گذشته به‌طور متوسط ۳ میلیون و ۱۸۳ هزار ۶۰۰ نفر اعم از زائران، مسافران، افراد محلی و پژوهشگران بوده‌اند. ساعت ۷ عصر است و چراغ‌ها یکی یکی خاموش می‌شوند اما بعید به نظر می‌رسد چراغ این کتابخانه که قرن‌ها به اتکای خورشیدی از خاندان امامت روشن بوده است، روزی خاموش شود.



بنیان نهاده بود، به کتابخانه اختصاص داد و کتابخانه در نخستین روز پاییز ۱۳۷۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. تولیت وقت آستانه در این سال برای توسعه کتابخانه ابتدا ۱۰ هزار جلد کتاب خرید. همچنین در برنامه طرح توسعه آستان، احداث ساختمانی را با وسعت ۵ هزار متر مربع در سه طبقه با تمامی تجهیزات و امکانات مدرن برای تاسیس کتابخانه‌ای بزرگ‌تر در نظر گرفت. این پروژه پس از ۱۱ سال و در سال ۱۳۸۱ مصادف با میلاد حضرت مهدی (عج) بهره‌برداری شد. اما ۱۰ سال پیش از آن جواد مؤذنی، بانی و اولین مدیر کتابخانه، از دنیا رفته بود. مرحوم حاج جواد مؤذنی از بدو تاسیس، قریب نیم قرن، مدیریت کتابخانه را عهده‌دار بود و تا آخرین روز عمر خود از جمع‌آوری و دقت در نگهداری این مجموعه نفیس لحظه‌ای غفلت نکرد.

وی در بهمن ماه ۱۳۷۱ درگذشت. پس از فوت ایشان، تولیت آستان حضرت عبدالعظیم، حسین مؤذنی فرزند آن مرحوم را که از سال ۱۳۳۹ شمسی در کنار پدر مشغول به خدمت بود به مدیریت کتابخانه برگزید.

کتابخانه‌ای تمام عیار

این طور که مؤذنی می‌گوید جمع‌کتاب‌ها و نشریات ادواری‌ای که امروز در کتابخانه نگهداری می‌شود قریب به هفتاد هزار جلد است و در میان آنها کتاب‌ها و نشریاتی به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی و... دیده می‌شود. مؤذنی که مدیریت کتابخانه در خاندان آنها دو نسل جریان داشته است می‌افزاید: «از آنجا که اغلب واقفان کتاب، علماء، مدرسان حوزه و اساتید دانشگاه بوده‌اند بیشتر کتاب‌های این کتابخانه، کتاب‌های مرجع است با این حال تنوع در موضوعات کتاب‌های این کتابخانه نیز یک امتیاز دیگر آن محسوب می‌شود. قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی، کلیات، دایرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادبیات و تاریخ ادبیات، تذکره و شرح حال، طب قدیم، تفسیر، فقه و اصول فقه، اخبار فقه، کلام و بلاغت، اخبار و احادیث، مقتل، ادعیه، عرفان، تاریخ، جغرافیا، جغرافیای تاریخی، سفرنامه و خاطرات، فلسفه و منطق، اخلاق و معارف اسلامی، تعلیم و تربیت، علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، علوم پایه و موضوعات گوناگون دیگر تنها عناوین فهرست موضوعی کتاب‌های این کتابخانه است.

به دلیل همجواری با آستان مقدس حضرت عبدالعظیم بیشتر کتاب‌های این کتابخانه وقفی و اهدایی است و تنها طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۶ قریب به ۶۷۷۰۰ جلد کتاب و نشریه به کتابخانه اهدا یا برای کتابخانه وقف شده است. کتابخانه دارای مجموعه خطی نفیسی در

سوی دیگر جایگاه این حرم شریف را در ذهن ایرانیان طی قرن‌های گذشته روایت می‌کند. کهن‌ترین قرآن خطی آستانه که در فهرست راهنمای گنجینه قرآن موزه ایران باستان ثبت شده، قرآنی است بسیار نفیس به خط نسخ و ثلث که در ۹۴۰/۱۵۳۳ م به روزگار شاه‌طهماسب اول نگاشته شده است. همچنین مجموعه اسناد و فرامین و وقفنامه‌های آستانه گردآوری شده و امروز در همین کتابخانه نگهداری می‌شود. کهن‌ترین سند رسمی، فرمان شاه‌طهماسب صفوی درباره اوقاف و تولیت آستانه عبدالعظیم است.

تولد یک کاملاً قابل پیش‌بینی

به‌طور مشخص افتتاح کتابخانه به شکل امروزی در اردیبهشت سال ۱۳۲۴ شمسی در جنوب امامزاده حمزه و در ساختمانی دوطبقه اتفاق افتاده که تاکنون نیز بر جای است. فکر تاسیس کتابخانه جدید را در سال ۱۳۲۳ شمسی جواد مؤذنی (مؤذن آستان) که به وجود کتابخانه قبلی پی برده بود مطرح کرد. آن روزها تولیت امامزاده بر عهده حاج سید احمد هدایتی بود. سید احمد که خود فردی فاضل، متدین و علاقه‌مند به علم و ادب بود از این پیشنهاد استقبال و مؤذن آستان را همراه با فرزند خود، دکتر محمدعلی هدایتی (استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران) مامور تاسیس کتابخانه کرد.

کتابخانه آستانه تجهیز خود را با خرید حدود ۶۰۰ جلد کتاب از کتاب‌های مرحوم نظر پاک (یکی از اساتید مدرسه سپهسالار) آغاز کرد و در همین اوقات طی حکمی، جواد مؤذنی به عنوان امین، به مدیریت کتابخانه منصوب شد. مؤذنی و همکارش دکتر هدایتی با شور و شوق توصیف‌ناپذیری همت خود را به کار کتابخانه معطوف کردند. آنها با افراد علاقه‌مند به کتاب، علما و مولفان نجف اشرف، الازهر مصر و دیگر مراکز علمی و فرهنگی تماس می‌گرفتند و از آنان درخواست همکاری می‌کردند و آنها نیز به احترام وجود مقدس حضرت عبدالعظیم (ع) کتاب‌هایی را به کتابخانه نوپای آستانه تقدیم کردند.

با گذشت زمان علاقه‌مندان به آستان مقدس، با اهدای کتاب بر تعداد آنها افزودند تا آنجا که در سال ۱۳۳۹ شمسی کتابخانه با کمبود جا مواجه شد.

همزمان با کمبود جا در کتابخانه، سرتیپ محمد میمند (یکی از افسران ارتش) ساختمانی دو طبقه به مساحت ۴۰۰ متر مربع در کنار راهروی جنوبی صحن حضرت امامزاده حمزه برای تاسیس یک مدرسه بنا کرد، اما مدیر کتابخانه تناسب نداشتن این محل را برای مدرسه به وی گوشزد کرد و از او خواست که ساختمان را در اختیار کتابخانه قرار دهد.

این پیشنهاد پذیرفته شد و محمد میمند ساختمان تازه را برای استفاده کتابخانه وقف آستان کرد. کتابخانه به محل جدید منتقل و در آذر ۱۳۴۰ بازگشایی شد اما ۲۶ سال بعد یک بار دیگر کتابخانه آستانه به علت فرسودگی ساختمان و کمبود ظرفیت، تعطیل شد. در سال ۱۳۶۹ و در پی تقاضای مکرر اهالی و اعضای کتابخانه، هیات امنای وقت آستان، ساختمانی را که برای تاسیس موزه

در سال‌های امامت حضرت هادی (ع) مردی از شیعیان با نام عبدالعظیم حسنی به انگیزه زیارت مرقد امام رضا (ع) و برای تبلیغ معارف شیعه و به توصیه آن امام همام، راه ایران را در پیش گرفت. در آن روزگار، ری مرکز تجاری ایران و سر راه کاروان‌های بزرگ قرار داشت و به همین دلیل، به کانونی برای تلاقی و تعامل افکار و اندیشه‌های علمی، مذهبی و سیاسی تبدیل شده بود. عبدالعظیم در محله‌ای از ری اقامت گزید که میان محل سکونت شیعیان و اهل سنت قرار داشت. او به سرعت به چهره‌ای محبوب و مورد وثوق تبدیل شد. عبدالجبار عبدالوهاب رازی، یکی از اهالی ری و پیرو مذهب تسنن از مریدان عبدالعظیم شد و باغی را برای دفن شیعیان در ری وقف کرد. عبدالعظیم حسنی پس از چندی بیمار شد و درگذشت و در همین باغ به خاک سپرده شد. مدفن او تا یک قرن پیش بیرون از محدوده عمارت‌ها و بناهای دوره اسلامی قرار داشت. بنای آن در ابتدا از حرم و آستانه تشکیل شده بود، اما بعدها ساختمان‌ها، صحن‌ها و رواق‌های دیگری هم به این مجموعه اضافه شد و مدفن آن بزرگوار به کانونی برای توسعه علم و دانش و مباحث و معارف دینی تبدیل شد. همین موقعیت و وجود حوزه علمیه باعث شد تا فرصتی هم برای کتاب و کتابخوانی به وجود آید؛ چنان‌که امروز کتابخانه عمومی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم یکی از پررونق‌ترین کتابخانه‌ها در تهران و شهری است و علاوه بر اهالی بومی، تعداد زیادی از اعضای آن زائرانی هستند که با حضرت عبدالعظیم ميثاق و میعاد چندساله دارند. در آستانه وفات این راوی بزرگ حدیث و معارف شیعه به کتابخانه آستان سری می‌زنیم و حال و هوای آن را که شاید کمتر در کتابخانه‌های عمومی شهر، آن هم در فصلی که کتابخانه‌ها در تسخیر پشت کنکوری‌های نیست و فصل غربت را سپری می‌کند، می‌توان دید روایت می‌کنیم.

کتابخانه‌ای به روایت تاریخ

در میان اشیای گرانبهایی که طی روزگاران دراز به آستانه حضرت عبدالعظیم اهدا یا برای این آستانه وقف شده کتاب‌ها و قرآن‌های خطی نفیسی هم بوده است، چنان‌که به روایت تاریخ و اسنادی که امروز در اختیار است شاه‌عباس صفوی در ۱۰۳۷ ق/۱۶۲۷ م ۱۱۹ جلد کتاب وقف آستانه کرده که شش جلد از آنها هنوز باقی است. در وقفنامه آن سلطان صفوی به خط و مهر خود ذکر کرده است: «هر کس این کتاب را از کتابخانه خارج کند، در خون حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شریک و سهیم باشد» این شاید سنگ اول در بنای کتابخانه‌ای است که ما حالا به دنبال معرفی آن آمده‌ایم. البته این احتمال هم وجود دارد که به‌راستی حتی پیش از عصر صفوی کتابخانه‌ای در آستانه بوده است که علما و دانشمندان بسیاری که در سده‌های نخست اسلامی از خطه دانش پرور «ری» برخاسته‌اند از آن استفاده کرده‌اند، و گر نه دلیل گرهم‌آبی آنها چه می‌تواند باشد. می‌گویید در سال ۹۴۲ قمری که شاه طهماسب صفوی آستان حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه علیه السلام را توسعه داد و بناهایی را بر آن افزود پس از ساخت رواق و شبستان‌های شرقی و غربی، تولیت آستان را به یکی از فرزندان خاتم‌المجتهدین (داماد محقق کرکی) که از جایگاه علمی والا‌یی برخوردار بود، سپرد.

در همان عصر، حوزه علمیه و کتابخانه که با حمله مغول و تیمور تقریباً منهدم شده بود دوباره احیا شد و کتابخانه بزرگ و معتبری با مجموعه‌ای از کتاب‌های نفیس و کم‌نظیر در این محل شکل گرفت. این کتابخانه امروز گنجینه‌ای از کتاب‌های خاک‌ایام خورده‌ای است که از یک سو شأن هنر و دانش و از



گزارشی از بخش ایران شناسی و اسلام شناسی کتابخانه ملی

۷۲ سال تلاش برای حفظ منابع تاریخ ایران و اسلام



سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ، حوادث خوب و بد زیادی را به خود دیده است. جدای از روزگاران خوش و خرم ایران زمین، این سرزمین کهن ناملایماتی را نیز پشت سر گذاشته که در جریان آنها بسیاری از آثار و نمادهای فرهنگی کشور عزیزمان از بین رفته اند. در طول این دوران، افراد و مراکزی با مشقت فراوان دست به جمع آوری آثار مکتوب و غیر مکتوب مختلف درباره ایران و اسلام زدند و همچنین افراد بسیاری نگارش آثاری درباره این دو را پیشه خود ساختند. یکی از این مراکز که به جمع آوری آثار مختلف درباره ایران و اسلام پرداخته، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است.

کتابخانه ملی از بدو تاسیس در سال ۱۳۱۶ ضمن جمع آوری منابع مختلف، به گردآوری کتاب های ایران شناسی نیز همت گماشت. در آغاز، کتاب ها از مدرسه دارالفنون و کتابخانه وزارت معارف به کتابخانه ملی منتقل و سپس به تدریج کتاب های ایران شناسی منتشر شده در کشورهای دیگر، خریداری و به مجموعه اضافه می شدند که بیشتر این خریدها به تشخیص سید حسن تقی زاده، سفیر وقت ایران در لندن انجام می شد.

بخش دیگر، کتاب هایی بودند که ایران شناسان و مولفان خارجی نظیر آرتور کریستین سن، آندره گدار، هانری کورین، ولادیمیر مینورسکی و همچنین مولفان ایرانی به کتابخانه ملی اهدا کردند. از مجموعه پنج هزار جلدی کتاب های بانک استرقاضی روس که به کتابخانه ملی واگذار شده بود، کتاب هایی نیز به زبان های روسی به مجموعه ایران شناسی منتقل شدند. همچنین کتاب هایی به زبان آلمانی در زمان هیتلر به ایران اهدا و بخشی از آن به این مجموعه افزوده شدند. از طرفی، چون در بازارهای جهانی، کتاب های قدیمی درباره ایران موجود نبودند، تهیه عکس از آنها در دستور کار قرار گرفت و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ از کتاب های قدیمی و نایاب مربوط به ایران که در کتابخانه های کشورهای اروپایی وجود داشتند، عکسبرداری شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه ایران شناسی کتابخانه پهلوی هم به این بخش انتقال یافت و از مجموعه خصوصی دکتر فخرالدین شادمان هم باید نام آورد که حدود ۷۰۰ جلد به آثار مجموعه ایران شناسی اضافه کرد.

نورالله مرادی، مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، درباره تاریخچه تاسیس بخش ایران و اسلام شناسی می گوید: «جرقه ایجاد این بخش و جمع آوری آثار در سال ۱۳۱۳ با برگزاری جشن های هزاره فردوسی در مدرسه دارالفنون زده شد؛ جایی که ایران شناسان مختلفی از سراسر دنیا در این جشن شرکت کردند و آثار خود را در معرض نمایش قرار دادند. آنان قبل از بازگشت به کشورشان آثار خود را به کتابخانه ملی اهدا کردند. در سال ۱۳۴۲ نیز ایرج افشار تمامی آثار ایرانی و اسلامی خارجیان را در اتاقی جمع آوری کرد که البته این کتاب ها تنها به جشن هزاره فردوسی مربوط نمی شدند و کتاب های دیگری نیز در این بخش موجود بودند.»

وی در ادامه می گوید: «منظور از ایران در آثار این بخش، ایران با مرزبندی جغرافیایی خاص نیست بلکه ایرانی فرهنگی که از شبه قاره هند آغاز و پاکستان، تاجیکستان، افغانستان، آسیای میانه و حتی امپراتوری عثمانی تا خلیج فارس را دربرمی گیرد، مد نظر است. ضمن این که آثار ایران باستان نظیر آشور و بابل و دیگر حکومت ها و همچنین تمامی آثار درباره روابط ایران با دیگر کشورها به ویژه همسایگان، یونان و مصر را نیز

دربرمی گیرد و شامل موضوعات مختلفی نظیر ادبیات، زبان، دین، فلسفه، تاریخ، هنر و... می شود.»

به گفته وی، منابع این مجموعه نیز به لحاظ نگهداری به سه دسته کتاب، پایان نامه و نشریات تقسیم می شوند که هر سه به لحاظ موضوعی در حیطه اسلام شناسی و ایران شناسی قرار دارند. این منابع اکنون بالغ بر ۵۰ هزار نسخه کتاب، ۲۵۰۰ عنوان پایان نامه و ۴۵۰ عنوان نشریه را دربرمی گیرند که اغلب به زبان های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی اند و از طریق خریداری، اهدا، مبادله و واسطی تهیه شده اند.

عنايتی این گونه ادامه می دهد: «بیشتر آثار این بخش از طریق خریداری، تامین و برخی نیز به صورت تخصصی توسط پدید آورندگان آثار اهدا یا خریداری شده اند و مراجعان نیز در سطوح مختلف تحصیلی، شغلی و پژوهشی از این آثار استفاده می کنند. آثار این بخش تقریباً تمامی نیازهای مراجعان را برآورده می سازد و محققان و پژوهشگران می توانند با توجه به تنوع زبانی آثار، نیازهای خود را تامین کنند.»

دکتر مرادی نیز در این باره می گوید: «در شرایط فعلی، جمع آوری آثار مربوط به ایران به تمامی زبان ها در کتابخانه ملی کار دشواری است. البته سازماندهی زبان هایی نظیر اسپانیولی، ایتالیایی، ترکی استانبولی، هندی، اروپای شرقی و عبری نیز به صورت محدود آغاز شده و قرار است گسترش یابد. آثاری نظیر نسخه چاپی قدیمی ترین کتاب دنیا به خط فارسی درباره زندگی حضرت مسیح (ع) که در زمان شاه عباس در هلند منتشر شد نیز به تازگی توسط کتابخانه ملی خریداری و در بخش ایران و اسلام شناسی نگهداری می شوند.»

وظایف گروه ایران شناسی و اسلام شناسی
وظایف گروه اطلاع رسانی ایران شناسی و اسلام شناسی، دریافت، تنظیم و نگهداری منابع مختلف در این حوزه، همکاری در زمینه شناسایی منابع مرتبط برای سفارش خرید، همکاری در طراحی روش های حفاظت و نگهداری از منابع، همکاری در طراحی و تدوین ابزارها و بانک های اطلاعاتی مورد نیاز برای ارائه خدمات، اجرای خدمات مشاوره و اطلاع رسانی، همکاری در برقراری ارتباط و ایجاد شبکه های لازم میان مراکز ایران شناسی و اسلام شناسی داخلی و خارجی، همکاری در طراحی و تدوین و انتشار فهرست ها، نمایه ها و کتاب شناسی و دیگر ابزارهای اشاعه اطلاعات، همکاری در برگزاری همایش ها و نمایشگاه ها و انتشار نشریه تخصصی و تهیه آمارهای کمی و کیفی از فعالیت های گروه است.

شامل می شود.»

همچنین ایرج عنایتی، مدیر گروه بخش ایران شناسی و اسلام شناسی کتابخانه ملی ایران درباره قسمتی از تاریخچه تشکیل بخش ایران و اسلام شناسی می گوید: «بخشی از منابع ایران شناسی و اسلام شناسی طی دوره ای در کتابخانه سلطنتی و بخشی در مدرسه دارالفنون قرار داشت که بعد از تاسیس کتابخانه ملی، این منابع در آنجا گردآوری و در اختیار علاقه مندان و پژوهشگران قرار گرفتند. ایرج افشار یکی از افرادی است که برای ساماندهی این بخش تلاش زیادی انجام داد و کتاب ها را در این بخش، جداسازی و منابع لاتین و تخصصی را از دیگر آثار جدا کرد و در نهایت بعد از انتقال محل کتابخانه ملی به مکان فعلی، عملاً بخش ایران شناسی و اسلام شناسی راه اندازی شد.»

منابع بخش ایران شناسی و اسلام شناسی
در ابتدا، تمامی کتاب های این بخش به ترتیب ورود در قفسه ها قرار می گرفتند و چون کتاب های مربوط به ایران هم در میان آنها قرار داشتند، بر اساس زبان تقسیم بندی می شدند اما در سال ۱۳۴۲ و در زمان ریاست ایرج افشار، تمامی آثار مربوط به ایران جداسازی و تقسیم بندی موضوعی شدند.

بعد از انقلاب اسلامی، بخش مذکور با عنوان «بخش ایران شناسی و اسلام شناسی» به وظیفه دائمی خود برای گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب به زبان های غیر از فارسی و عربی، که با مباحث خاص ایران و اسلام ارتباط دارند، ادامه داد.

عنايتی، درباره منابع این بخش خاطر نشان می کند: «منابع این مجموعه را می توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد؛ منابع مربوط به پیش از اسلام و پس از اسلام. آثار پیش از اسلام مربوط به ایران و منطقه است و آثار بعد از اسلام، کشور ایران و جهان اسلام را

تمامی کتاب های مربوط به ایران باید در بخش ایران شناسی و اسلام شناسی بدون توجه به قطع، زبان و موافق یا مخالف بودن با خطوط سیاسی، جمع آوری شوند

ایرج عنایت، مدیر گروه بخش ایران شناسی و اسلام شناسی کتابخانه ملی ایران در این باره یادآور می شود: «یکی از مهم ترین وظایف بخش ایران شناسی و اسلام شناسی، همکاری و شرکت در همایش ها در سطوح مختلف ملی و بین المللی است به همین منظور اکنون بخش ایران شناسی و اسلام شناسی آمادگی برگزاری همایش های مختلف در این زمینه را داراست. چندی قبل نیز این بخش میزبان رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا بود که بر اساس مذاکرات فراوان برای انجام همکاری ها و تبادل منابع و امکانات با یکدیگر به توافق رسیدیم.»

دکتر مرادی نیز در این باره می گوید: «بر اساس اساسنامه کتابخانه ملی ایران، تمامی کتاب های مربوط به ایران باید در بخش ایران شناسی و اسلام شناسی بدون توجه به قطع، زبان و موافق یا مخالف بودن با خطوط سیاسی، جمع آوری شوند. جمع آوری آثاری که نویسندگان ایرانی در خارج از کشور به زبان غیر فارسی تالیف می کنند، همراه آثار مربوط به ایران قبل از اسلام و پس از تمدن و فرهنگ اسلامی با محوریت ایران و شیعه نیز جزو وظایف این بخش به حساب می آید.»

راهکار استفاده از

منابع ایران شناسی و اسلام شناسی

اکنون فعالیت اطلاع رسانی در بخش ایران شناسی و اسلام شناسی از طریق ارائه خدمات حضوری (همه روزه به جز ایام تعطیل از ساعت ۸ صبح تا ۱۵:۳۰ بعدازظهر) و غیر حضوری انجام می شود.

عنايتی با بیان این که «حضور در بخش ایران شناسی و اسلام شناسی از طریق عضویت در کتابخانه ملی امکان پذیر است» خاطر نشان می کند: «منابع این بخش به صورت در اختیار قرار دادن آثار، اسکن و کپی برداری از آنها به مراجعان داده می شود. همچنین فعالیتی نیز برای طراحی وب سایت ایران شناسی و اسلام شناسی انجام شده است تا مراجعان از راه دور مجبور به حضور فیزیکی در بخش نشوند و بتوانند از منابع مورد نیاز استفاده کنند تا با این روش، نسخه اصلی برخی از منابع نفیس و ارزشمند نیز از خطر از بین رفتن حفظ شوند.»

بخش پژوهش های کتابخانه ملی با مدیریت حجت الاسلام ابهری و دکتر نورالله مرادی در حدود راه اندازی این وب سایت در داخل سایت کتابخانه ملی است. در سطح مدیریت سازمان نیز بخش ایمیل سازمانی در دست راه اندازی است تا افراد بتوانند پرسش های خود را از طریق این بخش مطرح و پاسخ مورد نظر خود را دریافت کنند.

سفر به دل تاریخ ایران با سفرنامه ها

یکی از ارزشمندترین منابع بخش ایران شناسی و اسلام شناسی، سفرنامه های خاص ایران است و اکنون بالغ بر ۴۶۰ عنوان می شود که سال ها قبل فهرست بیشتر آنها به کوشش کتابداران پیشین منتشر شده است.

تعدادی از این سفرنامه هادرقرون هفدهم و هجدهم میلادی به چاپ رسیده اند و اکنون جزو کتاب های نایاب به شمار می روند. نظیر سفرنامه های پیترو دلواله، شاردن و نظایر آنها.

قدیمی ترین کتابی نیز که در این بخش نگهداری می شود، کتاب «گلستان سعیدی» اثر «آدا اولناریوس» متعلق به سال ۱۶۶۰ میلادی است. بخش ارزشمند دیگر این مجموعه، پایان نامه هایی اند که درباره ایران توسط خارجیان یا ایرانیان در دانشگاه های خارجی نگاشته شده اند که خریداری و گردآوری این پایان نامه ها از اهم وظایف کتابخانه ملی بوده است.



لیلا درفشه

«کی یرکگارد و اقبال، فیلسوفان عشق» عنوان کتابی است از غلام صابر اقبال شناس پاکستانی که با ترجمه دکتر محمد بقایی (ماکان) به تازگی از سوی انتشارات یادآوران به چاپ رسیده است. این کتاب به گفته مترجم آن، نگاهی دارد بر آرا و اندیشه‌های دو فیلسوف و متأله قرن ۱۹؛ کی یرکگارد و اقبال که به باور برخی، دو پایه استوار پل تفکر میان شرق و غرب به شمار می‌روند. دکتر محمد بقایی (ماکان) تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه تهران گذراند و دیپلم عالی زبان انگلیسی را از دانشگاه فلوریدا (آمریکا) اخذ کرد. وی پس از بازگشت به ایران علاوه بر تدریس، به ترجمه و تالیف آثاری در حوزه فلسفه، ادبیات و ادیان پرداخت که از جمله آثار تالیفی او در اقبال‌شناسی، مجموعه ۲۶ جلدی «بازنگری آثار و افکار اقبال» است که پس از انتشار آن، از سوی ریاست جمهوری پاکستان عالی‌ترین نشان فرهنگی این کشور و همچنین اعتبارنامه‌ای معادل فوق‌دکتر از سوی وزارت علوم پاکستان به وی اهدا شد. بقایی تاکنون ۶۲ اثر تالیف و ترجمه کرده از جمله ترجمه ۱۰ رمان از هرمان هسه، مجموعه ۱۰ جلدی «تاریخ فلسفه غرب»، شرح و تصحیح برخی از دیوان‌های شاعران زبان فارسی نظیر سنایی و همچنین تحقیقاتی در شعر جدید فارسی که مشخصاً می‌توان از کتاب «شاملو در عالم معنا» نام برد.

گفت و گو با محمد بقایی (ماکان) مترجم «کی یرکگارد و اقبال»

فیلسوفانی که از عشق سر بر آوردند

نتیجه این که اگر مطالعات تطبیقی و علوم انسانی چنان که باید در کشور ما نشان داخلی ندارد به این دلیل است که فضای بازی وجود ندارد.

این مسأله در عرصه ترجمه چطور نمود پیدا کرده است؟

در حوزه ترجمه وضع هم به همین منوال است. من اخیراً مجبور شدم ۶۴ صفحه از یک کتاب را که در مورد اقبال بود به دلایلی حذف کنم. کوشندگان طریق ترجمه امروز غالباً حسرت می‌خورند که چرا به جای پرداختن به کتاب‌هایی از این دست به دنبال رمان‌های مبتدل رفتند که نشانشان در روغن باشد! متأسفانه برخلاف آنچه درباره حمایت از کوشندگان این طریق گفته می‌شود، آثار ارزشمند اصلاً مورد توجه بخشی که تحت عنوان حمایت از مولفان و مصنفان نام گرفته واقع نمی‌شود و مولفان و مترجمانی که از روی علاقه شخصی و باطنی خودشان دست به ترجمه یا تالیف کتاب‌هایی از این دست می‌زنند ناچارند برای چاپ آنها به ناشران بسیاری مراجعه کنند و ناشران هم به دلیل سنگین بودن این نوع کارها غالباً به چاپ آنها تن در نمی‌دهند و لاجرم پرداختن به این نوع کتاب‌ها که می‌تواند یکی از پایه‌های اشاعه فرهنگ بومی و استحکام هویت ملی ما باشد مورد غفلت واقع و این نوع فعالیت‌ها به فراموشی سپرده می‌شود. برای تشویق این مولفان ضروری است که از صاحبان کوی معرفت و کسانی که عمری در این طریق ره‌سپرده‌اند هم‌فکری و همکاری به عمل بیاید تا برای حل این معضل راه حل درستی اندیشیده شود.

این کتاب به رغم این که حاوی پیشگفتار، درآمد و مقدمه است اما درباره مولف یعنی غلام صابر هیچ اطلاعاتی از جمله ملیت، سابقه علمی و دیگر آثار او داده نشده است. بهتر نبود خودتان به عنوان مترجم، در قالب مقدمه اشاره‌ای به این موضوع می‌کردید؟

مترجم اصولاً واسطه فرهنگی است یعنی موادی را که در اختیار دارد غالباً به زبان جامعه خویش برمی‌گرداند بنابراین آنچه در این کتاب هست دقیقاً ترجمه مطالب کتاب اصلی است و چیزی بر آن اضافه نشده است. به نظر می‌رسد خوانندگان امروزی بر اساس اصلی که در دنیای معاصر به هر منوتیک معروف است و البته سعدی ۸۰۰ سال پیش از این آن را در بیتی بیان داشته، آنچه مهم می‌نماید دستاورد یک اندیشه یا اصولاً محصول یک فکر است بنابراین آنقدر که حاصل اندیشه اهمیت دارد پدیدآورنده آن مهم نمی‌نماید. شاید از همین روست که سعدی فرمود: «مرد باید که گیرد اندر گوش/ اور نوشته است پند بر دیوار»

به هر حال این کار جزو وظایف مترجم نیست. مترجم مثل یک آینه آنچه در برابرش هست را منعکس می‌کند. شاید اگر مترجمی هم این کار را انجام دهد. چه بسا خلاف میل پدیدآورنده اثر باشد. اما جهت اطلاع خوانندگان درباره غلام صابر به طور خلاصه می‌توان گفت که ایشان محقق است پاکستانی که چندی در کشور کی یرکگارد یعنی دانمارک به تدریس فلسفه شرق پرداخت و از آنجا که با این دو متفکر آشنایی دقیق پیدا کرده بود توانست تحقیق مذکور را به درستی به سامان برساند.



مشخصی را به بار می‌آورد.

همان‌طور که در ابتدای صحبت‌تان اشاره کردید این کتاب در حوزه مطالعات تطبیقی قرار می‌گیرد. آثاری از این دست در حوزه ترجمه در حال حاضر در کشور ما چه جایگاهی دارند؟

یکی از مشکلات بزرگ ما در حوزه علوم انسانی، همین مطالعات تطبیقی است یعنی ما برای اینکه بتوانیم به فرهنگ خود بیشتر دست پیدا کنیم و بتوانیم به هویت ملی خودمان بیشتر واقف شویم، نیاز داریم که مطالعات تطبیقی را در کشورمان روشمند کنیم اما متأسفانه شاخه مطالعات تطبیقی بر درخت ادبیات فارسی اگر نگوییم کاملاً خشک‌شده، بسیار پژمرده است چرا که مادر هیچ یک از دانشگاه‌هایمان تلاش جدی‌ای در این زمینه نداریم. ما تا نتوانیم مطالعات تطبیقی را در حوزه فرهنگی کشور وسعت بدهیم و آن را بالنده و بارور کنیم اصلاً نمی‌توانیم صحبت از علوم انسانی به معنایی که مؤید و کمک‌کننده فرهنگ خودی باشد به میان آوریم، اما این که چرا مطالعات تطبیقی در کشور ما پیشرفت نکرده یک علت ریشه‌دار دارد و آن هم این است که ما ذهن انتقادی نداریم یعنی ما در اینجا یک محقق به معنای منتقد - آنچنان که در غرب می‌توانیم بسیاری از آنها را نام ببریم - نمی‌بینیم و دلیلش هم این است که ما فضا برای نقد نداریم در حالی که اساس مطالعات تطبیقی بر نقد استوار است.

عقل و عشق

کتاب «کی یرکگارد و اقبال؛ فیلسوفان عشق» حاصل پژوهش‌های غلام صابر اقبال شناس پاکستانی است که چندی پیش با ترجمه‌ای روان به قلم دکتر محمد بقایی (ماکان) روی پیشخان کتابفروشی‌ها قرار گرفته است. در این کتاب چنان که در مقدمه مولف آمده است، اندیشه‌های محوری کی یرکگارد و اقبال مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته و تلاش شده تا افکار و آراء این دو متفکر به زبانی ساده - که برای همه قابل فهم باشد - شرح داده شود.

این کتاب شامل یک پیشگفتار، درآمد، مقدمه مولف و پنج فصل است که فصل نخست با عنوان «کی یرکگارد و اقبال» به زندگی، افکار و آثار سورن کی یرکگارد و محمد اقبال و همانندی عقیدتی این دو می‌پردازد. «در جست‌وجوی حقیقت مطلق»، «مفهوم من آدمی یا خودی»، «عشق و زیبایی»، «اقبال، عقل و عشق» عناوین فصل دوم تا پنجم این کتابند. این کتاب حاوی پیوست‌هایی از جمله کتاب‌شناسی، برابرنامه و آژگان فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی، نمایه‌نام‌ها و موضوعات و تصاویری از این شخصیت‌هاست.

بشناسند همین موضوع را عیناً عنوان می‌کند. حالت دوم این است که نویسنده‌ای به طور مستقیم از نویسنده دیگری تأثیر می‌پذیرد مثل تأثیراتی که شعرای بزرگ ما نظیر حافظ، سنایی و مولوی از کتاب آسمانی گرفتند. شکل سوم هم این است که فردی از منابع غیرمستقیم و از شنیده‌ها و خواننده‌ها در ضمیر ناخودآگاهش اخذ و مطرح می‌کند و خودش هم نمی‌داند آن را از کجا دریافت کرده. اما درباره اقبال به طور قطع با توجه به مطالعات دقیقی که او در مدت تحصیلش در اروپا از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ داشت گفته می‌شود او تمام زیر و بالای فلسفه غرب را مورد مطالعه قرار داده و بالطبع می‌شود گفت او به همه این آثار دسترسی داشته و به نوعی در ناخودآگاه او ماندگار شده اما در هیچ یک از آثارش صحبتی از کی یرکگارد به میان نیآورده تا بگوییم او تحت تأثیر مستقیم او بوده اما آگزیستانسیالیسم اقبال شباهت زیادی به آگزیستانسیالیسم کی یرکگارد دارد. موضوع جالبی که خواننده درباره این کتاب باید به آن توجه کند این است که شرایط مساوی انسان‌های همانند به بار می‌آورد یعنی وقتی غلام صابر شرایط زندگی اقبال را در سرزمین خودش و شرایط زندگی کی یرکگارد را در زندگی خودش یک به یک مورد بررسی قرار می‌دهد، خواننده خود به خود و بدون این که مولف بخواهد مستقیماً به خواننده این اندیشه را القا کند متوجه می‌شود که مقدمات معین، نتایج معین به بار می‌آورد یعنی دو نفر با دو تربیت همانند در دو نقطه کاملاً متفاوت جهان یکی در غرب و یکی در شرق، حاصل اندیشه‌شان بسیار شبیه هم است.

چنین نتیجه‌گیری‌ای آیا تا حدودی ناقض نگاه آگزیستانسیالیستی که بر دو محور اختیار و اراده تأکید دارد نیست؟ به عبارتی، این به نوعی قائل شدن به جبر نیست؟

نه، این جبر نیست. به هر حال هر آگزیستانسیالیستی هم این اصل را می‌پذیرد که در شرایط موجود دارای اختیار است، نه این که اختیارش خارج از محدوده‌ای باشد که دستگاه آفرینش در اختیارش گذاشته است. بنابراین نمی‌شود این را جبر نامید. شما وقتی درختی را در زمینی می‌کارید آن درخت بر اساس ساختار خودش محصول می‌دهد حالا می‌خواهد این درخت در شرق کاشته شود یا در غرب، به این ترتیب شباهت‌هایی هم که ما در مورد این دو متفکر در این کتاب می‌بینیم حاصل جبر نیست بلکه حاصل اجزای پراکنده‌ای است که وقتی در یک جای معین گرد می‌آیند نتیجه

از آنجا که خیلی مرسوم نیست دو واژه فلسفه و عشق - که قدری پارادوکسیکال به نظر می‌رسند - در کنار هم قرار بگیرند، آوردن عبارت «فیلسوفان عشق» برای عنوان فرعی این کتاب آیا بدین معناست که نویسنده در این کتاب در صدد پرداختن به موضوعی غیر از مشرب فلسفی این دو متفکر بوده است؟

پیش از پاسخ دادن به این سوال باید به این موضوع اشاره کنم که کتاب «کی یرکگارد و اقبال» همان‌طور که از نامش پیداست در حوزه مطالعات تطبیقی قرار می‌گیرد و این بررسی تطبیقی بالطبع شامل همه جنبه‌های این دو چهره می‌شود و مولف یعنی غلام صابر هم به عمد اسم هر دوی اینها را روی کتاب آورده است اما مقصود از «فیلسوفان عشق» که عنوان فرعی کتاب است این است که این هر دو متأله یا هر دو فیلسوف، محور اندیشه‌شان بر عشق است، یعنی مولف کتاب سعی کرده بر مبنای چنین اندیشه‌ای که در هر دو چهره بسیار قوت دارد تحقیق خودش را پیش‌برد و همان‌طور که در خود کتاب هم دیده می‌شود مولف بر آن است تا نشان بدهد که کی یرکگارد و اقبال هر دو به یک موضوع با یک اندیشه مرکزی نظر داشتند و آن عشق است.

این موضوع محوری و اندیشه مرکزی، برگرفته از همان نگاه آگزیستانسیالیستی است؟

اول باید توجه داشته باشیم که آنچه بر شخصیت فرهنگی کی یرکگارد و اقبال فائق است یک هاله عرفانی است یعنی درست است که اینها به عنوان فیلسوف مطرح هستند ولی فیلسوف به آن معنای کلاسیک خودش یعنی دوستان دانش از آن نوع که ما به کسانی مثل دکارت، کانت، هگل، اکویناس و امثال اینها نسبت می‌دهیم نیستند. اینها فیلسوفانی‌اند که ظرف اندیشه آنها فقط از مظهر عقل پر نیست بلکه بخشی یا حتی بیش از نیمی از این ظرف از مفهوم عشق پر است و ما این را در هر دو چهره‌ای که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند مشاهده می‌کنیم. البته با توجه به سوالی که شما مطرح کردید باید گفت هر دوی اینها به نوعی آگزیستانسیالیست هستند اما از نوع آگزیستانسیالیست الهی که به یک معشوق ابدی و ازلی توجه دارند همان‌طور که در مولوی می‌بینیم. کلمه عشق معنای بسیار وسیعی دارد و دارای مراتبی است که نازل‌ترین آن عشق انسانی و عالی‌ترین مرتبه‌اش عشق الهی است. ما این عالی‌ترین مرتبه را که عشق الهی است در متفکران بزرگ خودمان مثل مولوی می‌بینیم و نمونه‌های آن را در غرب به طور مشخص در متأله و فیلسوف دانمارکی کی یرکگارد و در شرق هم در اقبال می‌بینیم که امروز به او مولوی عصر لقب داده‌اند.

شباهت آراء اقبال به کی یرکگارد - با توجه به این که اقبال با فاصله کمی بعد از مرگ کی یرکگارد متولد شده - شباهتی اتفاقی است یا این که اقبال آثار او را خوانده و تحت تأثیر مستقیم او بوده است؟

سوال بسیار مهمی است چرا که مطالعات تطبیقی اساساً بر سه محور استوار است و از سه طریق مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی این که شباهت‌ها کاملاً اتفاقی است مثل این که یک نویسنده یا شاعر در ۱۰ قرن پیش در ایران موضوعی را مطرح کرده و امروز یک شاعر یا نویسنده در آفریقا بدون این که اصلاً او را



بررسی تأثیر متقابل فرهنگ و مکتوبات بر یکدیگر

کتاب، فرهنگ و تعاملاتی دوسویه

از زمانی که یک اندیشه در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد تا زمانی که به مرحله نوشتن می‌رسد، بسیاری اوقات یک لحظه و بعضی وقت‌ها سالیان سال زمان می‌برد، دلیل آن نیز پرورش آن اندیشه در ذهن نویسنده و فراهم شدن اوضاعی مناسب برای مکتوب شدن آن است.

بعضی از کتاب‌ها این پتانسیل را دارند که حتی قبل از انتشار و با بیان این که چنین کتابی به زودی می‌آید تأثیر خود را ایجاد می‌کنند و تغییراتی در رفتارها یا افکار اجماع برجا می‌گذارند. در این میان کتاب‌هایی وجود دارند که با اهدافی بزرگ، بر صفحه سپید مقابل نویسنده، نقش می‌بندند، اما آن گونه که پیش بینی می‌شود، موفق نمی‌شوند. در این گزارش با میزان موفقیت یک اثر کاری نداریم، می‌خواهیم بدانیم این فرهنگ‌ها ایند که آثار مکتوب جامعه را می‌سازند یا مکتوبات اند که فرهنگ را شکل می‌دهند؟ شاید شنیده باشید کتاب «جنگ و صلح» تولستوی را هیچ ناشری چاپ نمی‌کرد و او برای چاپ اثرش به ناشران متعددی مراجعه کرد تا یکی از آنها آن هم با قید و شرط حاضر به چاپ آن اثر شد و اکنون این کتاب در شمار ۱۰ اثر برگزیده جهان جای دارد.

گاهی نویسنده معانی گسترده یا عمیقی در ذهن دارد، اما وقتی آنها را می‌نویسد از تأثیرش بر مخاطبان، متوجه ناتوانایی خودش در بیان مطلب می‌شود. در مواردی نیز نویسنده‌ای بدون توجه به معانی متعدد احتمالی مطلبش، آن را می‌نویسد و منتقد یا خواننده اثر، به عمق آن مطلب پی می‌برد یا هر یک از خوانندگان برداشتی متفاوت از مطلب دارند.

البته این اتفاق بیشتر برای کتاب‌های ادبی به ویژه رمان‌ها رخ می‌دهد و درباره کتاب‌های علمی و آموزشی، اغلب شاهد این برداشت نیستیم. از سوی دیگر، مشهور است یک کتاب یا اثر هنری به تعداد خوانندگانش معنا، پیام و درونمایه دارد. اگر شمار خوانندگان زیاد باشد، آن اثر در بین آثار و تالیفات موفق قرار می‌گیرد. برخی نویسندگان در صددند برای اثر خود، پایانی آزاد بگذارند تا هر خواننده‌ای با توجه به دریافت و اندوخته ذهنی‌اش برای آن مطلب، نتیجه‌ای خاص را متصور شود. اتفاق دیگری که در حوزه تالیفات و تأثیر آنها در جامعه می‌افتد، این که گاهی نویسنده پس از نوشتن، از آنچه از قلمش جاری شده است شگفت زده می‌شود. در حقیقت این گونه نیست که همواره نویسندگان آگاهانه در تغییرات اجتماعی اثرگذار باشند، بلکه در بسیاری از مواقع داستان، خود را می‌نمایاند و بر نویسنده و خالق خود نیز اثر می‌گذارد. شاید این هم یکی از تأثیرات جادویی نوشتن باشد که علاوه بر آموزندگان، آموزگار را نیز درس می‌آموزد.

در این زمینه برخی از نویسندگان در یافتن سوژه و تصمیم برای ایجاد تغییر در جامعه هدف، برشی از زندگی خود یا رویدادهایی اطرافشان را برمی‌گزینند. از جمله این نویسندگان می‌توان به حسن پور منصور، نویسنده اجتماعی - سیاسی و کارمند سابق آموزش و پرورش خطه شمال کشور اشاره کرد. او می‌گوید: «بیشتر داستان‌هایم را در مسیر رفت و آمد به محل کار و زندگی و متاثر از این مسیر (مسیر زندگی) می‌نویسم، به گونه‌ای که هم تعامل با دیگران بر نوشته‌هایم اثر می‌گذارد و هم تجربه‌ای که از محیط کسب می‌کنم، موجب تسلط بر نوشته‌هایم می‌شود. نویسنده کتاب «فرار از جهنم سبز» و رمان «زیبای بد» با بیان اینکه خیلی وقت‌ها از نوشته‌هایم درس



آموخته‌ام اظهار می‌دارد: «رگه‌هایی از زندگی در نوشته‌های من جاری است. می‌کوشم آنچه در اطرافم می‌بینم را با نگاهی متفاوت برای مردم تعریف کنم تا آنها متوجه آنچه می‌گذرد، شوند و در تغییر، حفظ یا تکمیل آن بکوشند. نوشته‌های من از فرهنگ رنگ می‌گیرند و می‌کوشند بر آن قوام بخشند. نوشته‌هایم از پدیده‌های جاری زندگی الهام می‌گیرند و در تالیف آنها نشانه‌ها و داستان‌هایی از گذشتگان را که در شرف نابودی اند زنده نگه می‌دارم.»

شاید در برخی از دوران‌ها نظیر سده‌های گذشته، مکتوباتی از داستان‌های شاهنامه و اشعار مولوی و حافظ، نقش فرهنگ‌سازی بیشتری داشتند تا زمان حال که اغلب کتاب‌های عمومی از فرهنگ جاری رنگ می‌گیرند. شاید این ویژگی این زمان و شاید هم آسیبی باشد نیازمند توجه.

عذرا بخشایشی، هنرمند خوشنویس و نویسنده کتاب، پایداری تأثیر تالیفات و ماندگاری آنها در فرهنگ جامعه را متاثر از سوژه‌ای می‌داند که نویسنده برای قلم فرسایی انتخاب کرده است و می‌گوید: «موضوع هر کتابی تعیین می‌کند آن اثر از جامعه تأثیر می‌گیرد و حرف خود را می‌زند یا برای ایجاد تغییر به فرهنگ جاری جامعه رنگ و جلا می‌بخشد.»

وی با بیان این که «هرچه پذیرش عمومی نسبت به سوژه اصلی نویسنده بیشتر باشد، به همان میزان بیشتر از آن تأثیر می‌پذیرند» بیان می‌کند: «متأسفانه یا خوشبختانه، آنچه در نگاه اول از سوی مخاطبان مهم به نظر می‌رسد، نام نویسنده و ناشری است که اثر را به چاپ رسانده است. برای آنها اهمیت این نام‌ها در گام نخست، بیشتر از درونمایه‌های اثر است. زمانی که نویسنده‌ای موفق به جلب اعتماد و اطمینان خوانندگان خود شود و آنها هدف از نوشتن وی را درک کنند، تصمیم می‌گیرند تا چه حد اجازه دهند تا آن اثر روی آنها تأثیر می‌گذارد.»

شاید این دیدگاه درباره تمامی آثار یا حوزه‌های تالیفی صادق نباشد، اما نگرشی است که در بسیاری از موارد نویسندگان نوپایی را که به تازگی گام در این مسیر نهاده‌اند، می‌رنجاند و هراسی را در دل آنها ایجاد می‌کند که در مقایسه با خورد آثارشان با آثار بزرگان علم و ادب، احساس بدی به آنها دست می‌دهد. شاید تصور کنند برای این کار ساخته نشده‌اند یا در دل بگویند «ای کاش سال‌ها پیش که سخن کمتری در این حوزه بر زبان‌ها بود، متولد می‌شدیم و نوشتن را آغاز می‌کردیم!»

یاسر عسگری، کارشناس معرفی کتاب‌های دفتر نشر معارف، تأثیر فرهنگ و مکتوبات بر یکدیگر را در زمان‌های گوناگون متاثر از مسائل متفاوتی می‌داند و از جنبه کلان و در بررسی تالیفات عمومی می‌گوید: «یکی از مسائلی که در القای مفاهیم اصلی ذهن نویسنده و دریافت خواننده تأثیر می‌گذارد، ظرفیت و بار معنایی کلمات در مسیر امانتداری پیام‌هاست. در بسیاری از موارد نویسنده‌ها نمی‌توانند اندیشه خود را با استفاده از واژه‌های مناسب آن گونه که از ذهنشان عبور کرده است برای مخاطبان تصویر کنند.»

وی میزان آشنایی و تسلط نویسندگان بر ریشه و حوزه معنایی واژگان را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری پیام آنها بر رفتارهای اجتماعی و حوزه‌هایی از فرهنگ می‌داند و معتقد است: «این آسیب بیشتر گریبان‌آثار ترجمه‌ای‌رامی گیرد و ساختن معادل‌هایی برای مفاهیمی که به زبان دیگر ند، حوزه تأثیرات آنها را دستخوش تغییر می‌کند.»

وی با اشاره به تأثیرات دوسویه مکتوبات و فرهنگ بر یکدیگر خاطر نشان می‌کند: «رسانه‌های گروهی که در این زمان با رشد و گسترش روزافزونشان از طریق همسوس شدن با پیشرفت الکترونیکی، جای دیگر حوزه‌های ارتباطی را گرفته‌اند، تشنگی‌های کاذبی را ایجاد می‌کنند و جهت‌دهی‌های نامناسبی را در حوزه تالیفات فرهنگ‌ساز دارند. به عنوان مثال برنامه‌ای خاص از یک کشور یا رویداد سیاسی در شبکه‌های

مختلف به صورت مکرر پخش می‌شود. در نتیجه نویسندگان به جای توجه به حوزه‌هایی که نیاز اصلی جامعه‌اند، به سوی آثاری گرایش می‌یابند که در کانون توجه جامعه‌اند و می‌کوشند تا از طریق نوشتن در آن حوزه، جامعه را به سوی اثر خودشان متوجه سازند. این آثار از ماندگاری و تأثیرات کمی برخوردارند و شاید بتوان گفت برای آنها تاریخ مصرفی وجود دارد که پس از آن قابل استفاده و مفید نیستند.»

با استفاده از آرای عناصر گوناگون حوزه تالیف، این گونه دریافت می‌شود که در بسیاری از موارد نظریات مختلف فرهنگ‌ها را می‌سازند و در بسیاری از موارد نیز فرهنگ‌ها نظریات را خلق می‌کنند. این موضوع به ظرفیت‌های ایجاد پیام و نیازهای جوامع در زمانی که آن معنا عنوان می‌شود، بستگی دارد، چون در بسیاری از مواقع، آرای اندیشمندان، فرهنگ‌های زمان دیگری را ساخته‌اند که برخاسته از آن فرهنگ نبوده‌اند.

همچنین هرگاه غلبه فرهنگ‌های جاری جوامع بر حوزه‌های تالیفی افزایش می‌یابد، نشان از ضعف فرهنگ مکتوب دارد که به جای تصحیح و تکامل فرهنگ در راستای انعکاس و پایداری فرهنگ می‌کوشند، درحالی که باید مکتوبات در راستای انتقادهایی سازنده برای پیشرفت فرهنگ‌ها تلاش کنند و به آن مرحله‌ای که اکنون در آن قرار دارند اکتفا نکنند.

شماره نهم

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکر هفتاد و شش بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، بیداری و عدالت، بصورت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سینه‌ی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازسازی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا دریافته‌اند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان‌های معاصر و روش‌های تریبی، آرمان‌های ملی و آزادی خواهی، تقویت ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی. آثار مقاله‌ها و شایسته‌ای آن را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ **مدیران مجری:**

۱. فرهنگ‌های نمایشی حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه‌ی برتر یک فرم جداگانه از سوی نهاد برگزارکننده ارسال خواهد شد.
۲. سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه لایحه در سطح A4 در دو جلد فرستاده شود.
۳. یک نسخه کپی بر سبلی نویسنده.

■ **جوایز مسابقه:**

به منظور حمایت و تشویق نویسندگان، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ **گاه شمار:**

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۲۰/۰۳/۸۸.
۲. اعلام نتایج و اعطای جوایز تا تاریخ ۲۰/۰۳/۸۸.

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: _____

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): _____ شماره تماس: _____

نشانی دقیق پستی: _____

با کمال میل از دعوت فراخوان نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در خدمت و ترسبی ارائه می‌دهم.

تاریخ و امضاء: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰ - طبقه دوم، روابط عمومی، خندوبی پستی: ۲۱۴-۲۱۴۵ شماره تماس: ۰۲۱-۴۴۹۴۲۱۴-۴۴۹۴۲۵۴



گزارشی از نمایشگاه بین المللی کتاب تبریز

تپش قلب کتاب در سرزمین پروین اعتصامی

سازمان های فرهنگی نیز در نمایشگاه حضور پیدا کرده اند و به معرفی عملکرد خود پرداخته اند که از جمله آنها می توان به حضور پرمخاطب اداره کل امور کتابخانه های عمومی استان اشاره کرد. این اداره کل از علاقه مندان به عضویت در کتابخانه رایگان ثبت نام کند.

همایش گرامیداشت شعر و ادب فارسی و اجرای برنامه به مناسبت بزرگداشت شهریار، برگزاری شب شعر و خاطره دفاع مقدس به مناسبت ایام هفته دفاع مقدس، ویژه برنامه قرآن کتاب خدا، نشست های روزانه علمی و نقد و بررسی کتاب با حضور استادان دانشگاه، برپایی همایش شمس و مولانا، راه اندازی نمایشگاه عکس مشاهیر استان و... از جمله برنامه های جنبی در نظر گرفته شده برای هفتمین نمایشگاه کتاب تبریز به حساب می آید.

موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران نیز در همین راستا از محمد رضانی، عبدالمجید نجفی و ناصر فیض دعوت به عمل آورد تا در ایام برپایی نمایشگاه کارگاه های داستان نویسی، شعر و طنز را برگزار کنند.

پس از پایان کار نمایشگاه کتاب تبریز، ناشران سراسر کشور مسیر کوتاه شرق تا غرب آذربایجان را طی خواهند کرد تا در پنجمین نمایشگاه کتاب استانی امسال در ارومیه شرکت کنند. کرمان، زنجان و کرمانشاه، استان هایی اند که آبان ماه پذیرای نمایشگاه کتاب استانی خواهند بود.



نمایشگاه کتاب تهران نیز عرضه نشده بودند. کتاب های این بخش با تخفیف بین ۳۰ تا ۶۰ درصد در اختیار مراجعان قرار گرفته اند.

۲۳ برنامه جنبی

همزمان با برگزاری هفتمین نمایشگاه کتاب تبریز، اجرای برنامه های متنوع و متعدد جنبی پیش بینی شده اند تا این رویداد به نوعی تبدیل به یک جشنواره فرهنگی و هنری شود. ضمن آنکه برخی از مراکز

باید نسل جوان را از گمراهی نجات دهد نه این که خود کتاب گمراه کننده باشد. وی با بیان این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید برنامه ریزی کند تا نهضت کتابخوانی ترویج یابد گفت: «باید برای گسترش فرهنگ کتابخوانی بسیج عمومی شکل بگیرد.»

وی با انتقاد از گرانی کتاب گفت: «گرانی کتاب معضلی است و باید برای آن فکری کرد، همان طور که برای قند و شکر و بنزین و دیگر کالاها یارانه وجود دارد، برای کتاب هم که غذای روح مردم است، باید یارانه هایی را به کاغذ و تجهیزات چاپخانه اختصاص داد.»

پای پیاده و دل مشتاقان

محل دائمی نمایشگاه های استان آذربایجان شرقی و سالن های موجود در این نمایشگاه در ایام برپایی نمایشگاه کتاب حال و هوای متفاوتی با دیگر نمایشگاه های برگزار شده در این محل پیدا می کند؛ نمایشگاه هایی که اغلب آنها صنعتی اند، در این ایام دیگر از ماشین های مدل بالا که سر بالایی نمایشگاه را به سرعت طی می کنند، خبری نیست و بازدید کنندگان، مشتاقان و علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی اند که پای پیاده مسیر تقریباً طولانی ورودی نمایشگاه را طی می کنند تا به سالن بسیار بزرگ امیر کبیر برسند و از ناشران عمومی یا بخش مطبوعات استان بازدید کنند.

البته در این نمایشگاه سالن های پروین اعتصامی، شهریار و آذربایجان نیز فعالند تا هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تبریز علاوه بر این که بزرگ ترین نمایشگاه کتاب استانی باشد، به بزرگ ترین نمایشگاه کتاب کشور پس از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز تبدیل شود.

تازه های نشر جهان در تبریز

گرچه تعدد حضور ناشران داخلی و بزرگ بودن نمایشگاه به نوعی سبب ساز برتری نمایشگاه کتاب تبریز در مقایسه با دیگر نمایشگاه های کتاب استانی است، اما حضور نمایندگی ناشران خارجی و اختصاص سالنی مجزا به آنها نیز نکته مهمی است که به سادگی نمی توان از کنار آن گذشت. امسال در این نمایشگاه یازده غرفه برای حضور نمایندگی های ۴۰ ناشر مطرح کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان، هند، روسیه و ایتالیا در سالن سهند دایر شده اند. نکته قابل توجه درباره کتاب های بخش خارجی، جدید بودن برخی از آنهاست؛ به صورتی که بین کتاب های موجود با آثاری مواجه می شویم که در

آغاز ماه مهر و شروع فصل پاییز، بازگشایی مدارس و شروع به کار دانشگاه ها را در پی دارد. در استان آذربایجان شرقی و به ویژه در شهر تبریز، علاوه بر آن که با شروع مهرماه، همگان به یاد درس و مدرسه و دانشگاه می افتند، چند سالی است که در روزهای آخر شهریورماه اهالی این خطه با نمایشگاه بین المللی کتاب همراه می شوند و به استقبال مهر می روند؛ نمایشگاهی که امسال برای هفتمین بار از دوشنبه هفته گذشته در محل دائمی نمایشگاه های استان افتتاح شد و تا یک هفته میزبان علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی است.

نخستین نمایشگاه کتاب استان آذربایجان شرقی سال ۷۱ برگزار شد و نمایشگاه های دوم و سوم این استان نیز در سال های ۷۸ و ۷۹ برپا شد. امسال مردم تبریز برای چهارمین سال متوالی پذیرای این رویداد بودند تا به نوعی برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تبریز در تقویم فعالیت های فرهنگی استان آذربایجان شرقی ثبت شود.

سال ۱۳۸۵ پس از شش سال وقفه، نمایشگاه کتاب تبریز به صورت بین المللی در محل دائمی نمایشگاه های استان برگزار شد که سرآغاز فصلی جدید برای برگزاری این رویداد عظیم فرهنگی بود. البته این نمایشگاه سال گذشته برای جلوگیری از تعطیلی آن، در مصلاهی بزرگ امام خمینی (ره) تبریز شکل گرفت. نمایشگاه امسال از همان ساعات آغازین با حضور خیل مشتاقان و علاقه مندان به کتاب، حتی قبل از آن که مراسم افتتاحیه برگزار شود مواجه شد. آیین افتتاحیه نمایشگاه در سالن شمس تبریزی، محل دائمی نمایشگاه های استان برگزار شد. دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آیت الله مجتهد شبستری، نماینده ولی فقیه در استان، احمد علیرضاییگی، استاندار آذربایجان شرقی، احسان الله حاجتی، مدیر عامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران و برخی از مدیران و مسؤولان استان و بسیاری از علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی در این مراسم حضور داشتند.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه با بیان این مطلب که نمایشگاه کتاب تبریز بزرگ ترین نمایشگاه کتاب استانی است گفت: «با توجه به حجم بالای مبادلات و خرید و فروش کتاب در نمایشگاه تبریز، بسیاری از ناشران علاقه مند به حضور در این نمایشگاه اند.» وی افزود: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با در اختیار گذاشتن یارانه خرید کتاب از طریق ارائه بن هایی با ۲۰ درصد تخفیف، زمینه را برای بهره گیری مردم از این نمایشگاه فراهم کرده است و مسؤولان استانی باید هر سال با همت بیشتری این نمایشگاه را برگزار کنند.»

پرویز در بخش دیگری از سخنانش به برپایی نمایشگاه های کتاب «یاد یار مهربان» با هدف تجهیز کتابخانه های مدارس اشاره کرد و گفت: «باید در تمام مدارس کتابخانه فعال وجود داشته باشد.» وی با دعوت از استاندار آذربایجان برای برپایی این نمایشگاه در تبریز گفت: «در صورتی که استان نیمه از هزینه ها را تقبل کند، نیم دیگر هزینه را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تامین می کند تا سال آینده نمایشگاه «یاد یار مهربان» در تبریز نیز برگزار شود و کتابخانه های مدارس استان هم مجهز شوند.»

بسیج عمومی برای کتابخوانی

در این مراسم، آیت الله مجتهد شبستری، نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز، جایگاه کتاب و کتابخوانی در اسلام را جایگاه والایی معرفی کرد و گفت: «کتاب



جایزه کتاب فصل

باسمه تعالی

فراخوان دهمین دوره جایزه کتاب فصل

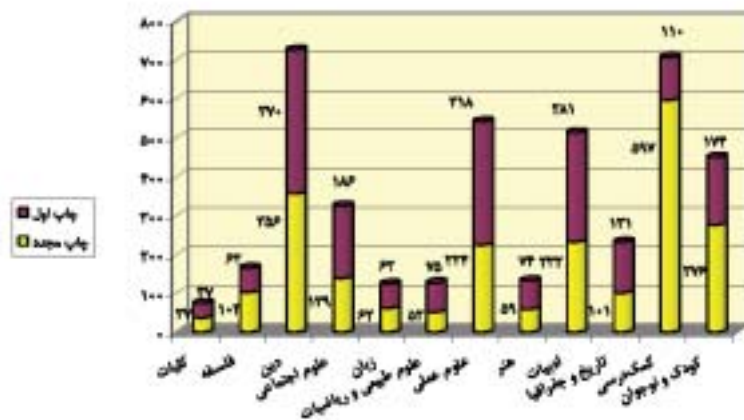
«بیر خانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) را برگزار می کند. از ناشران و مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می شود ۵۰۰۰ خود را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.»

— مهلت ارسال آثار: پانزدهم مهرماه ۱۳۸۸

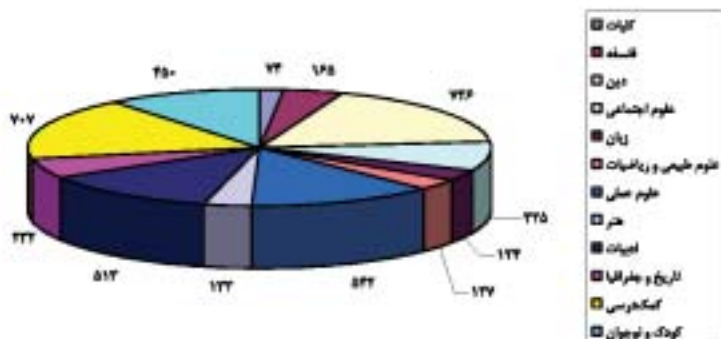
— نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و فلسطين جنوبی، شماره ۱۰۸۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲-۲، دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۹۶۲۱۹ فکس: ۹۹۹۶۲۱۸

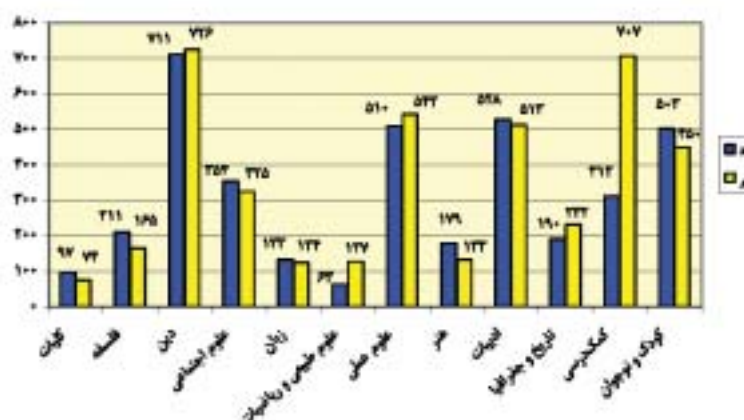
نمودار آماری کتابهای منتشرشده در شهریورماه ۱۳۸۸ به تفکیک چاپ اول و چاپ مجدد



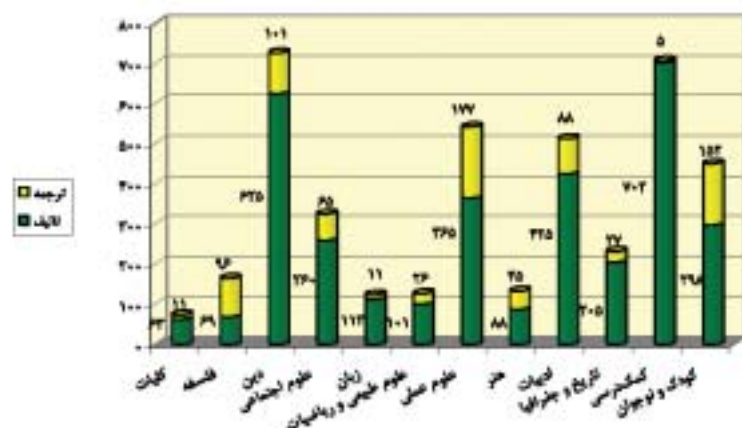
نمودار آماری کتابهای منتشرشده در شهریورماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع (در مجموع ۴۱۱۸ عنوان)



نمودار مقایسه‌ای کتابهای منتشرشده در مرداد و شهریور ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع



نمودار آماری کتابهای منتشرشده در شهریورماه ۱۳۸۸ به تفکیک تالیف و ترجمه



گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۱۳۸۸/۹/۲۸ تا چهارشنبه ۱۳۸۸/۹/۳۱، ۶۲۳ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات آموزش و کمک‌درسی، ادبیات، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تعداد*	ترجمه	چاپ اول	تعداد چاپ	تهران	شهرستان	اسرارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۱۴	۱۱	۳	۵	۹	۱۲	۲	۱۹۶۴	۳۳۳
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۶	۱۹	۱۷	۱۰	۲۶	۲۳	۲	۲۱۹۲	۲۲۲
۳	دین	۱۱۰	۱۰۰	۱۰	۴۶	۶۴	۵۳	۲۷	۲۹۲۲	۲۱۲
۴	علوم اجتماعی	۶۰	۴۵	۱۵	۲۹	۳۶	۶۰	۰	۲۵۱۰	۲۲۰
۵	زبان	۲۲	۱۹	۳	۴	۱۵	۱۷	۵	۲۹۲۹	۲۶۷
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۱	۱۷	۴	۸	۱۳	۱۷	۴	۲۳۶۷	۲۵۷
۷	علوم عملی	۹۵	۶۹	۲۶	۴۸	۲۷	۹۲	۲	۲۳۸۰	۲۲۶
۸	هنر	۲۱	۱۶	۵	۱۲	۹	۲۰	۱	۲۴۰۰	۱۷۶
۹	ادبیات	۷۹	۶۱	۱۸	۳۰	۴۹	۴۹	۷	۲۴۲۸	۲۴۲
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۲	۲۰	۲	۱۵	۸	۲۱	۲	۱۸۷۴	۲۷۵
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۹۳	۹۰	۳	۱۰	۸۳	۸۶	۷	۲۴۸۴	۲۵۴
۱۲	کودک و نوجوان	۴۹	۳۸	۱۱	۷	۴۲	۴۷	۲	۴۸۹۸	۲۶
	جمع بندی	۶۲۳	۵۰۴	۱۱۹	۲۳۴	۳۸۹	۵۲۳	۹۰	۲۰۰۳۷	۳۶۷

* تعدادی که به نام آثاری از نویسنده ثبت شده اند. آثاری چون ترجمه، تالیف، گردآوری، تالیف و غیره و غیره.
** منظور از موضوع آموزشی و کمک‌درسی، کلیه کتابهایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط است و مستقل از آنها باشد. لیست این پیش‌بینی‌ها تا بهرستان است.

شاخص‌های آماری کتابهای کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
گزارش‌دهنده کتاب	۳۰۰۰۰۰ ریال	دایره‌المعارف چراغهای شگفتانگیز: پاسخ به سوالهای کودکان و نوجوانان، کارول استوت، روسا گونی، ناشر: محراب قلم، کتابهای مهتاب، چاپ ۱۳۸۰، ۴۱۰ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۷ مرتبه	عسل به دست گل می‌رسد، احسان سیاه‌چشمی، ناشر: الفجر کتاب، چاپ ۱۳۸۷، ۱۲ صفحه
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰ نسخه	داستان‌هایی برای کودکان، اردلان باعد، نغمه کمالی، ناشر: لفرن، ۲۱، چاپ ۱۳۸۰، ۵۶ صفحه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	داستان‌هایی برای کودکان، اردلان باعد، نغمه کمالی، ناشر: لفرن، ۲۱، چاپ ۱۳۸۰، ۵۶ صفحه
بیشترین صفحه	۵۸۶ صفحه	قصه‌های سیخی، فضل‌الله مهندي، ناشر: معین، چاپ ۱۳۸۰، ۵۸۶ صفحه

شاخص‌های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	فلسفه اخلاق، محمد فتحعلی‌خانی، ناشر: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ ۱۳۸۰، ۷۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۴۷۵۰۰۰ ریال	Catherine DeAngelis Oski's pediatrics: principles & practice، ناشر: الهام نور، چاپ ۱۳۸۰، ۹۷۱ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۵۶ مرتبه	قانون مدنی، جلد اول - جلد دوم - جلد سوم، با آخرین اصلاحات و الحاقات و توضیحات و معانی لغات و اصطلاحات همراه با قانون مسئولیت مدنی، ناشر: دبیدار، ۲۲۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	وسایلی پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد (ص) به حضرت امام علی (ع)، ناشر: امیرالمؤمنین، چاپ ۱۳۸۰، ۱۱۸ صفحه
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	David Noakes, Veterinary reproduction and obstetric، ناشر: پروریس باورن، چاپ ۱۳۸۰، ۹۶۴ صفحه، ۶۶۲۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۷۰۴ صفحه	سه تفنگدار، الکساندر دوما، محمد طاهر بیژان‌مسکتری، ناشر: هرمس، چاپ ۱۳۸۰، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۲۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۲۲ صفحه	هفتاد و هفت، ناشر: شهر، چاپ ۱۳۸۰، ۵۰۰۰ نسخه

شاخص‌های آماری کتابهای کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰۰۰ ریال	سوالات امتحانی طبقه‌بندی شده ریاضی (۳) همراه با پاسخ تشریحی رشته تجربی، میرویس علی رحیمی، ناشر: کیا، چاپ ۱۳۸۰، ۲۶ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۱۰۰۰۰۰ ریال	کتور کارشناس ارشد مهندسی مکانیک، دروس تخصصی دینامیک و ارتعاشات، دینامیک / ارتعاشات / دینامیک ماشین، خلاصه مطالب درسی، نکات ویژه کنکور، ...، محمدرضا گویانی، ناشر: آزاد، چاپ ۱۳۸۰، ۵۷۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۰ مرتبه	پرسش‌های چهارگزینه‌ای شیمی (۲)، بهمن بازرگان، ناشر: مینگران، ۴۷۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۹۲۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	راهنمای تفکیکی دروس سال اول دبیرستان ۸۸-۱۳۸۷، محمدرضا ابراهیمزاده، ناشر: مستشرقان، چاپ ۱۳۸۰، ۸۰۰ صفحه، ۴۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	دیفرانسیل و انتگرال، دانش‌نامه رضوی، ناشر: راه علم، چاپ ۱۳۸۰، ۴۶، ۴۵ صفحه، ۹۹۰۰۰ ریال

تعداد آثاری در این هفته	تعداد کتابهای بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتابهای است
		مؤلف*	مترجم	
۴۱۳	۴۲	زن	۶۶	۴۲
		مرد	۴۸	
* مؤلف نامی پدیدآورندگان (با حذف نام، گردآورنده، مترجم و ...)				



صدای گیلان از زبان رشت



کار جمع آوری ضرب المثل های گیلکی با محوریت گویش رشتی را از حدود ۲۰ سال پیش شروع کردم. آغاز جمع آوری مثل ها به سال ۱۳۵۴، زمانی که تنها یک جزوه از ضرب المثل های

گویش رشتی در گیلان منتشر شده بود بازمی گردد؛ جایی که عزم خود را جزم کردم تا مثل های رشت و حومه را از محله ها و از میان رشتی های قدیم و جدید جمع آوری کنم.

آنچه امروز در کتاب «جا دگفته گبان» (ضرب المثل های گیلکی) در دست مخاطبان است به درستی تنها شامل مثل های رشت و حومه آن است و نه تمام گیلان. با وجود نقصی که بر عنوان این کتاب مبنی بر برداشتن تمام مثل های گیلکی وارد است، احساس کردم دیگر زمان آن رسیده که با انشار این کتاب، مثل های گویش رشتی از نوعی خاک خوردگی رها شوند. امروز استان گیلان، مرکزی فرهنگی با عنوان دیار تمان گیلان شناسی دارد که بی گمان باید برای حفظ این بنیان های زبانی تلاش کند. درباره «گیل تی تی» (دوبیتی های گیلکی) هم باید بگویم اشعار آن نوعی بازسازی با الهام از برخی شعرهای وزن دار گیلکی است.

این دوبیتی ها را می توان ادامه مجموعه ترانه های گیلکی که حدود ۳۵ سال پیش در رشت منتشر شد، دانست. پس از ترانه های گیلکی، کتابی با عنوان «آئو» از من منتشر شد که در آن نشر ترانه های گیلکی را ادامه دادم تا امسال که «گیل تی تی» از راه رسید. البته «گیل تی تی» پایان دوبیتی ها و شعرهای گیلکی ام نیست؛ چرا که اکنون در ادامه این دوبیتی ها، آماده سازی کتابی با عنوان «پبله» (سخنان مادر بزرگ) را در دست دارم.

تلاش برای احیای گویش گیلکی، به واقع عزمی جدی می خواهد. امروز متأسفانه بچه های گیلک به نوعی شهردگی دچارند که گاه فارسی را بهتر صحبت می کنند تا گیلکی. تلاش داریم به نوعی با سر و سامان دادن به این نوع کتاب ها علاوه بر پشتوانه سازی برای زبان گیلکی، با فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم همکاری کنیم. معتقدم در مجموع فرهنگستان زبان می تواند با به کارگیری گنجینه غنی واژگان گیلکی، بلوچی، لکی و... به زبان مادری قوت بخشد.

گیل تی تی: دوبیتی های گیلکی

دوبیتی گیلان همپای هایکوی ژاپن

جکتاجی، هوشنگ عباسی، عبدالرحمن عمادی و ابراهیم فخرایی فعالیت داشته اند اما خبر انتشار مجموعه شعری به گویش گیلکی، از آنجا که تنها برای گیلانیان و احیاناً متخصصان و پژوهشگران آن حوزه ادبی موضوعیت دارد، معمولاً به مرکز (تهران) نمی رسد. تفاوت «گیل تی تی» با عموم دیگر مجموعه شعرهای منتشر شده گیلکی در آن است که ترجمه دوبیتی ها در زیر آنها آمده و مخاطب فارسی زبان هم می تواند با مطالعه آنها، دست کم بخشی از زیبایی ها و ظرایف مضمونی را دریابد. این مطلب با توجه به این که مخاطبان آن فارسی زبان اند، بر همین ظرفیت های مضمونی دوبیتی ها تکیه دارد و بحث های تکنیکی را (از قبیل وزن، قافیه و صنایع لفظی بدیعی) به خود گلبه زنان و گلبه مردان که زبان خود را بهتر می دانند و قطعاً صلاحیت بیشتری در اظهار نظرهای آن حوزه دارند، واگذار می کند.



نخستین امری که در مطالعه این دوبیتی ها نظر را جلب می کند، حضور محسوس و غالب عناصر طبیعی است که مشخص است دلیل آن محیط زندگی یک گیلانی است. این توجه خاص به طبیعت، به دلیلی که به نظر نمی رسد چندان واضح باشد، گاه به شدت با نوع نگاه ژاپنی ها در هایکو هایشان پهلوی می زند تا آنجا که گاه هر یک از چهار مصرع یک دوبیتی می تواند به عنوان هسته مضمونی یک هایکو (البته فارغ از اختلافات فرمی) در نظر گرفته شود. برای نمونه می توان این مصرع های دوبیتی های مرادیان گروسی را مثال زد که که در خود، هسته محتوایی مناسبی برای تبدیل شدن به هایکو دارند: «پایت هر جا سبز گردد، آنجا خار سبز است: تی، پاه هر جا آگه سبزه، تمش سبز»، «این خارستان تمشک، سبزه نشده است: نبوسه هه گو ماران ولش، سبزه»، «اماران مراد در میان گور نیش خواهند زد: مراقبه درون ماران زیند نیش»، «هیچ چشم کوری فراوانی تو را نبیند: نیدینه هیتا کور چوم، تی بودا». شباهت برخی از این سطر ها با ترجمه هایی که از هایکو های ژاپنی خواننده ایم شگفت انگیز است ولی در این مطلب متأسفانه مجالی برای ذکر موارد خاص این شباهت ها نیست.

اگر به آغاز این مطلب بازگردم، می توانم نتیجه بگیرم که احتمالاً شباهت های اقلیمی بخش عمده ای از کشور ژاپن و شمال ایران در تشابه این هسته های محتوایی تأثیر داشته است و معتقدم اگر چه این حکمی نیست که به راحتی بتوان اثباتش کرد اما شاید ارزش پژوهش بیشتر را داشته باشد.

«گیل تی تی: دوبیتی های گیلکی» دربرگیرنده سروده هایی از علی اکبر مرادیان گروسی، در سال ۱۳۸۸ از سوی نشر گلبه مرد در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت چهار هزار و پانصد تومان منتشر شده است.

معمولاً به شدت از یکدیگر تأثیر پذیرفته اند. این تأثیر پذیری زیاد عموماً به دلیل کم بودن فاصله بین کانون های جمعیتی و تبادلات بازرگانی و فرهنگی پر شمار و همچنین مهاجرت های خواسته و ناخواسته بین این مراکز است. به هر حال، رسم شده (درست یا نادرست) که به دلیل مرکزیت شهر رشت و تکلم به زبان گیلکی در آن شهر، اولاً زبان گیلکی به عنوان زبان رسمی استان گیلان (بعد از زبان فارسی) و ثانیاً لهجه گیلکی رشت به عنوان لهجه مرکزی این گویش شناخته شوند. با این حال در استان گیلان زبان های دیگری با گویشوران پر شمار وجود دارند (مثل گویش دیلمی در مناطق کوهستانی جنوب و گویش تالشی در مناطق غربی و شمال غربی) و هم لهجه های بسیار دیگر (مثل لهجه لاهیجانی و رودباری).

بنابراین مقدمات، وقتی روی جلد کتاب دوبیتی های علی اکبر مرادیان گروسی می خوانیم: «گیل تی تی: دوبیتی های گیلکی» مشخص است که به چه دلیل مرادیان گروسی دوبیتی هایی را که با لهجه گیلکی رشت نوشته شده اند، نه با عنوان «دوبیتی های رشتی» که به عنوان «دوبیتی های گیلکی» معرفی کرده است. در واقع شعرهایی را که با لهجه گیلکی رشت نوشته شده باشند، عموم گیلانی های فهمند و با آن ارتباط برقرار می کنند، چنانچه فارسی استاندارد کتاب های درسی را عموم ایرانی ها از هر گوشه و کنار کشور متوجه می شوند.

علی اکبر مرادیان گروسی از پژوهشگران فعال حوزه زبان و ادبیات گیلکی است. تاکنون در این حوزه، پژوهش های گوناگونی مانند مسعود پورهادی، جعفر بخشی زاده محمودی، جهانگیر سرتیپ پور، محمد تقی پوراحمد

دوبیتی های گیلکی علی اکبر مرادیان گروسی که در واقع باید آنها را دوبیتی های گیلکی به لهجه رشت دانست، اخیراً به انضمام ترجمه فارسی منتشر شده اند. این مطلب نگاهی دارد به ماجرای مرکزیت یافتن لهجه رشت در میان گویش های مختلف گیلک و شباهت های مضمونی این دوبیتی ها با هایکوی ژاپن.

ماجرای تطور فرهنگ ایران، همیشه پیچیده بوده. مثلاً این که چطور می شود زبانی به نام فارسی دری طرف تنها دو قرن پس از حمله اعراب به ایران ایجاد شود و آنقدر گسترش پیدا می کند که تقریباً همه مردم ایران آن را به راحتی می آموزند و به عنوان زبان ملی در دربارها با آن شعر می گویند؛ در حالی که برای گسترش زبانی که اصلاً وجود نداشته، آن هم با امکانات زبانی و رسانه ای قرن های اول و دوم هجری، مشخص است که به زمانی بسیار پیش از اینها نیازمند است. چطور می شود که زبان پهلوی به آن سرعت فراموش می شود و عربی هم با همه فشار دربارهای اموی و عباسی بین مردم رسوخ نمی کند و در این میان، ناگهان، زبان فارسی دری برمی آید که در هر دو حوزه نحو و صرف، تفاوت های اساسی با هر دو زبان پهلوی و عربی دارد و عموم تأثیر پذیر هایش از این دو زبان، محدود به وام گیری های واژگانی می شود؛ آن هم با تغییر و تبدیل های زیاد معنایی و شکلی در واژگان عربی و پهلوی.

در این بین، ماجرای لهجه ها و بعضاً زبان های بومی گوشه و کنار ایران ماجرای به همان اندازه عجیب و پیچیده است. آنچه تقریباً همه متخصصان بر آن اشتراک نظر دارند این است که ویژگی های اقلیمی یک زیست بوم، بر شکل گیری ویژگی های زبانی مردمان آن ناحیه موثر است. گو این که حتی اگر متخصصی این حکم را نیز نپذیرد، نمی تواند ادعا کند که حفظ یا از دست دادن این مختصات زبانی کاملاً با شرایط اقلیمی آن زیست بوم مرتبط است. برای مثال در خطه میانی و مرکزی فلات ایران که امکان شکل گیری روستاها به دلیل کمبود آب بسیار کم است و در نتیجه فاصله بین مراکز تجمع مردم بسیار زیاد، زبان از یک زیست بوم تا زیست بوم مجاور گاه تغییرات بسیاری می پذیرد، در حالی که در حوزه زبانی شمال کشور، از اردبیل و آستارا تا گرگان و گنبد و ترکمن صحرا، با طیف زبانی (بالنسبه) پیوسته ای رویه روایم. دو لهجه کاملاً متفاوت ترکی - که برخی متخصصان معتقدند باید آنها را اصولاً دو زبان مختلف دانست - در اردبیل و آستارا از سوی و ترکمن صحرا از سوی دیگر به کار می رود و این بین، به ترتیب از غرب به شرق، با حرکت آرام و تدریجی گویش های ترکی، تالشی، دیلمی، گیلکی و طبری مواجه می شویم که

متلک در کوچه های رشت



«جادگفته گبان: ضرب المثل های گیلکی» از آخرین تالیفات علی اکبر مرادیان گروسی است که گنجینه ای از ضرب المثل های گیلکی را در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان این حوزه قرار می دهد. پیش از این یک کتاب دیگر نیز به تلاش علیرضا نوربخش در همین حوزه منتشر شده بود که تکیه آن بر ضرب المثل های گویش شرق گیلان بود. این کتاب با عنوان «ضرب المثل های گیلکی

به گویش مردم نواحی شرق گیلان» سال ۸۱ از سوی نشر گوبه به چاپ رسید. «جا دگفته گبان» از سوی نشر گلبه مرد در سال جاری منتشر شده است.

این کتاب بر اساس الفبا به ۲۹ فصل تقسیم شده است. روال کار این گونه است که تدوین کننده کتاب پس از درج اصل هر ضرب المثل به گویش گیلکی، برگردان فارسی آن را همراه استفاده خاصش گنجانده

در سه گروه نخست است. افزودن منبعی دیگر به کتاب های منتشر شده در حوزه مثل های گیلکی، با توجه به این واقعیات، رویداد فرخنده ای است. مرادیان گروسی در کنار سرودن شعرهایی به گویش گیلکی، پژوهش هایی نیز در حوزه دستور زبان گیلکی و افسانه های گیلک داشته است. برای مثال کتاب حاضر نمونه به روز شده ای است از کتاب دیگری که پیش از این با عنوان «مثل ها و اصطلاحات گیلکی» منتشر شده بود.

از دیگر کتاب های منتشر شده از علی اکبر مرادیان گروسی، می توان به این عناوین اشاره کرد: «لک لک پیر» شعر گیلکی، «قصه هایی از گیلان»، «ترانه های روستایی گیلک»، «کو کوره کو» شعر گیلکی، «عمو نوروز، دیو و هفت سین»، «مثل ها و اصطلاحات گیلکی»، «گیجگره» شعر امروز گیلکی، «آئو» دوبیتی های گیلکی، «هشاشعر» شعر گیلکی، «آفتاب شوران» شعر گیلکی، «کوبار» غزل گیلکی، «گورخانه واران» غزل گیلکی، «وندواژه های گیلکی گویش رشتی»، «در فصل های پنجم هر سال» شعر فارسی، «شال ترس مامد» ادبیات فولکلور که دربرگیرنده یک منظومه بلند گیلکی است، «کیشکرک خوش خیره» شعر گیلکی و «مصدر در زبان گیلکی گویش رشتی».

است. آوانوشت های استاندارد واژگان گویش گیلکی (به لاتین) در این کتاب به خواننده کمک شایانی در درست خواندن متن ضرب المثل ها خواهد کرد. تعداد ضرب المثل های گردآوری شده به ۱۵۱۱ عدد می رسد که به نظر حجم مناسبی از ضرب المثل های این خطه را شامل می شود و به ویژه با توجه به نقش پررنگ مثل ها و مثل ها در آشنایی با فرهنگ یک بوم خاص، مطالعه کتاب راحتی برای خوانندگان غیر گیلانی که قصد آشنایی بیشتر با فرهنگ مردمی گیلان را دارند جذاب می کند. واژه نامه پایانی کتاب (که همانند دیگر بخش ها آوانوشت گیلکی را ضمیمه هر واژه در خود دارد) مجموعه ای از پرکاربردترین واژگان گویش گیلکی را در اختیار خواننده می گذارد.

در اسناد الکترونیک کتابخانه ملی، می توان نام نزدیک به ۴۲۰ کتاب مختلف را مشاهده کرد که درباره ضرب المثل ها تالیف یا ترجمه شده اند. بیشتر این کتاب ها گردآوری ضرب المثل های زبان فارسی، تعداد کمتری پژوهش در این حوزه و بخش کمتری گردآوری ضرب المثل های گویش های حاشیه ای زبان فارسی را شامل می شوند از این رو مشخص است که شمار آثار تخصصی در حوزه پژوهشی مثل ها و مثل های گویش های حاشیه ای بسیار کمتر از آثار منتشر شده

درباره «از معنا تا صورت» اثر مهدی محبتی

خزنده پنهانی که جوانمرگ می کند

است که از نظر محبتی ماجرا هرگز صرفاً ادبی نیست بلکه مجموعه درهم تنیده‌ای از عوامل ریز و درشت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی دست به دست هم داده‌اند تا به تدریج از قرن چهارم و پنجم به بعد، از زیباشناسی ادب فارسی کاسته و به بلاغت افزوده شود. البته، این جای امیدواری است چون محبتی یک آکادمیسین است و ماجرا از شفیع کدکنی و چند تن از شاگردانش، چنین تاخت و تازهایی علیه حاکمیت بلاغت بر مباحث نظریه ادبی فارسی را کمتر دیده‌ایم. این امیدواری از این روست که هرگونه تحول بنیانی در رویکردهای ادبی که بخواهد به تحول فرخنده‌ای در ادبیات فارسی منجر شود، متأسفانه یا خوشبختانه، باید از مجرای دانشگاه اعمال شود. برای مثال در جامعه حرفه‌ای شعر ایران، دست کم دو دهه است که فنون بلاغت دیگر جایگاه گذشته خود را ندارند و عموم نقدها - اعم از نیرومند و ضعیف - با رویکردهای دیگری نوشته می‌شوند. به این ترتیب، اثرگذاری عام این جهت‌گیری‌های تازه، خارج از حوزه چند دهه شاعر خاص، تقریباً در حد صفر است. تنها آکادمی است که می‌تواند در تغییر ذائقه کلی جامعه از رهیافتی چند صد ساله به رهیافت‌های نوین و صد البته بومی، واقعا مؤثر باشد.

صورت‌گرایی و ریاکاری

این بخش از کتاب محبتی شاید خواننده را به یاد این حدیث مشهور پیامبر (ص) بیندازد: «انما الاعمال بالنیات». محبتی معتقد است در فضای که بر اساس دیدگاهی ظاهرگرا، ملاک همه چیز برای مردمان فقط صورت و ظاهر اعمال است و بر همین مبنا، ریا مهم‌ترین رویکرد اقشار اجتماعی است، «صورت» نیز به مبنای وحدت اجتماعی و ملاک قضاوت‌های ذهنی - هنری همه مردم تبدیل شود و بیش از هر جا، خود را در حوزه ادبیات - به عنوان برآیند اصلی و جاودانه آمل و کنش‌های اجتماعی - نشان دهد. اینجاست که بنا به تحلیل محبتی، صورت‌گرایی و فرمالیسم خاص نهفته در زیباشناسی ادب فارسی (و عربی) دقیقاً با صورت‌گرایی و فرمالیسم نهفته در متن‌پدیده‌های اجتماعی موازی‌اند. نتایج اجتماعی این نگاه ظاهرگرا در متن جامعه، خود را در قالب فجایعی چون بردار کردن منصور حلاج و پوست کندن عین‌القضات همدانی نشان داده است. اما در ادبیات، باید کمی دقیق‌تر بود و تخصصی داشت تا بتوان فجایع ادبی را شناسایی کرد.

«از معنا تا صورت» با زیرعنوان «طبقه بندی و تحلیل ریشه‌ها، زمینه‌ها، نظریه‌ها، جریان‌ها، رویکردها، اندیشه‌ها و آثار مهم نقد ادبی در ایران و ادبیات فارسی» اثر مهدی محبتی اخیراً از سوی انتشارات سخن در دو جلد با قیمت ۲۳۰۰۰ تومان به چاپ رسیده. شمارگان این کتاب در شناسنامه ذکر نشده است.



عبدالقاهر جرجانی که بنیاد اثر ادبی نه بر لفظ و نه بر معنا، بلکه بر نظم ساختاری آن (به اصطلاح، صیانت درونی کلام) استوار است، به مهم‌ترین بنیان‌عام در نفوذ شکل خاصی از صورت‌گرایی به مباحث نظری ادب فارسی تبدیل شد. دایره صورت‌گرایی اندیشمندان مسلمان تا آنجا گسترش می‌یابد که در مقدمه ابن‌خلدون، این اندیشمندان، ادبیات را صرفاً صورت محض می‌داند و بر ضرورت شناخت دقیق قالب‌های ادبی تأکید بسیار می‌کند.

بلاغت؛ خزنده پنهانی که جوانمرگ می کند
محبتی افسوس می‌خورد که چرا دیگر گرایش‌های نظری در ادب فارسی تحت تأثیر روزافزون نظریه‌های بلاغی - که عمدتاً مبتنی بر صورت‌گرایی هستند - از رواج افتاده‌اند و جوانمرگ شده‌اند. او از اصطلاحاتی جامعه‌شناسانه مانند «دایره تقلیل» استفاده می‌کند تا بطن ماجرا را بهتر نشان دهد. محبتی می‌نویسد همان‌طور که گاه به نظر می‌رسد محرم با آن شمول فرهنگی عام خود به تدریج به مراسم سینه‌زنی تقلیل یافته است، نظریه ادبی فارسی نیز طی سده‌ها به بلاغت فرو کاسته شده و از یک نظریه عام به یک قلمرو خاص و تک‌ساحتی تقلیل یافته است.

نابودی معتزله؛ زمینه‌ساز کاهش ادب فارسی
یکی از نتایج پژوهش محبتی این است که نابودی اندیشه خردگرا و ذاتا ایرانی معتزله و به موازات آن، رواج اشعری‌گری، سلفی‌گری و اخباری‌گری و نیز آشفتنی درونی حکومت مرکزی اسلام در بغداد از مهم‌ترین عوامل در آن تقلیل ادبی هستند که در بخش گذشته به آن اشاره شد. در کنار اینها، تأکید هرچه بیشتر اندیشمندان ادبی بر زیباشناسی قرآن بر اساس فنون بلاغت جا را برای دیگر انواع تبیین‌های ادبی (حتی از متون دیگر) تنگ‌تر می‌کند. پس مشخص



چندین رویکرد مختلف در قالب دوره‌های درسی ۲۰ تا ۳۰ ساعته در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا تدریس می‌شود. اینجاست که می‌بینیم ادامه یافتن بخشی از پژوهش‌های بنیادین شفیع کدکنی در حوزه مطالعات ادبی در کتاب یکی از دانشجویان او رویداد خجسته‌ای است.

شفیع کدکنی در «نقد ادبی در سبک هندی» می‌نویسد که نسبت شعر و نقد شعر در ایران نسبت وارونه‌ای است؛ یعنی در دوره‌هایی که شعر در اوج بوده (نمونه دوره‌های اوج شعر، دوره فردوسی و خیام و دوره مولوی و سعدی) نقد شعر رونقی نداشته و به عکس، اواخر دوره صفویه و زنده‌که به باور او دوره انحطاط شعر و شاعری است، نقد ادبی رو به پیشرفت می‌رود. شاید بتوان وضع فعلی ما را بر همین اساس بررسی کرد. طی یکی دو دهه گذشته شاعر بزرگی که قبول عام بیابد و عموم مردم شعرش را دوست داشته باشند ظهور نکرده؛ در سوی مقابل می‌بینیم که بیشترین بحث‌های تئوریک ادبی طی همین دو دهه در کشور در گرفته است.

نظریه داریم؛ ولی نه از جنس غربی

محبتی در کتابش تأکید دارد که ما در ایران مقوله نقد ادبی را به شکلی خاص خود داشته‌ایم؛ ولی نظریه‌ای که ما داشته‌ایم از جنس نظریه غربی نیست و گاه شمایی ذهنی و نامکتوب به خود می‌گرفته که بر اساس همان شمایی ذهنی نظری، شاهکارهای ادب فارسی پا گرفته‌اند. از نظر او، تقریباً همه نظریه‌پردازان ادب فارسی صورت‌گرا هستند؛ ولی نه به معنای فرمالیسمی که در آغاز سده ۲۰ میلادی در روسیه پدید آمد. او می‌نویسد که چون ایران پس از اسلام در متن جهان اسلام بالید، در حوزه ادبیات نیز از بحث‌های نظری اندیشمندان اسلامی متأثر بود. پس، این نتیجه‌گیری اندیشمندان چون عبدالجبار معتزلی و

نسل جدید استادان زبان و ادب فارسی در سال‌های گذشته شکل دیگری از مطالعات ادبی را و جبهه هم‌تش قرار داده است. استادانی چون محمود فتوحی و مهدی محبتی در واقع خطوطی را در مطالعات ادبی ادامه می‌دهند که بیش از همه با شفیع کدکنی شناخته می‌شود و او است که قاطبه این استادان امروز میانسال را به این‌گونه اندیشیدن، نوشتن و پژوهش راهنمایی کرده است؛ تا آنجا که تقریباً همه این استادان، اذعان دارند نخستین جرعه‌های این‌گونه مطالعه را در کلاس‌های درس او تجربه کرده‌اند.

«بلاغت تصویر» محمود فتوحی که منتشر شد، کاملاً مشخص بود که ادامه‌ای است از نگاه فردی دیگر بر کتاب «صور خیال در شعر فارسی» شفیع کدکنی. همچنین وقتی «موسیقی شعر حافظ» اثر ذره‌دادجو منتشر شد، نویسنده تأکید کرد که انجام چنین پژوهشی بدون راهنمایی و تأیید شفیع کدکنی و نیز، بی‌توجه به یافته‌های وی در یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایش، یعنی «موسیقی شعر» امکان‌پذیر نبوده است.

حالا کتاب دیگری از راه رسیده: «از معنا تا صورت» اثر مهدی محبتی. این کتاب که می‌توان با خیالی آسوده آن را نیز ادامه بخش دیگری از پژوهش‌های شفیع کدکنی دانست، نقد ادبی فارسی را از آغاز شکل‌گیری تا قرن یازدهم هجری بررسی می‌کند. ریشه‌های این کتاب را باید در چند کتاب دیگر شفیع کدکنی جست که از جمله مهم‌ترین آنها، «شاعری در هجوم منتقدان؛ نقد ادبی در سبک هندی؛ پیرامون شعر حزین لاهیجی» است. در واقع چند شاخه از مهم‌ترین انواع مطالعات ادبی آکادمیک طی ۵۰ سال گذشته توسط شفیع کدکنی معرفی شده‌اند و دانشجویانش هر یک بنا به سلیقه و مزاج، تلاش می‌کنند پژوهش در یکی از این شاخه‌ها را قدری بیشتر پیش ببرند.

ماجرای نقد ادبی در ایران به دلایل زیاد همیشه ماجرای پیچیده بوده، برای مثال به دلایلی که بخشی از آنها در نتیجه پژوهش‌های دهه‌های گذشته امروز دیگر مشخص است، نقد ادبی در ایران همواره نقدی بلاغی بوده است و تکیه خود را بر سه حوزه معانی، بیان و بدیع گذاشته. این وضع تا همین صد سال پیش به نوعی و تا همین امروز به نوعی دیگر ادامه داشته است. در حالی که در اروپا دست کم از قرن ۱۸ میلادی به بعد، گرایش‌های تازه‌ای در نقد ادبی ایجاد شد که انگشت اشاره خود را نه به سوی استعاره، کنایه، مجاز، ایجاز، اطاب و دیگر صنایع لفظی و معنوی بدیعی، بلکه به جانب عناصر دیگری نشان رفته بودند؛ تا جایی که امروز در غرب شاخه‌های مطالعات ادبی آنچنان گسترش پیدا کرده که تنها ذکر نام مکاتب نقد شناسنامه داری که بر اساس آموزه‌هایشان می‌توان بر یک داستان یا شعر، نقد نوشت، به چند صفحه بالغ می‌شود. برای مثال تنها در حوزه نقد اسطوره‌شناختی

یادداشت

مهدی محبتی

نویسنده «از معنا تا صورت»



ادب فارسی بی نظریه نبوده است

کتاب از معنا تا صورت در واقع نخستین تلاش‌ها برای پی‌ریزی و اثبات یک نظریه ادبی ایرانی و بومی است که در جست‌وجوی ۱۰ ساله و شبانه‌روزی به انجام رسیده است.

بنیاد نظری این کتاب پاسخی روشمند، مستدل و مستند به این پرسش اساسی است که آیا می‌توان بدون تکیه بر مبانی نظری و تئوریک دست به خلق اثر ادبی زد؟ سنت ادبی ما که - به هر حال و با

هر نگاه - بخشی از والاترین آثار ادبی را به بشریت هدیه کرده است چگونه می‌توانسته بدون اتکا بر بنیادهای مستحکم نظری و نیز نقد و نظریه‌ای قوی و قویم، پیدا شود، رشد کند و استمرار یابد؟

از دیگر سو اگر آثار ادبی ما - خصوصاً بهترین‌ها و برترین‌ها - بر پایه سنت‌ها و نگره‌های استوار و هماهنگ به وجود آمده‌اند، این مبانی و نگره‌ها کجا هستند و چگونه تدوین شده‌اند؟ آیا می‌توان با جریان‌های عام و شایعی که می‌گویند فرهنگ و ادب ایرانی، هیچ‌گاه نقد و نظریه ادبی دست‌گامندی نداشته است و موضوعات و مبانی نقدی و نظریه‌ای را از غرب گرفته است، هم‌نوا شد و کلیت مباحث تئوریک ادبی سنتی را مثنی‌ی بحث‌های پراکنده و پریشان تلقی کرد؟ این کتاب حاصل کوشش‌های نویسنده برای یافتن و بی‌انداختن پاسخ‌هایی مستدل و مستند به این پرسش‌ها است. با استفاده از

دیدگاه‌های استادان برجسته و کتاب‌های مهمی که در طول دوران هزار ساله ادبیات فارسی پیدا شده و ماندگار شده‌اند، همچنین برای رسیدن به پاسخ‌هایی معقول، مولف، زمینه‌ها، ریشه‌ها، جریان‌ها، رویکردها، چهره‌ها و آثار مهمی را که در این هزار سال در ادبیات فارسی پدیدار گشته‌اند، یا به زبان عربی و انگلیسی مطلبی مستقیم یا غیرمستقیم - مرتبط با این مسائل - نوشته‌اند؛ پی‌گیری کرده و در مجموع دو هزار منبع و دویست چهره و کتاب مهم و ممتاز را بررسی و مطرح ساخته است و چهره‌های تأثیرگذاری را - که ایرانی‌اند یا بر فرهنگ و ادب ایرانی تأثیر گذاشته‌اند، اما در دوران گذشته به عربی مطلب نوشته‌اند - مانند ابن‌سینا، فارابی، ابن‌قتیبه و عبدالقاهر جرجانی را معرفی کرده است و دیوان‌ها و کتاب‌های مهم منشور را مورد به مورد جست‌وجو و مطالبشان را طبقه‌بندی کرده و مطرح ساخته است.



تاریخ برای کودکان

■ محمود برآبادی، نویسنده



این روزها نگارش کتابی با عنوان «اسکندر مقدونی» از مجموعه «ت مثل تاریخ» را در دست دارم. این کتاب شامل زندگی نامه اسکندر مقدونی و داستانی از روایت زندگی او برای کودکان است که توسط انتشارات مدرسه راهی بازار خواهد شد. پیش تر از همین مجموعه زندگی نامه «امیر اسماعیل سامانی» را تالیف و منتشر کرده بودم. تا یک ماه دیگر نیز کتاب تاریخی «عین القضاة همدانی» برای مخاطبان نوجوان در ۸۴ صفحه توسط همین انتشارات منتشر خواهد شد. عین القضاة همدانی عارف نامدار سده ششم هجری است. او نیز مانند حسین بن منصور حلاج در گفتن آنچه می دانسته بی پروا بوده است.

تاکنون دو جلد از «مجموعه داستان های تاریخی» را توسط انتشارات طرح و اجرای کتاب منتشر کرده ام که جلد نخست آن به برخی شخصیت های پیش از اسلام و جلد دوم آن به شخصیت های بعد از اسلام و تا دوره قاجار اختصاص داشته است.

این مجموعه توانسته توجه کودکان و نوجوانان را به خود جلب کند اما تصمیم دارم سایر داستان های تاریخی را نیز برای این رده سنی در قالب همین مجموعه تالیف و تا پایان امسال منتشر کنم.

اخیراً نیز پنج جلد از مجموعه کتاب های «می خوی چه کاره بشوی» برای دانش آموزان دوره راهنمایی توسط دفتر پژوهش های فرهنگی و به قلم من منتشر شد. این مجموعه به معرفی مشاغل اختصاص دارد که هر یک در ۲۴ صفحه، شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و قطع رقعی روانه بازار کتاب شده اند. «مهندسی ترافیک»، «راننده اتوبوس»، «راننده تاکسی»، «راهبر مترو» و «پلیس راهنمایی» عنوان پنج جلد نخست از این مجموعه اند.

فرهنگ لغت عربی به فارسی

■ محمد حسن فؤادیان، مصحح آثار عربی

تصحیح من بر جلد نخست «فتنه العرب فی اللغة العرب» فرهنگ لغت عربی به فارسی، توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده و جلد دوم آن نیز به زودی منتشر خواهد شد.

نویسنده این فرهنگ لغت چهار جلدی با بیش از ۲۰۰ سال قدمت، عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پور شیرازی است و هر جلد آن حدود ۱۰۰۰ صفحه را در بر می گیرد. همین روزها انتشارات دانشگاه تهران کتاب دیگری با تصحیح من و عنوان «تحفه القراء» اثری از ملا مصطفی قاری تبریزی را منتشر می کند. این کتاب در رابطه با تجوید قرآن و از آثار فارسی عالمان شیعی در عصر صفویان است.

تصحیح مجموعه اشعار «دعبل خزایی» (از شاعران اهل بیت (ع)) به پایان رسیده است. این کتاب شامل شرح عربی می شود که توسط داماد علامه محمد باقر مجلسی، کمال الدین فسوی نوشته شده است اما هنوز انتشاراتی را برای چاپ این کتاب برنگزیده ام. «خزانه الخیال» (مجموعه مقامات ادبی) اثر محمد مومن مشهدی مراحل پایانی را طی می کند. این کتاب را توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر خواهم کرد چرا که منبعی آموزشی و ارزشمند برای دانشجویان رشته ادبیات است. مجموعه مقامات این کتاب مطالب

مختلفی درباره پند و اندرزهای حکمت گونه را در بر می گیرد.

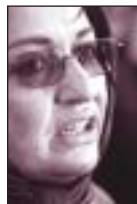
همچنین کتابی تالیفی با عنوان «مناقب علوی در مثنوی معنوی» را آماده انتشار دارم. تالیف این کتاب حدود یک سال به طول انجامید. در این کتاب تمامی اشعار مولانا درباره حضرت علی (ع) گردآوری شده و تحلیلی بر آنها صورت گرفته است. در کتاب آورده ام که ستایش های به کار گرفته شده در سروده های مولانا همگی مبتنی بر ستایش های روایی اند. شاید این کتاب را برای انتشار به نشر «انس تک» بسپارم.

گردآوری رجز خوانی شهدای کربلا با ترجمه منثور و منظوم به همراه توضیح مختصری درباره زندگی این افراد را نیز در کتابی با عنوان «ترجمه رجز های شهدای کربلا همراه با ترجمه منظوم» ارائه کرده ام. ویژگی این کتاب بخش ترجمه منظوم آن است که برگرفته از سروده های شعرای دوره قاجار است اما هنوز ناشی برای آن برنگزیده ام.

اما کار جدیدی که این روزها مشغول انجام آن هستم، تصحیح «آیات الولایه» اثر آقامیرزا ابوالقاسم الحسینی الشریفی الذهبی الشیرازی معروف به آقامیرزا بابا است. در این کتاب ۲۰۰ صفحه ای، هزار و یک آیه درباره ولایت حضرت علی (ع) در قرآن گردآوری و ارائه شده است.

ترجمه جدید «خانم دالوی»

■ فرزانه طاهری، مترجم



دو ترجمه را در انتظار انتشار دارم؛ یکی چاپ دوم رمان «عطش آمریکایی» نوشته ریچارد رایت با تجدید نظر است که چاپ نخست آن در سال ۱۳۶۴ منتشر شده بود و دیگری رمان «خانم دالوی» نوشته ویرجینیا وولف، نویسنده بریتانیایی که چند ماه پیش ترجمه آن به پایان رسیده و تحویل انتشارات نیلوفر داده ام.

این رمان یکی از با ارزش ترین و مهم ترین آثار وولف و از رمان های مدرنی است که تبدیل به یک اثر کلاسیک شده و من حدود دو سال روی ترجمه آن کار کردم. در گذشته، پرویز داریوش ترجمه ای از این رمان را منتشر کرده بود، اما من همواره این نیاز را احساس می کردم که ترجمه جدیدی از این اثر ارائه کنم. با وجود این دو اثر که آماده انتشارند، آخرین ترجمه ای که از من منتشر شده، مربوط به نمایشنامه «مردی برای تمام فصول» اثر رابرت بولت است که دو سال پیش توسط نشر قطره منتشر شد.

شعر از نگاه شاعر

■ سعید یوسف نیا، شاعر

«پنجره های رو به خاک» عنوان مجموعه مقالات ادبی و فرهنگی دو دهه گذشته به قلم من است که پیش تر در نشریه های ادبی و تخصصی مانند مجله شعر و روزنامه جام جم منتشر شده بود. این کتاب شامل ۶۰ مقاله درباره شعر، ادبیات داستانی، حکمت و فلسفه است که توسط انتشارات تکا منتشر خواهد شد.

در این مجموعه سعی کرده ام نقطه نظرات خود را با نگاه شاعرانه به مجموعه شعرهای منتشر شده تحریر کنم. همچنین برخی از مقالات آن به ادبیات پایداری و ادبیات داستانی ما در سه دهه گذشته اختصاص دارد. شاه رخ تندر و صالح نیز درباره ادبیات پایداری گفت و گویی با من داشت که تاکنون منتشر نشده بود اما نخستین بار در این کتاب منتشر می شود. «سیری در سلوک هند» یکی دیگر از مقالات این کتاب است که به نوعی سفرنامه محسوب می شود و به شنیده ها و دیده های من در سفرم به هند با نگاهی شاعرانه پرداخته است.

۲۵ مقاله با عنوان «بشنو از مولانا» که پیش تر در روزنامه جام جم منتشر شده بود با ویرایشی جدید و ۲۵ مقاله دیگر با عنوان «یک نکته از این معنی» در این

کتاب آمده است. «یک نکته از این معنی» نگاهی به یک بیت از شعر شاعرانی چون مولانا، سنایی، عطار، بیدل و صائب تبریزی دارد که در کتاب به شرح و تعبیر آنها پرداخته ام.

دو رمان نیز نوشته ام اما هنوز تصمیم ندارم آنها را منتشر کنم چرا که معتقدم نوشتن رمان خطر کردن است. اما کتابی که این روزها مشغول نوشتن آن هستم و به احتمال زیاد عنوان «گنجشک ویزا نمی گیرد» را برای آن برخواهم گزید، کتابی است شامل تمام مقاله ها، ترجمه ها، طنز، خاطره، نقد و دستنوشته های سید حسن حسینی با مقدمه ای به قلم من در آغاز. این مطالب راهمسر حسینی گردآوری و نگهداری کرده و نسخه ای از آنها را در اختیار من گذاشته تا به نوعی تنظیم و ویرایش ادبی شود. این کتاب حدود ۶۰۰ صفحه خواهد شد و پنج ماه می شود که مشغول تدوین آن هستم.

این کتاب تعریف تازه ای از سید حسن حسینی ارائه خواهد کرد و بعد دیگری از ابعاد شخصیتی او و توانایی اش در نگارش سبک های ادبی، ترجمه، طنز و فرهنگ نویسی را به وضوح در آن می توان یافت. عنصر غالب در تمام مقاله های او طنز است. حتی در جدی ترین آثار او نیز می توان رگه هایی از طنز را دید. یکی از مقاله های ترجمه شده توسط حسینی که برگرفته از سخنرانی نزار قبانی است، عنوان «گنجشک ویزا نمی گیرد» را دارد. البته حسینی مقدمه ای بر آن نوشته و بخش هایی از سخنرانی را تفسیر و توضیح داده است که به نظر من عنوان همین مقاله برای کتاب مناسب تر خواهد بود.

آخرین کتابی که از من منتشر شد مجموعه شعری در ۳۰۰ صفحه با عنوان «دوباره از خاک» بود که توسط نشر تکا روانه بازار کتاب شد. این مجموعه شامل برگزیده کل سروده های من طی سه دهه گذشته در قالب غزل، مثنوی، نیمایی و سپید است. اغلب مضامین حکمی، عرفانی را با نگاهی تازه اما درونمایه ای سنتی در این سروده ها دنبال می کنم و معتقدم در شعر باید به زبان امروز نزدیک شویم؛ همان کاری که من در سروده های نیمایی و سپیدم انجام داده ام چرا که حقایق زندگی هیچ گاه تغییر نمی کند بلکه نوع نگاه و نوع توصیف ما تغییر کرده است.

داستان های یک صفحه ای

■ عبدالصالح پاک، نویسنده



مجموعه داستان های یک صفحه ای ام را در کتابی با عنوان «داستانک ها» توسط انتشارات ماه ریز منتشر خواهم کرد. همه این داستان هاطی سال های اخیر نوشته شده اند.

داستان های این کتاب آماده انتشار، روایت های کوتاه زندگی افراد و آرزوهای آنهاست. طراحی جلد آن انجام شده و کتاب مراحل پایانی انتشار را می گذراند. این روزها مشغول نگارش رمان بلندی نیز هستم. این رمان که حدود ۲۰۰ صفحه و با محور بومی، محلی به مسائل فرهنگی ترکمن ها می پردازد، توسط انتشارات تندیس منتشر خواهد شد اما عنوان آن هنوز مشخص نشده است.

در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز کتابی از من با عنوان «۵۵ افسانه ترکمنی برای نوجوانان» توسط انتشارات قدیانی زیر چاپ است. این کتاب حاصل ۱۵ سال تحقیق و آشنایی من با افسانه هایی ترکمنی است که در چهار جلد کتاب گردآوری شده است. پیش تر دو جلد از این مجموعه توسط انتشارات قدیانی منتشر شده بود و نشر تندیس نیز جلد سوم آن را منتشر کرد اما حالا جلد چهارم این مجموعه تا دو ماه دیگر با تصویرگری مارال صیادچی روانه بازار کتاب می شود.

اخیراً نیز دو کتاب از من با عنوان های «گرگ آوازخوان» و «روباہ دم بریده» برای کودکان توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

یادداشت



محسن فرجی

نویسنده و روزنامه نگار

به مناسبت سالگرد فوت عمران صلاحی

شاعری که میز کار نداشت



شعر عمران صلاحی در زمان حیاتش دیده شد، اما باور دارم این سروده ها به جایگاهی که شایسته آن است دست نیافتند و آن نشدند که باید. دو امر اساسی در این زمینه موثر بودند و نخست، شخصیت مقرون به حیای عمران.

گرچه قلم او طنزهای شیوایی داشت، اما در شخصیتش شرم و حیایی عجیب ریخته بودند که حتی مانع می شد سراغ ناشی برود و برای انتشار سروده هایش، تلاشی کند. این ناشران بودند که سراغی از او می گرفتند و تنها اگر ناشی به او پیشنهادی می داد، می پذیرفت و به این طریق بود که کتابی از عمران صلاحی منتشر می شد.

یادم هست در گفت و گویی شفاهی، سخن از چهل دفتر شعر می گفت که آماده چاپ دارد. منظورش طنزهایش نبود. او چهل دفتر شعر غیر طنز داشت؛ سروده هایی که نه در زمان حیاتش که تا امروز که سه سال از خاموشی اش می گذرد، چاپ نشده اند.

اما این ماجرا، غم انگیزترین واقعیت زندگی این شاعر نیست. آنچه روحش را می آزرده داشتن محلی برای آسودگی، اندیشیدن و نوشتن بود. عمران حتی میزی مستقل برای کار نداشت. در دفتر نشریات می نوشت و شاید هرگز خلایقیت در آرامش و امنیت را تجربه نکرد. شاید اگر چنین نبود، نبوغ و استعداد خفته در این شاعر، بیشتر مجال ظهور می یافت.

کیوان باز در مقدمه گفت و گویش با صلاحی که در مجموعه «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» منتشر شده نیز به این نکته که عمران فضایی آزاد، مستقل و آرام برای گفت و گو و نوشتن نداشته، اشاره کرده است.

گذشته از این دو عامل که شاید موجب جفایی شد بر شعر معاصر ما، حالا باید به انتشار سروده های منتشر نشده عمران اندیشید. این عمل از دو منظر دارای اهمیت است.

نخست این که شعر او شعری نسبتاً ساده و به بیان دیگر سهل و ممتنع است. شعری که به ادبیات بدنه تعلق دارد و می تواند خواننده را به سوی خواندن شعرهای شاعران سخت سوق دهد. این برای شعر ما امر کوچکی نیست.

شعر عمران شعر واسطه است و در آشتی مخاطب علاقه مند به شعر با شعر جدی نقش بازی می کند. شاید بتوان گفت شعر او سکوی پرشی است برای مخاطب آشنا با شعر که از او خواننده حرفه ای شعر بسازد.

دیگر این که اگر سروده های منتشر نشده عمران صلاحی به چاپ برسند، سایه سنگین طنزپرداز صرف بودن از نام او زدوده شده و روشن خواهد شد که شعر او همتا و همپای طنزش و شاید برجسته تر از آن بوده است.

در حقیقت انتشار آثار منتشر نشده صلاحی که کم هم نیستند و بررسی کمی و کیفی آنها، جایگاه شایسته عمران صلاحی در تاریخ ادبیات معاصر ما را نمایان تر می کند و چرا کسی را که جایگاهی است، نبینیم و فراموش کنیم.

هرچند حالا دیگر این ناشران هستند که باید سراغ خانواده، آشنایان و دوستان عمران و هرکس که شعری از او در دست دارد، برونند و تا فرصت هست، شعرهایی را چاپ کنند که شاعر در زمان حیاتش، تلاشی برای انتشارشان نکرد.